



نام کتاب

ارتباط با خدا

کلام خدا، تفکر، دعا

نویسنده: لوك رايان



انجمن تحقیقات کتاب مقدسی رایان



انتشارات کلیسای خداوند عیسی مسیح

فهرست مطالب

پیش گفتار:.....	۱
انواع ارتباط با خدا:.....	۵
کلام خدا:.....	۵
تفکر:.....	۸
دعا:.....	۱۰
شکلهای دعا:.....	۱۴
دعای پرستشی:.....	۱۴
دعای شکرگزاری:.....	۱۸
دعای حاجتی:.....	۲۲
دعای حاجتی دنیوی:.....	۲۲
دعای حاجتی روحانی:.....	۲۵
اصول دعای پسندیده خدا:.....	۲۷
قالب دعای مسیحی:.....	۳۰
۱- دعا از جایگاه عادل شمردگی:.....	۳۰
۲- دعا در نام خداوند عیسی مسیح:.....	۳۲
۳- دعا از موضع فرزند خواندگی:.....	۳۴
۴- دعای کوتاه، گزیده، شایسته:.....	۳۶
آداب شایسته دعا:.....	۳۸
پوشیدن لباس مناسب:.....	۳۸
گذاشتن پوششی بر سر:.....	۴۰
پای برهنه:.....	۴۸
در خلوت دعا کردن:.....	۴۹
ایستادن یا به زمین نشستن:.....	۵۱

- ۵۲ دعای در وقت درست:
- ۵۴ موقع خوردن خوراک:
- ۵۵ برای سرکار رفتن:
- ۵۷ برای بیماری:
- ۵۹ برای مسافرت:
- ۶۰ زمان بندی برای دعا:
- ۶۷ موضوعات دعای حاجتی روحانی:
- ۶۸ طلب بخشش از گناهان و خطاها:
- ۷۰ نگاه خاص و حضور همه لحظه خداوند:
- ۷۰ طلب حکمت و فهم کلام خداوند:
- ۷۳ طلب گسترش ملکوت خداوند:
- ۷۴ پناه بردن به خداوند از فوج شریران:
- ۷۵ درخواست رفع مصیبت و بلا:
- ۷۹ طلب دعا برای خادمین کلیسا:
- ۸۰ طلب سلامتی برای دردمندان:
- ۸۱ طلب خدمتگزاری و دریافت عطایای سماوی:
- ۸۲ طلب روزی روزانه از خداوند:
- ۸۳ دعا برای ایمانداران:
- ۸۶ دعای چه کسانی رد یا پذیرفته می شود؟:
- ۸۶ دعای شریران:
- ۸۷ نقض کنندگان شریعت:
- ۸۸ دعای بدکاران:
- ۸۹ دعای اشتباه:
- ۹۱ دعای مقدّسین:
- ۹۲ دعای با ایمان:

به نام خدای خدایان، پادشاه پادشاهان، خدای قدیر، خدای مشیر، پدر سرمدی، سرور
سلامتی، الف و یاء، ابتدا و انتها، اوّل و آخر، او که بود و هست و می آید.
* به نام خداوند عیسی مسیح *

پیش گفتار:

برقراری ارتباط با خدا در نزد مسیحیان از جایگاه بسیار ویژه‌ای برخوردار است. از اشکال مختلف ارتباط با خدا، می توان گفت که دعا بسیار مورد توجّه مسیحیان بوده و به آن ممارست می ورزند تا به حدی که مردم دنیا مسیحیان را با دعاهایشان می شناسند؛ اما ارتباط مستقیم داشتن با خدا از دیدگاه مسیحیت کاملاً مغایر با آن چیزی است که در نزد سایر آیینها و مذاهب تعریف می شود.

علاوه بر تعریف مغایری که از ارتباط با خدا وجود دارد، باید گفت که قدرت و تأثیر چنین ارتباطی در نزد مسیحیان آن چنان زنده و حقیقی است که در هیچ کجای دیگر دیده نمی شود. علت این امر نیز بسیار واضح است زیرا تنها در مسیحیت شخص فرزند خدا خوانده می شود و امکان برقراری ارتباط مستقیم با خدا را می یابد. ارتباطی که به واسطه خون خداوند عیسی مسیح، برای آزادی از اسارت شیطان و گناه به وجود آمده و فرصتی شد برای آشتی دوباره با خدای پدر و عادل شمردگی از گناهان.

اما چیزی که این ارتباط را در شکل صحیح و درست و بی عیب خود قرار می دهد، آگاهی کامل و شناخت چگونگی سمت و سوی درست آن است. لذا برای حصول به این شناخت صحیح، بدون کوچک ترین تردیدی، وقتی کسی مژده خوش انجیل را می شنود و وارد کلیسا می شود، در ابتدا باید حتماً با حقیقت شناخت الوهیت آشنا شود، و پس از آن با اولین آموزه‌ای که می بایست کاملاً آشنا گردد "طُرُق ارتباط با خدا" است.

اگر بخواهیم تأثیرات یک ارتباط صحیح را به صورت بسیار خلاصه بگوییم، می توان چنین عنوان کرد که: داشتن ارتباط با خدا، شخص را به سوی تعالی جستن و برخوردار

از برکات آسمانی بهره‌مند می‌کند و از سویی دیگر او را در مکان امن خداوند به دور از دسترس شیطان و لشکریانش قرار می‌دهد.

عبادت طریقی است که امتّهای خدا باور آن را طریق ارتباطی با خدا می‌دانند و هر آیینی، آن را مانند فریضه‌ای شرعی برای خود تکلف نموده و به جا می‌آورند. دنیا عبادت را اعلام بندگی به حضور خالق جهان هستی می‌داند. اما دیدگاه مسیحی در خصوص عبادت کاملاً متفاوت با دنیا است. خداوند هرگز از انسان ابراز بندگی کردن نخواستہ چنان که مسیح خداوند می‌فرماید: «^{۱۱}نه هر که مرا، خداوند، خداوند، گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آن که اراده پدر مرا که در آسمان است به جا آورد» (متی ۷: ۲۱).

خدا انسان را خلق کرد تا با او یک ارتباط آشنا و دو طرفه داشته باشد، همان گونه که در باغ عدن با آدم و حوا رو در رو ملاقات می‌کرد. حتی آدم را بر روی زمین پادشاه نمود و اختیار نام‌گذاری تمام حیوانات را به او سپرد.

اما با ورود گناه و سیطره شیطان در زندگی بشر، و پس از فیض خدا در عیسی مسیح، برای ایمن ماندن انسانها از حيله‌ها و دامهای شیطان، خداوند از تمام انسانها انتظار دارد تا همه امور خود را به او وا گذارند و در اطاعت مطلق از او در امنیت قرار بگیرند. پولس رسول، معلم بزرگ کتاب مقدس در این خصوص می‌فرماید: «^{۱۲}برای هیچ چیز اندیشه نکنید، بلکه در هر چیز با صلات و دعا با شکرگزاری مسؤولات خود را به خدا عرض کنید.^{۱۳} و سلامتی خدا که فوق از تمامی عقل است، دلها و ذهنهای شما را در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت» (فیلیپیان ۴: ۶ - ۷).

خود خداوند عیسی مسیح نیز پیش‌تر به نوعی گفته بود که معیار مقبولیت برای او، اطاعت از کلام و اراده خدا است: «^{۱۴}زیرا هر که اراده پدر مرا که در آسمان است به جا آورد، همان برادر و خواهر و مادر من است» (متی ۱۲: ۵۰). همچنین او در خصوص دریافت بخششهای خداوند به شاگردانش می‌آموزد که فقط در طلب نمودن به نام او، میسر

می‌شود: «^{۲۳} و در آن روز چیزی از من سؤال نخواهید کرد. آمین آمین به شما می‌گویم که هر آن چه از پدر به اسم من طلب کنید، به شما عطا خواهد کرد»^{۲۴} تا کنون به اسم من چیزی طلب نکردید، بطلبید تا بیابید و خوشی شما کامل گردد» (یوحنا ۱۶ : ۲۳ - ۲۴).

علت انحرافات عقیدتی و تشکّل فرقه‌های متعدد در قالب مسیحیت، که هیچ سنخیتی با کلام خدا و شیوه رسولان مسیح در صدهای اول مسیحیت ندارد، از زمان قطع شدن ارتباط کلیساها با خدا و بسته شدن گوشها برای شنیدن صدای او آغاز شد "وقتی کلام خدا از ایمانداران گرفته شد و تفکرات شرک آمیز جایگزین تفکر آسمانی گردید و متعاقب آن سمت دعاها به سوی دیگری تغییر کرد، مسیحیت با شرک در آمیخت و وارد یک هبوط گردید." دقیقاً سه طریق ارتباط با خدا یعنی: کلام خدا، تفکر و دعا در کلیساها منحرف شد و به جای آن رسوم شرک آمیز وارد کلیساها گردید.

در نزد امتهای دیگر که از همان ابتدا به خاطر نبودن هیچ یک از این سه فاکتور اساسی شناخت و ارتباط با خدا، آیینها و مذاهب خود ساخته بسیاری شکل گرفت، نه تنها در تضاد بنیادی نسبت به یک دیگر قرار گرفتند، بلکه با افکاری شیرانه به صورت دشمنان خونی تا به این زمان در تقابل با یک دیگر به پیش می‌روند و فجایع وحشتناکی را تا کنون در تاریخ بشریت رقم زده‌اند.

هر ایماندار مسیحی که ادعای فرزندی خدا را دارد، می‌بایست با جدیت تمام و شبانه روز در ایجاد یک ارتباط زنده و حقیقی با خدا، و به دور از توهم و خیال‌بافی مانند امتهای، کوشا باشد و آنگاه در پوشش چنین ارتباطی تحت خواست و اراده‌ی خدای پدر زندگی کند.

متأسفانه امروزه وضعیت کلیساها بسیار وخیم شده، آن چه در خیلی از ایمانداران مشهود است، با این که به مسیحیت پیوسته‌اند هنوز چیزی از چگونگی ارتباط با خدا نمی‌دانند و بدتر از آن هنوز به اهمیت آن هم پی نبرده‌اند. بی‌شمارند ایماندارانی که اهل

دعا نیستند، خیلیها هم گرایشی به خواندن و آموختن کلام خدا ندارند، و تقریباً اکثریت اهل تفکر نیستند، یا بهتر است بگوییم که مطلقاً نمی‌دانند تفکر چیست و چگونه باید داشته باشند!

و نیز بسیاری هم که در کلیسا و در خانه‌های خود دعا می‌کنند، هیچ جوابی نمی‌گیرند و می‌گویند خدا صدای ما را نمی‌شنود. و تا دلتان بخواهد فراوانند افراد متوهم و بی‌ایمانی که برای ریاکاری هر اتفاق عادی که برایشان می‌افتد را می‌خواهند به خدا و دعایشان نسبت دهند. آنانی که می‌گویند خدا صدای آنان را نمی‌شنود، نباید نشنیدن صدایشان را به پای خدا، تقدیر و مصلحت بگذارند! بلکه این از عدم آگاهی آنان از چگونگی برقرار نمودن ارتباط درست با خدا است.

در این کتاب قصد داریم تا با بررسی موشکافانه کتاب مقدس، آموزه صحیح و جامه‌ای از چگونگی ارتباط با خدا، خصوصاً دعا که سلاح برنده یک مسیحی است را ارائه نماییم. به گونه‌ای که هر ایماندار با به کار بستن آن در قوت خداوندی بسیار زورآور گردد و ارتباطی نزدیک و عمیق با خداوند پیدا کند. آمین.

انواع ارتباط با خدا:

در کتاب الوهیت به ده طریق ارتباطی خدا اشاره شد، در این کتاب منظور از ارتباط با خدا، چیزی به غیر از آن ده طریق است. آن ده طریق به برقراری ارتباطات خدا با انسان اشاره داشت، اما این طُرُق ارتباطی به ارتباط دو طرفه هر فرد مسیحی با خدا اشاره می‌کند. این گونه از ارتباط در حقیقت شکلی متعالی از عبادت و حضور در نزد خدا است.

چون در این طُرُق شخص در حضور خدا قرار می‌گیرد و یک ارتباط دو طرفه برقرار می‌شود، به آن می‌توان گفت زمانی برای پرستش، که در نزد مردم دنیا با عبارت عبادت مشهور است.

حال هر شخصی برای برقراری ارتباط مستقیم با خدا به سه شکل می‌تواند وارد یک ارتباط مستقیم گردد:

۱. کلام خدا؛

۲. تفکر؛

۳. دعا؛

کلام خدا:

کلام خدا که امروزه به صورت کتب مقدّس و در قالب یک کتاب به نام کتاب مقدّس در دسترس است، سخنان یک طرفه‌ای است از سوی خدا برای بشریت. در این طریق فقط خدا متکلم است و انسانها فقط شنونده.

در عهد عتیق مرسوم بود که در کنیسه‌ها کلام خدا برای قوم خوانده می‌شد و آن لحظات را زمانی برای پرستش می‌دانستند. در انجیل لوقا با صحنه‌ای مواجه می‌شویم که خود خداوند عیسی مسیح نیز در کنیسه‌ای حاضر شده و برای حاضرین آن جا شروع به خواندن صحیفه‌ای از اشعیای نبی نمود: «^{۱۶} و به ناصره جایی که پرورش یافته بود، رسید و به حسب دستور خود در روز سَبَّت به کنیسه در آمده، برای تلاوت برخاست.^{۱۷} آنگاه صحیفه اشعیای نبی را بدو دادند و چون کتاب را گشود، موضعی را یافت که مکتوب است» (لوقا ۴ : ۱۶ - ۱۷).

کتاب مقدس دارای تمام آموزه‌هایی است که برای هر فرد مسیحی حیاتی است، همچنین سرشار از مزامیر و سرودهای پرستشی می‌باشد. کتاب مقدس نامه سرگشاده خدا برای بشر است. وقتی به کلام خدا گوش می‌دهید یا می‌خوانید دقیقاً زیر نگاه او قرار می‌گیرید.

دانستید که خدا در کلامش است و او در کلامش اثبات می‌گردد. وقتی کلام او خوانده و صوت می‌گردد با ادای کلام او، او نیز به جنبش آمده: «^{۱۲} زیرا کلام خدا زنده و مقتدر و بُرنده‌تر است از هر شمشیر دو دم و فرو رونده، تا جدا کند نفْس و روح و مفاصل و مغز را، و مُمیز افکار و نیت‌های قلب است» (عبرانیان ۴ : ۱۲).

بودن در کلام خدا یکی از طُرُقی است که شخص را در حضور خدا برپا می‌دارد. مشغولیت در کلام خدا علاوه بر این که شخص را وارد فضای پرستش می‌کند، او را با آن کلام یکی و متحد می‌سازد.

اهمیت زندگی با کلام خدا تا به حدی است که خداوند می‌فرماید، زندگی هر فردی به پیوند و یکی شدن با کلام خدا مربوط می‌باشد. در بیان خداوند عیسی مسیح در اولین مکالمه‌اش با شیطان به او: «^۴ در جواب گفت، مکتوب است انسان نه محض نان

زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد» (متی ۴ : ۴). کلام خدا به هر کسی حیات حقیقی می‌بخشد و او را از تمام دسیسه‌های شیطان محفوظ می‌دارد.

بسیاری می‌گویند وقتی که می‌خواهند دعا کنند: نمی‌توانند دعا کنند؛ حواسشان پرت می‌شود؛ در هنگام دعا به چُرت می‌روند؛ فکرهای مختلفی به سرشان می‌آید و بعد از مدتی متوجه می‌شوند که به هر چیز بیهوده‌ای فکر کردند به غیر دعا کردن.

بگذارید یک راهکار بسیار قدرتمند برای زمانی که به هر دلیلی نمی‌توانید دعا کنید به شما بدهم که تأثیرش قطعی و فوری است. این را باید بدانید که روحهای پلید عامل اصلی تمام این آشفتگیهای ذهنی هستند. آنان پیوسته در تلاش هستند تا هر گونه ارتباطی را با خداوند قطع کنند. ارتباطاتی که از سوی انسان برقرار می‌گردد مانند دعا، به علت ضعف انسانی بسیار راحت دست خوش اختلال و قطعی قرار می‌گیرد. اما کلام خدا مقتدر و بُرنده است، شیطان بر آن استیلا ندارد، روحهای شریر از آن هراسان و گریزانند.

هرگاه خواستید وارد فضای دعا شوید ولی به دلایل مختلفی که عامل اصلی آنها تحرکات شریران است نتوانستید، بدون هیچ نگرانی کتاب مقدس را بردارید، و به طور خاص یکی از اناجیل را گشوده و شروع کنید با صوت به خواندن کارهای خداوند عیسی مسیح، به شما قول می‌دهم در کمتر از پنج دقیقه در هر فضایی که باشید شکسته خواهد شد و دارای روحیه، انگیزه و قوّت فوق‌العاده زیادی برای دعا خواهید شد و زبانتان به پرستشهایی باز خواهد شد که بسیار از آن لذّت خواهید برد، زیرا دیگر هیچ روح شریری در نزدیکی شما نخواهد بود.

یکی از طُرُق پرستشی خدا، مطالعه کتاب مقدس و زندگی با کلام خدا است.

تفکر:

تفکر در منزلگاه خدا، ارتباطی کاملاً دو سوی است. در تفکر ابتدا شخص خواسته‌های خود را به حضور خدا می‌برد و آنگاه در حالی که مشغول اندیشیدن و بررسی تمامیت کلام خدا است، گوشه‌های خود را در سکوتی عمیق برای دریافت صدای خداوند تیز و آخته می‌سازد تا جواب خواسته خود را دریافت کند.

تفکر عالی‌ترین شکل ارتباطی با خدا است زیرا جوابهای دریافتی کاملاً به روز و برای آن زمان است. در تفکر اگر شخصی جویای حقیقت تعالیم کلام خدا باشد، می‌تواند جامع‌ترین تعالیم را مستقیماً دریافت کند؛ اگر کسی جویای هدایت و راهکاری از خداوند باشد، مطمئن‌ترین هدایت را دریافت خواهد کرد. تفکر به صورت یک عطیه از بخششهای روح القدس برای کسانی است که به عنوان معلم مسح می‌شوند؛ اما سایر مسیحیان نیز می‌توانند با ممارست در تفکر به دریافت‌های بسیار ارزشمندی نائل گردند.

خداوند، کتاب مزامیر را با فرستادن یک خوشا به حال برای کسانی که شبانه روز در امور خداوند تفکر می‌کنند آغاز می‌نماید: «خوشا به حال کسی که به مشورت شریران نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس استهزا کنندگان ننشیند؛ بلکه رغبت او در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت او تفکر می‌کند» (مزامیر ۱: ۱ - ۲).

اما تفکر کار فوق‌العاده سختی است. فقط برای آماده شدن و تربیت گوشه‌های یک شخص جهت شنیدن صدای خدا ماه‌ها و شاید سالها زمان مداوم و هر روزه لازم است. در تمام این مدت شخص نیز می‌بایست با تمام کتاب مقدس ارتباطی عمیق و پیوسته داشته باشد.

خدا برای این که با موسی صحبت کند و او را وارد فضای تفکر کند، او را از مصر، آن منطقه باشکوه و مترقی عصر خود بیرون کشید و به بیابان برد. موسی وقتی از تمام منیتهای و دانشهایی که در مصر به عنوان پسر فرعون داشت، خالی و تهی شد و به عنوان

یک چوپان بیابان‌گرد سالهای پیری عمر خود را طی می‌کرد، طی سالها تنهایی در سکوتهای بیابان آموخت که چگونه در تفکر، گوشهای خود را برای شنیدن صدای خدا تربیت و آماده کند.

برای ورود به فضای تفکر سالها ریاضت و دوری و تهی شدن از هر منیّتی لازم است. به شکلی که گویی شخص وارد یک بیابان خاموش و عمیق می‌گردد. در تفکر شخص تنها پرسشگر است و خداوند پاسخگو، خداوند نیز وقتی بخواهد با کسی ارتباطی روحانی داشته باشد معمولاً او را برای مدّتها به انزوا می‌برد و وقتی آن شخص کاملاً تهی شد با او سخن می‌گوید. خداوند در کتاب هوشع نبی به این حقیقت اشاره می‌کند: «^{۱۴} بنابراین اینک او را فریفته، به بیابان خواهیم آورد و سخنان دل‌آویز به او خواهیم گفت» (هوشع ۲: ۱۴).

خدا با بسیاری به این گونه رفتار کرد، او برای این که ما تعالیم عالی را از ظرف برگزیده‌اش پولس داشته باشیم، او را به انزوای زندان فرستاد و آنگاه دروازه‌های تعالیم ناب کلام را از قلم‌دستان او برای ما به یادگار گذاشت.

شنیدن صدای خدا هر چند وجهی نبوتی است، اما این ارتباط مانند کانالی دو سوی است که هر فرد مسیحی نیز می‌تواند از این کانال با خداوند وارد ارتباطی روحانی گردد. در تفکر شخص می‌بایست از هر اندیشه ذهنی و دانشی که تا آن زمان کسب نموده کاملاً آزاد و رها گردد، به طور کلی از هر منیّتی تهی و خالی شود. اگر این به صورت عطیه به کسی داده نشود برای شخص ریاضتهای بسیار دردناکی به همراه دارد، تا به حدی که باعث وارد شدن فشارهای فوق‌العاده شدیدی به مغز می‌گردد.

در تفکر هر آن چیزی که دریافت می‌گردد، بدون کوچک‌ترین شبه‌ای با کتاب مقدس اثبات می‌گردد، به عبارتی دیگر، هر دریافتی با کلام خدا تأیید می‌گردد.

بسیاری مدّعی داشتن تفکّر هستند، امّا حقیقت این است که اکثریت با پردازش اندوخته‌های ذهن خود در حال کلنجار می‌باشند و با اندوخته‌ها و تجربیات خود به نتیجه‌ای قانع کننده می‌رسند. باید بدانید که به هیچ وجه این تفکّر جزو عبادات نیست و در ساعات ارتباطی با خدا نمی‌گنجد.

در یک ارتباط دو طرفه با خداوند، از طریق تفکّر، همیشه باید اندیشه و اراده خداوند غالب باشد و دانایی شخص به هیچ وجه کوچک‌ترین نقشی نباید داشته باشد. تفکّر فضایی است برای شنیدن و دریافت مستقیم از خداوند، نه قاطی نمودن کلام خدا با فکرهای خود. اگر آن دسته از الهیدانان و متفکّران مذهبی (که بسیاری به آنان گوش می‌دهند) به جای کسب دانش و ارائه نظریات دانش بنیاد، مانند مردان روحانی خدا در تفکّر به حضور او راه می‌یافتند و از او شاگردی می‌کردند، هرگز این همه شاخه‌های جدا شده از مسیحیت با نامها و فرقه‌های متعدد تشکیل نمی‌گردید.

تفکّر صحیح، شخص را در سلامت ایمان قرار می‌دهد و راه را برای هر گونه انحرافات می‌بندد. هر شخص مسیحی که خواستار سلامت ایمان و حرکت در مسیر راستی کلام می‌باشد باید دو کار مهم را در زندگی ایمانی خود حتماً لحاظ کند: ۱- وارد حیطة تفکّر گردد؛ ۲- برای تفکّر پیوسته به انزوای روحانی برود.

دعا:

اگر بگوییم دعا یکی از نشانه‌های شناخت مسیحیان است، به هیچ وجه بیهوده نگفته‌ایم. مسیحیان برای دعا آن چنان جایگاه خاصی قائلند که در نزد همه امتها با دعا شناخته می‌شوند. دعا در لغت به معنی: تقاضا نمودن، توقع داشتن، درخواست کردن، داعیه داشتن، دعوی، ادّعا و مطالبه است.

دعا یک ارتباط یک طرفه با خدا است. یعنی در دعا همیشه شخص گوینده و خدا شنونده است. اما از آن جایی که دعا نیز یک طریق ارتباط با خدا است، معمولاً بی پاسخ نخواهد ماند و خدا با عملی در راستای دعای بلند شده به آن جواب خواهد داد، البته اگر سه فاکتور بسیار مهم و لازم را با خود داشته باشد. این سه فاکتور عبارت است: ۱- از جایگاه درست گفته شود، ۲- به سمت درست ارسال شود، ۳- به طریق درست بیان شود؛ آنگاه جواب برگشتی آن دعا دارای چنان قدرت شگفت انگیزی خواهد بود که در تصویرها هم نخواهد گنجید.

عدم نتیجه گرفتن یک شخص از دعا‌های خود، ارتباطی مستقیم با نداشتن این سه فاکتور اساسی دارد. با گسترش روز افزون انحرافات در نزد بسیاری از ایمانداران که امروزه بسیار تشدید شده و هر چه به زمانهای آخر نزدیک تر می شویم بیشتر و بیشتر می گردد، با آن که همه دعا می کنند، اما متأسفانه اکثریت حتی چگونه دعا کردن را نمی دانند. و در شگفتی حتی دیده شده که بعضیها در دعا‌های خود، در نزول برکات خدا را به روی خود می بندند!

بسیار دیدم کسانی را که در دعا‌های خود به خدا با چنین جملاتی می گفتند که: ای خداوند از دنیا هیچ چیزی نمی خواهم همه مال دنیا را از من بگیر! اگر فوج بلایا هم به سرم بیاید! اگر بیماریها هم به سراغم بیاید! و و و مهم نیست؛ اما من می خواهم فقط تو را داشته باشم؛ من فقط تو را می خواهم!

چنین افرادی، در جهالت تمام، برکاتی که خداوند شاید می خواست به آنها بدهد را به روی خود می بندند و سهم آنها همان گرفتاری و بیماری و درد خواهد شد. چنین مدعیان ایمانی که به خاطر ریاکاری در میان دیگران، یا جهالت عقلی خود، هنوز نمی دانند که پس از ایمان به خداوند عیسی مسیح، خداوند را با خود دارند، با گفتن چنین جملات جاهلانه‌ای ضربات هولناکی را به خود و خانواده شان وارد می کنند.

کتاب مقدس دقیقاً نمونه‌ای بر خلاف این نوع دعاها را به ما یاد می‌دهد، که شنیدنش بسیار مفید و آموزنده است و آن دعای یعیص در نزد خدا است: «^{۱۰}و یعیص از خدای اسرائیل استدعا نموده، گفت: کاش که مرا برکت می‌دادی و حدود مرا وسیع می‌گردانیدی و دست تو با من می‌بود و مرا از بلا نگاه می‌داشتی تا محزون نشوم. و خدا آن چه را که خواست به او بخشید» (اول تواریخ ۴ : ۱۰). او دعا برای گرفتن برکات نمود و خدا در کمال سخاوت به او داد.

کدام شکل دعا نیکوتر است؟ که شخص به فلاکتی بیفتد که باری گران و محتاج امداد دیگران باشد؟ یا این که مانند یعیص به چنان قناعتی برسد که خود او باعث دستگیری دیگران گردد؟ دعای یک شخص او را استوار یا ساقط می‌کند. برای او برکت یا لعنت به همراه دارد. او را به سمت حیات ابدی یا هلاکت می‌کشاند. او را عزیز یا ذلیل خدا می‌سازد.

خداوند عیسی مسیح به شاگردانش دو بار در باغ جتسیمانی با تأکید فرمود که با او در دعا بمانند تا به تجربه نیفتند: «^{۳۶}آنگاه عیسی با ایشان به موضعی که مسمی به جتسیمانی بود رسیده، به شاگردان خود گفت: در این جا بنشینید تا من رفته، در آن جا دعا کنم.^{۳۷} و پطرس و دو پسر زیدی را برداشته، بی‌نهایت غمگین و دردناک شد.^{۳۸} پس بدیشان گفت: نفس من از غایت الم مشرف به موت شده است. در این جا مانده با من بیدار باشید.^{۳۹} پس قدری پیش رفته، به روی درافتاد و دعا کرده، گفت: ای پدر من، اگر ممکن باشد این پیاله از من بگذرد؛ لیکن نه به خواهش من، بلکه به اراده تو.^{۴۰} و نزد شاگردان خود آمده، ایشان را در خواب یافت. و به پطرس گفت: آیا همچنین نمی‌توانستید یک ساعت با من بیدار باشید؟^{۴۱} بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش نیفتید! روح راغب است، لیکن جسم ناتوان.

^{۴۲}و بار دیگر رفته، باز دعا نموده، گفت: ای پدر من، اگر ممکن نباشد که این پیاله بدون نوشیدن از من بگذرد، آن چه اراده تو است بشود.^{۴۳} و آمده، باز ایشان را در خواب

یافت زیرا که چشمان ایشان سنگین شده بود.^{۴۴} پس ایشان را ترک کرده، رفت و دفعه سوم به همان کلام دعا کرد.^{۴۵} آنگاه نزد شاگردان آمده، بدیشان گفت مابقی را بخواهید و استراحت کنید. الحال ساعت رسیده است که پسر انسان به دست گناهکاران تسلیم شود.^{۴۶} برخیزید برویم. اینک، تسلیم کننده من نزدیک است» (متی ۲۶ : ۳۶ - ۴۶).

اما متأسفانه شاگردانش گوش نکردند و همان شب به تجربه بسیار سختی افتادند که منجر به تنها گذاشتن خداوند شد و برای آنان سالها زجر به همراه داشت.

برای زندگی در دنیا، برای بودن در ملکوت آسمان، برای امنیت از دست شریران، و دهها موارد دیگر ...، شدیداً لازم است تا هر ایمانداری با کنار گذاشتن جهالتِ نشأت گرفته از غرور کاذب، چگونه دعا نمودن را بیاموزد. تا همیشه پیش چشم خداوند و در قوت او زندگی کند.

خداوند برای دعا اهمیت بسیار ویژه‌ای قائل شده و بارها قوم و فرزندان را به دعا نمودن در هر حالی سفارش کرده است. کتاب مقدس سرشار از تعالیم بسیار غنی و جذاب در خصوص دعا است، که در ادامه به طور خاص به موضوع دعا از زوایای مختلف خواهیم پرداخت.

شکلهای دعا:

دعا در مسیحیت به دور از هر گونه تکرار یک سری جملات از پیش تعیین شده است. دعا، سخن دل ایماندار در همان لحظه و خطاب به خدای پدر است به دور از هر گونه الفاظ کلیشه‌ای و مرتب شده. دعا باید وصف حال آن لحظه شخص باشد، نه حسب انجام یک وظیفه، مجبور به زبان آوردن جملاتی باشد که هیچ نیازی به بیان آنها ندارد. به زبان ساده‌تر، صحبت فرزند با پدرش باشد.

دعا می‌تواند پیرامون موضوعات مختلفی باشد اما عموماً کل این موضوعات را می‌توان در سه دسته قرار داد:

۱. دعای پرستشی؛

۲. دعای شکرگزاری؛

۳. دعای حاجتی؛

هر شکل از این دعاها تأثیرات فوق‌العاده‌ای در زندگی یک ایماندار دارد به شرط آن که از جایگاه درست بلند شود، به سمت درست فرستاده شود، و درست گفته شود، که در بخشهایی به صورت دقیق به این موارد خواهیم پرداخت. اما اکنون لازم است تا بدانید که هر شکل از این دعاها چه ویژگیها و تأثیراتی برجای می‌گذارد.

دعای پرستشی:

دعای پرستشی یک نوع دعای توصیفی در مدح و ستایش خدا است. این نوع دعا عالی‌ترین و قدرتمندترین شکل دعاها است. در دعای پرستشی شخص تمام ارادت و محبت

خود را در زیباترین جملات توصیفی در حق خداوند نثار او می‌کند، بدون آن که هیچ توقعی داشته باشد.

بسیاری از نوایمانان گله‌مندند که کلاً نمی‌توانند بیشتر از چند دقیقه دعا کنند و جملات خوبی که برای پرستش خدا وجود دارد هم زود تمام می‌شود. این تفکر متعلق به امّت‌ها است که یاد گرفتند، عبادات خود را در یک قالب کلیشه‌ای و بی‌احساس، حسب اجبار برای مدّتی معین به خدا عرضه نمایند. نوایمانان چون هنوز نیاموختن که دعا از منظر مسیحیان به چه شکلی است، سعی دارند حسب همان آموخته‌های گذشته خود به پیش بروند.

برای کسانی که مشتاق داشتن یک رابطه عمیق و پر احساس با خداوند هستند در زمزمور ۹۶ می‌توانند آموزه‌ای را ببینند که عالی‌ترین شکل پرستش را در اختیار آنان قرار می‌دهد.

«^۱یهوه را سرود تازه بسرایید! ای تمامی زمین خداوند را بسرایید!^۲ خداوند را بسرایید و نام او را متبارک خوانید! روز به روز نجات او را اعلام نمایید.^۳ در میان امّت‌ها جلال او را ذکر کنید و کارهای عجیب او را در جمیع قوم‌ها.^۴ زیرا خداوند عظیم است و بی‌نهایت حمید. و او مهیب است بر جمیع خدایان.^۵ زیرا جمیع خدایان امّت‌ها بت‌هایند، لیکن یهوه آسمانها را آفرید. مجد و جلال به حضور وی است و قوّت و جمال در قدس وی.^۶ ای قبایل قوم‌ها خداوند را توصیف نمایید! خداوند را به جلال و قوّت توصیف نمایید! خداوند را به جلال اسم او توصیف نمایید! هدیه بیاورید و به صحنه‌های او بیاورید!

^۹خداوند را در زینت قدّوسیت بپرستید! ای تمامی زمین از حضور وی بلرزید!^{۱۰} در میان امّت‌ها گویند خداوند سلطنت گرفته است. ربع مسکون نیز پایدار شد و جنبش نخواهد خورد. قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد نمود.^{۱۱} آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرّش نماید.^{۱۲} صحرا و هر چه در آن است، به وجد آید. آنگاه تمام درختان

جنگل ترنم خواهند نمود^{۱۳} به حضور خداوند زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد و قومها را به امانت خود» (مزامیر ۹۶ : ۱ - ۱۳)

در آیه ۱ این سرود، مزمورسرا تمام اهل زمین را به پرستش خدا دعوت می‌کند. در آیه ۲ سفارش می‌کند که هر روزه مژده نجات خدا یعنی بشارت انجیل را به دیگران اعلام کنید که خداوند این کار را به منزله پرستش خود می‌داند. و در آیه ۳ دو سفارش که از شیوه‌های پرستشی است را ذکر می‌کند که اولی، جلال یعنی ستودن شکوه قدوسیّت خدا است و دیگری بیان کردن کارهای عجیب و عظیم خداوند است.

پرستش خدا فقط ستودن وجود او نیست، بلکه به زبان آوردن کارهای او، خلقت و صنعت دستان او، تعریف و توصیف هنر دستان او نیز یکی از عالی‌ترین شکل‌های پرستش است. همیشه تعریف از یک شخص منحصر به قد و قامت و زیبایی و شیک‌پوشی او نیست، بلکه به مراتب بسیار بیشتر وصف خصایص او، هنرهای او، تواناییهای او، دانش او، و کلاً هر چیزی که او را بزرگ و برتر جلوه می‌کند، است.

خداوند را در کارهای او باید ستایش نمود چنان که فرشتگان در آسمان نیز این گونه می‌کنند: «و آسمانها کارهای عجیب تو را ای خداوند تمجید خواهند کرد و امانت تو را در جماعت مقدّسان» (مزامیر ۸۹ : ۵). با ستایش کارها و خلقت خدا نه تنها به راحتی می‌توان ساعتها با لذّت پرستش نمود و چیزی برای گفتن کم نیافرید یا به تکرار مکررات نیفتاد؛ بلکه بسیار نیکوتر می‌توان نظر خدا را به خود جلب نمود. کدام هنرمند است که از تجلیل هنر خود مسرور نگردد و به تمجیدهای گوینده خود گوش نگیرد؟

هر آیه‌ای از مزمور ۹۶ آموزه‌ای ارزشمند از چگونگی پرستش نیکو را به انسانها می‌آموزد، اما به طور خاص در این جایگاه منظور نظر بیشتر بر روی آیه ۷ می‌باشد که به ما می‌آموزد عالی‌ترین شکل دعا، همانا دعای پرستشی است و نیکوترین شیوه پرستش،

توصیف شکوه قدوسیّت خدا با ذکر توانایی و دانش و هنر خلقت او است: «ای قبایل قومها خداوند را توصیف نمایید! خداوند را به جلال و قوّت توصیف نمایید!» قوّت به معنی همۀ آن چیزی است که خدا از خود آشکار نموده است.

هر ایماندار در وهلهٔ اوّل باید این را بداند که خداوند به هیچ وجه محتاج و نیازمند پرستشهای ما نیست، و یا آن گونه که به نادرستی گفتند، دعا و عبادت ثواب دارد، چنین نیست بلکه سخنی دروغ و فریبکارانه می‌باشد؛ دعا و پرستشهای ما در حقیقت بهانه‌ای است برای اتصال ما به خدا تا بتوانیم پیوسته زیر نگاه او باشیم، تا به واسطهٔ نگاه خداوند از بسیاری خطرات و بلاها محفوظ مانده و در عوض برکات زیادی را از او دریافت کنیم.

حال دعای پرستشی چه تأثیرات شگفت‌انگیزی دارد؟ بگذارید این را با مثالی باز کنم؛ شما به یک گالری نقّاشی می‌روید، جلوی تابلویی می‌ایستید که هنر و زیبایی آن چشم شما را گرفته، شما می‌توانید از کنار آن به سادگی عبور کنید، اما اگر بمانید و شروع به تعریف و تمجید از هنر به کار رفته در آن تابلو و نبوغ نقّاش آن کنید چه اتفاقی خواهد افتاد؟

خالق آن اثر وقتی صدای تمجید و ستایش شما را بشنود به سمت شما متمایل می‌شود، وقتی آن همه اشتیاق شما را نسبت به اثرش ببیند با شما وارد مکالمه می‌شود، او نیز با شوق تمام اسرار آن اثرش را برای شما آشکار می‌کند، که با چه ایده و انگیزه‌ای شروع به ایجاد آن نقش کرده، چه رازی در پس آن نقش وجود دارد، و برای شکل دادن به آن، از چه بوم نقّاشی و رنگهایی استفاده کرده و در چه مدّت زمان و در چه شرایطی به کار ادامه داده؛

در تمام مدّت زمانی که شما در حضور خالق آن اثر با فروتنی به کلام او گوش می‌دهید، زیر نگاه و الطاف خاص او قرار دارید و این شاید مقدمه‌ای برای یک ارتباط

عمیق‌تر و صمیمی‌تر نیز برای شما بشود چنان چه به آن مبادرت نمایید، و این همه به خاطر ستایش از هنر دستان او، نصیب شما شده است.

ارتباط با خدا از طریق دعای پرستشی نیز دقیقاً به همین شکل است. جهان هستی هنر دستان خدا است، شما می‌توانید تنها یک نظاره‌گر آن باشید، یا یک ستایشگر پیوسته آن، و آن نقاش خداوند است. وقتی به ستایش از او می‌پردازید روی خدا به سمت شما مایل می‌شود، اگر بمانید و ادامه بدهید به شما نزدیک می‌شود، اگر از او بپرسید او اسرار جهان را برایتان بازگو می‌کند. چنان که برای رسولانش می‌کند، و این دقیقاً آن مکان امنی است که اگر کسی در آن بماند و خارج نشود، فریب و لغزش نخواهد خورد. و هر چه قدر این ارتباط را مکرر و پیوسته داشته باشد به زودی با او وارد یک آشنایی عمیق و ارتباط پیوسته دو طرفه خواهد شد.

اما آیا همه‌اش همین است؟ اوه نه! شخص تا زمانی که زیر نگاه خدا و کلام او قرار دارد، هرگز لغزش نخواهد خورد. اگر فوجی از شیران قصد او کنند، جرأت ندارند تا زمانی که زیر نگاه خداوند است به او نزدیک شوند. خداوند او را از تمام دامها خواهد رها کند و در دستان خود خواهد گرفت. دعای پرستشی شخص را عزیز و محبوب و زیر نگاه خدا می‌گرداند، دقیقاً چیزی که هر ایماندار مسیحی به چنین ارتباطی نیاز حیاتی دارد.

دعای شکرگزاری:

شکل دیگری از دعاها، دعای شکرگزاری است. شکرگزاری نشان دهنده سپاسگزاری، قدردانی و اجر نهادن به کسی است که نسبت به شما مهربانی و بخششی داشته است. در تمام جهان هستی هیچ کس سزاوارتر از خداوند نیست که شایسته اکرام و شکرگزاری باشد؛ فقط کافی است به آن چه خداوند برای شما نموده، و آن چه هستید، نیک بنگرید تا ببینید مورد چه محبت بی‌حد و اندازه‌ای از سوی او قرار گرفتید.

مزمورسرا سفارش می‌کند که: «^{۳۱} پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند و به سبب کارهای عجیب او با بنی آدم» (مزامیر ۱۰۷ : ۳۱). او به ما دو نکته مهم را یادآوری می‌کند که شایسته است در شکرگزاریهای خود به حضور خداوند پیوسته به یاد بیاوریم.

اول رحمتش که به واسطه خون خداوند عیسی مسیح نصیب ما شد، و دوم به جهت کارهای عجیب و شگفت انگیزش در خلقت جهان هستی که باز برای ما و نصیب ما گردیده.

اما این را بدانید که شکرگزاری از خداوند یک فریضه و عبادت نیست، بلکه باید با شناختی عمیق از محبت‌ها و مهربانیهای خدا باشد که با حسی لطیف درونی و لبریز از قدردانی و با تمام وجود تقدیم خداوند گردد.

هر انسانی آن قدر مورد لطف و بخششهای خداوند بوده و هست که اگر انصاف به خرج دهد و خوب به زندگی خود بنگرد، خواهد دید که اگر تمامی عمر را به شکرگزاری از او مشغول باشد، پایان پذیرفتنی نیست. اما متأسفانه یک چیزی که در دعا‌های اکثریت دیده نمی‌شود، شکرگزاری است.

پولس رسول به کلیسا سفارش می‌کند که پیوسته در دعا‌های خود با شکرگزاری حاضر باشید: «^۲ در دعا مواظب باشید و در آن با شکرگزاری بیدار باشید» (کولسیان ۴ : ۲). شکرگزاری هر شخص را در بیداری نگه می‌دارد. شخص بیدار، آماده برای دریافت فرصتهایی است که امکان دارد هر لحظه برایش ایجاد شود.

اما چگونه شکرگزاری باعث ایجاد بیداری برای دریافت فرصتها می‌شود؟ سعی می‌کنم با توصیفی امروزی این را به شما نشان دهم؛ اما پیش از آن به این نکته توجه داشته باشید که شخص در خواب از همه اتفاقات پیرامونش غافل و بی‌بهره است و در عوض شخص بیدار همیشه آماده دریافت می‌باشد.

فرض کنید آشنایی از شما درخواست مبلغی پول می‌کند و می‌گوید تا یک ماه دیگر به شما می‌دهم، شما هم با خوش رویی به او می‌دهید و آن شخص را دیگر نمی‌بینید، فرض بر این که چندین بار هم شما را دید ولی هیچ یادآوری از لطف شما نکرد، یک ماه می‌شود و او برای پس دادن قرض خود بازنگشت، شما هم مناعت طبع نمودید و پیگیر او نشدید، چند ماه دیگر هم گذشت ولی هر باری که او شما را دید هیچ حرفی از بدهی خود نزد و شاید بعضی از مواقع با ناسپاسی تمام روی خود را از شما برگرداند!

ماه‌ها از این ماجرا گذشت و چون باز محتاج شد و راهی به جز رو انداختن دوباره به شما نداشت، باز اگر به پیش شما بیاید و درخواست پول کند، شما چه کار می‌کنید؟ آیا به شخصی که قصد کلاهبرداری از شما را دارد و به هیچ وجه هم قدردان و سپاسگزار شما نیست، حاضرید قرض بدهید؟ قطعاً خواهید گفت، نه.

کار مردم دنیا با خداوند نیز دقیقاً مانند چنین شخص آشنایی است. هر باری که به یاد خدا می‌افتند، یک کاسه گدایی و کلاهبرداری به دست دارند و پس از گرفتن حاجاتشان دیگر او را نمی‌شناسند و دریغ از شکرگزاری و قدردانی! اگر کسی در زندگی خود با درهای بسته مواجه می‌شود، برکت از خدا نمی‌گیرد، دعا‌های او شنیده نمی‌شود، یکی از دلایل آن نداشتن شکرگزاری، و ناسپاسی او است. ناسپاسی برکت را از زندگی می‌برد.

حال فرض کنید به شخصی آشنا مبلغی پول قرض داده‌اید و گره از مشکل او برطرف نمودید، او فردا شما را در خیابان خواهد دید و با خجالت از شما خیلی تشکر خواهد کرد، چند روز دیگر وقتی باز او را ببینید به طرف شما می‌آید و با گشاده رویی ضمن تشکر مجدد از شما، می‌گوید که آن روز شما لطف بزرگی در حقش کردید و او را از یک گرفتاری بزرگ نجات دادید، روزها خواهد گذشت و هر باری که شما را ببیند بسیار از شما تشکر می‌کند.

بعدها از دیگران اگر بشنوید که او هر جا رسیده از لطف و محبت شما تعریف کرده، چه حالی به شما دست می‌دهد؟ آیا خودتان از آن به بعد سعی نمی‌کنید در زندگی او کنکاش کنید تا بفهمید چه مشکل دیگری دارد تا به او کمک کنید؟ آیا دیگر منتظر درخواست کمک او می‌مانید؟ یا این که خودتان برای کمک رسانی به او می‌شتابید؟ قطعاً خواهید گفت، هر کاری بتوانم برای او خواهم کرد بدون این که او از من درخواستی کند.

خداوند نیز با فرزندان راستین خود این چنین است؛ او نیازهای همه را می‌داند؛ برای همه اندیشه می‌کند. فرزندان خدا همیشه سپاسگزار پدر آسمانی خود هستند؛ خداوند عیسی مسیح در حق فرزندان خدا می‌فرماید: «^{۳۱}پس اندیشه مکنید و مگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم یا چه بپوشیم.^{۳۲} زیرا که در طلب جمیع این چیزها امّتها می‌باشند. امّا پدر آسمانی شما می‌داند که بدین همه چیز احتیاج دارید» (متی ۶: ۳۱ - ۳۲).

شکرگزاری دروازه بزرگ بخششهای خداوند را به سوی شاکرینش باز می‌کند. به وقت شکرگزاری این خداوند نیست که محتاج شنیدن تشکرات ما است، نخیر! این ما هستیم که محتاج بخششهای او هستیم تا به ما از دولت بی‌کرانش ارزانی دارد.

دعا هر چند یک ارتباط یک طرفه است، امّا می‌تواند تأثیراتی متقابل از سوی خداوند نیز برای شخص داشته باشد. دعاهاى شکرگزاری باعث افزونی برکات خداوند در زندگی شخص شاکر می‌گردد. خدا از هر ایماندار مسیحی انتظار دارد تا برای فیضی که به واسطه خداوند عیسی مسیح دریافت نموده، پیوسته شکرگزار باشد: «^{۱۷}همیشه دعا کنید.^{۱۸} در هر امری شاکر باشید که این است اراده خدا در حق شما در مسیح عیسی» (اول تسالونیکیان ۵: ۱۷ - ۱۸).

دعای حاجتی:

خداوند عیسی مسیح در خصوص دعا‌های حاجتی می‌فرماید که هرگاه چیزی طلب می‌کنید آن را در نام او درخواست کنید: «^{۲۴}تا کنون به اسم من چیزی طلب نکردید، بطلبید تا بیابید و خوشی شما کامل گردد» (یوحنا ۱۶ : ۲۴).

دعای حاجتی متداول‌ترین شکل دعا در نزد همگان است. این شکل از دعا علاوه بر این که گویای درماندگی و نیاز شخصی فرد می‌باشد، لحنی طلبکارانه با خدا به همراه دارد.

دعای حاجتی کلاً به دو دسته تقسیم می‌گیرد: ۱- دعای حاجتی دنیوی، ۲- دعای حاجتی روحانی.

دعای حاجتی دنیوی:

این گونه دعا نمودن را خداوند عیسی مسیح نکوهش کرده و پسندیده نمی‌دانست، او در موعظهٔ ماندگار خود در بالای کوه برای دوری جستن از این گونه دعاها به قوم خود تذکر داده بود: «^{۲۵}بنابر این به شما می‌گویم، از بهر جان خود اندیشه مکنید که چه خورید یا چه آشامید و نه برای بدن خود که چه بپوشید. آیا جان، از خوراک و بدن از پوشاک بهتر نیست؟^{۲۶}مرغان هوا را نظر کنید که نه می‌کارند و نه می‌دروند و نه در انبارها ذخیره می‌کنند و پدر آسمانی شما آنها را می‌پروراند. آیا شما از آنها به مراتب بهتر نیستید؟^{۲۷}و کیست از شما که به تفکر بتواند ذراعی بر قامت خود افزایش دهد؟^{۲۸}و برای لباس چرا می‌اندیشید؟ در سوسنهای چمن تأمل کنید، چگونه نمو می‌کنند! نه محنت می‌کشند و نه می‌ریسند!

^{۲۹}لیکن به شما می‌گویم سلیمان هم با همه جلال خود چون یکی از آنها آراسته نشد.^{۳۰} پس اگر خدا علف صحرا را که امروز هست و فردا در تنور افکنده می‌شود چنین بپوشاند، ای کم ایمانان آیا نه شما را از طریق اولی؟^{۳۱} پس اندیشه مکنید و مگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم یا چه بپوشیم.^{۳۲} زیرا که در طلب جمیع این چیزها امتها می‌باشند. اما پدر آسمانی شما می‌داند که بدین همه چیز احتیاج دارید.^{۳۳} لیکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد.^{۳۴} پس در اندیشه فردا مباشید زیرا فردا اندیشه خود را خواهد کرد. بدی امروز برای امروز کافی است» (متی ۶ : ۲۵ - ۳۴).

این طریق دعا با خود لحنی طلبکارانه و به گونه‌ای گدا صفتانه دارد که حقیقتاً شایسته فرزندان خدا نیست. این تنها شکل دعا در نزد امتهای دیگر است که پیوسته بلند کرده می‌شود؛ این طریق امتها است؛ خدا از طریق امتها نفرت دارد؛ خدا نیاز فرزندان را می‌داند و بهترینها را برای آنان مقرر می‌فرماید پیش از آن که از او درخواست کنند.

شاید خدا حسب رحمت‌هایش چند بار به دعا‌های حاجتی دنیوی که از سوی ایمانداران می‌شود آمین بگوید، اما این نوع دعاها به هیچ وجه پسندیده خدا نیست، و بعد از مدتی دیگر خداوند مطلقاً به چنین دعا‌هایی گوش نخواهد داد.

یعقوب با لحنی بسیار تند در خطاب به کسانی که پی دنیا هستند، آنان را زناکاران به خدا می‌داند و می‌گوید که دعا‌های آنان شنیده نمی‌شود: «و سؤال می‌کنید و نمی‌یابید، از این روی که به نیت بد سؤال می‌کنید، تا در لذات خود صرف نمایید.^{۴۱} ای زانیات، آیا نمی‌دانید که دوستی دنیا، دشمنی خدا است؟ پس هر که می‌خواهد دوست دنیا باشد، دشمن خدا گردد» (یعقوب ۴ : ۳ - ۴)

یوحنا نیز هشدار می‌دهد که از دنیا دوستی پرهیز کنید زیرا در طلب دنیا بودن نشان دهنده در دام شیطان قرار گرفتن است: «دنيا را و آن چه در دنیا است دوست

مدارید زیرا اگر کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در وی نیست.^{۱۶} زیرا که آن چه در دنیا است، از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی از پدر نیست بلکه از جهان است.^{۱۷} و دنیا و شهوات آن در گذر است لیکن کسی که به اراده خدا عمل می کند، تا به ابد باقی می ماند» (اول یوحنا ۲ : ۱۵ - ۱۷).

در صورت ظاهر کسی که به این گونه دعا می کند، چند چیز ناپسند را در خود به نمایش می گذارد:

۱- خود را تحقیر و کوچک می سازد، به جای آن که مانند فرزندان خدا در مناعت طبع و وقار منتظر عمل خدا برای خود باشد، مانند گدایان و طلبکاران رفتار می نماید.

۲- میل به دنیا دوستی که خاص ابنای دنیا است را در خود آشکار می سازد، و به نوعی حقیقت وجودی و ایمانی خود را آشکار می کند.

۳- نشان می دهد که چیزی از کلام خدا نمی داند و یا بی ایمان و بی اعتماد به کلام خدا می باشد.

یوحنا ی رسول در حق فرزندان خدا می گوید: «ای فرزندان، شما از خدا هستید و بر ایشان غلبه یافته اید زیرا او که در شما است، بزرگ تر است از آن که در جهان است.^{۱۸} ایشان از دنیا هستند از این جهت سخنان دنیوی می گویند و دنیا ایشان را می شنود. ما از خدا هستیم و هر که خدا را می شناسد ما را می شنود و آن که از خدا نیست ما را نمی شنود. روح حق و روح ضلالت را از این تمیز می دهیم» (اول یوحنا ۴ : ۴ - ۶).

دعای حاجتی روحانی:

بر خلاف تصوّر و اشتباه خلیلیها از این گفتهٔ خداوند عیسی مسیح، که فرموده هر چیزی را به اسم من طلب کنید، او به هیچ وجه به امور مادی و دنیوی اشاره ندارد: «^{۱۳} و هر چیزی را که به اسم من سؤال کنید به جا خواهم آورد تا پدر در پسر جلال یابد.^{۱۴} اگر چیزی به اسم من طلب کنید من آن را به جا خواهم آورد» (یوحنا ۱۴ : ۱۳ - ۱۴).

با توجّه به کلام و تعالیم خداوند که در اناجیل مکتوب گردیده و شاگردانش نیز در این خصوص سخنان بسیار گفته‌اند، مطلقاً منظور دعاهاى حاجتی دنیوی نیست، بلکه به آن دسته از حاجاتی اشاره دارد که جنبهٔ روحانی دارند.

این نوع از دعاهاى حاجتی نه این که ناپسند نیست بلکه در اکثر مواقع بسیار نیکو و لازم است. اگر فقط به موضوعاتی که در دعاهاى حاجتی روحانی گفته می‌شود نظری بیاندازید مشخص می‌گردد که تا چه حد نیکو بلکه ضروری است. بخشی از این قبیل دعاها را خود خداوند در آموزهٔ معروف خود که به دعای ربّانی شهرت یافته اعلام نموده است.

جسم انسان مادی است و حسب حکم خداوند در باغ عدن می‌بایست به خاک بازگردد: «^{۱۵} و به عرق پیشانی‌ات نان خواهی خورد تا حینی که به خاک راجع گردی، که از آن گرفته شدی زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت» (پیدایش ۳ : ۱۹). لذا هر گونه تلاش برای امور مادی نهایتاً به بطلالت تلف خواهد شد.

اما از آن جایی که نبرد ما با فوج نیروهای شرارت و عالم روحانی است، همان گونه که پولس رسول نیز به آن اشاره کرده می‌بایست در پی قوّات روحانی کوشید و با استعانت از خداوند تجهیز شد: «^{۱۶} خلاصه ای برادران من، در خداوند و در توانایی قوّت او زور آور شوید.^{۱۷} اسلحهٔ تمام خدا را بپوشید تا بتوانید با مکرهای ابلیس مقاومت کنید.^{۱۸} زیرا که ما را کُشتی گرفتن با خون و جسم نیست بلکه با ریاستها و قدرتها و جهانداران این ظلمت و با فوجهای روحانی شرارت در جایهای آسمانی. » (افسسیان ۶ : ۱۰ - ۱۲).

دعاهای حاجتی نیازها و درخواستهای ایمانداران است از خداوند تا در این روزهای شریر بتوانند مقاومت نموده و بایستند.

اما در دعاهای حاجتی روحانی چه موضوعات ارزشمند و ضروری وجود دارد که شایسته است تا آنها را پیوسته داشته باشیم؟ در این مجال تنها تیتروار به اهم آنها اشاره می‌کنیم ولی به دلیل اهمیت این دعاها در بخشی دیگر مفصلاً به این موارد خواهیم پرداخت.

- ✓ طلب بخشش از گناهان و خطاها؛
- ✓ نگاه خاص و حضور همه لحظه خداوند؛
- ✓ طلب حکمت و فهم کلام خداوند؛
- ✓ طلب گسترش ملکوت خداوند؛
- ✓ پناه بردن به خداوند از فوج شریران؛
- ✓ درخواست رفع مصیبت و بلا؛
- ✓ دعا برای خادمین کلیسا؛
- ✓ طلب سلامتی برای دردمندان؛
- ✓ طلب خدمتگزاری و دریافت عطایای سماوی؛
- ✓ طلب روزی روزانه از خداوند؛
- ✓ دعا برای دیگر ایمانداران؛

پیش از این که در خصوص اهمیت یکایک این دعاهای حاجتی صحبت کنیم، و این که چه اهمیت و تأثیراتی در زندگی و ایمان شخص دعا کننده و دیگران دارد، لازم است تا در ابتدا با اصول دعای پسندیده خدا آشنا شوید.

اصول دعای پسندیده خدا:

اگر به تورات موسی و صحف انبیا خوب دقت کنید، با خدایی مواجه می‌شوید که آداب‌دان، مقررّاتی، دارای تشریفات و رسوم خاص به خود می‌باشد، که در انجام آنها بسیار جدی و سخت‌گیر و شدیداً به قوم خودش حکم و سفارش نموده تا در خصوص احکام کلامش، رعایت رسوم منصوب شده، و ادای تشریفات مقررّ جدی باشند، و نیز از سویی دیگر با متخلّفان، بدون کوچک‌ترین اغمازی برخورد نموده است.

خدا در کوه سینا به قوم خود شریعت را داد که متشکل از مجموعه قوانین و احکام مقررّی بوده که می‌بایست بدون حتّی کوچک‌ترین سهل انگاری در سر وقت و دقیقاً مطابق کلام خدا به انجام می‌رسید. علاوه بر این احکام و قوانینی نیز برای کاهنان و لاویان که خدمتگزاران خیمه اجتماع و قدس‌الاقداص بودند وضع نمود.

خدا برای ساخت خیمه اجتماع و قدس‌الاقداص، و تمام اساس داخل آن مانند تخت رحمت، تابوت عهد، جنس و شکل خیمه‌ها، ظروف و اشیای خیمه‌ها، مذبح و ...، دستوراتی داد که گویای جنس تک تک آنها، چگونگی و چه شکلی ساخت آنها، کجا قرار دادنشان و موارد دیگر بوده است.

و باز با چنان دقتی برای لباس کاهنان که از چند تکه تشکیل می‌شد و هر کدام می‌بایست از چه جنسی بوده و شکل پوشاک و حمایلهایی که می‌بایست با خود حمل می‌کردند چگونه و چه شکلی باشند گرفته تا موارد دیگر، دستورات دقیقی داده بود که می‌بایست بدون کم و کاست اعمال می‌گردید.

همچنین خداوند یک نظم و ترتیب خاص برای هر امری مقررّ فرمود که با آدابی دقیق برای کاهنان و لاویان و قوم مرتّب شده بود که تخطّی از آن جرم محسوب می‌شد و مجازات مربوط به خودش را داشت. مثلاً: «در آن وقت خداوند سبط لاوی را جدا کرد، تا

تابوت عهد خداوند را بردارند، و به حضور خداوند ایستاده، او را خدمت نمایند، و به نام او برکت دهند، چنان که تا امروز است» (تثنیه ۱۰ : ۸).

هیچ کس غیر از لاویان حق نداشتند به تابوت عهد دست بزنند و حتماً می‌بایست بر دوش لاویان حمل می‌شد و اگر کسی به غیر از لاویان به تابوت عهد دست می‌زد، هلاک می‌گردید؛ در کتاب مقدس با اتفاقی مواجه می‌شوید که مربوط به چند قرن بعد در زمان داوود پادشاه است، زمانی که داوود قصد داشت تا تابوت عهد خداوند را به شهر خود منتقل کند.

«^۱ و داوود بار دیگر جمیع برگزیدگان اسرائیل، یعنی سی هزار نفر را جمع کرد.^۲ و داوود با تمامی قومی که همراهش بودند برخاسته، از بعلی یهودا روانه شدند تا تابوت خدا را که به اسم، یعنی به اسم یهوه صوالت که بر کروبیان نشسته است، مسمی می‌باشد، از آن جا بیاورند.^۳ و تابوت خدا را بر ارابه‌ای نو گذاشتند و آن را از خانه ابیناداب که در جبعه است، برداشتند، و عزه و اخيو، پسران ابیناداب، ارابه نو را راندند.^۴ و آن را از خانه ابیناداب که در جبعه است، با تابوت خدا آوردند و اخيو پیش تابوت می‌رفت.^۵ و داوود و تمامی خاندان اسرائیل با انواع آلات چوب سرو و بربط و رباب و دف و دهل و سنجها به حضور خداوند بازی می‌کردند.^۶ و چون به خرمنگاه ناکون رسیدند، عزه دست خود را به تابوت خداوند دراز کرده، آن را گرفت زیرا گاوان می‌لغزیدند.^۷ پس غضب خداوند بر عزه افروخته شده، خدا او را در آن جا به سبب تقصیرش زد، و در آن جا نزد تابوت خدا مرد» (۲ سموئیل ۶ : ۱ - ۷).

عزه که قصد نیکویی داشت تا مانع افتادن تابوت عهد شود، اما چون اجازه لمس تابوت عهد را نداشت و بی‌آدابی نمود، با آن که سالها از فرمان خدا مبنی بر دست نزدن هیچ کسی غیر از لاویان به تابوت عهد می‌گذشت، خدا حکم خود را فراموش نکرد و عزه را سخت تنبیه نمود و جانش را در دم گرفت.

عزّه فقط شخصی از قوم خداوند بود، هر چند او قصد و نیت نیکی داشت، اما به دلیل بی‌آدابی که نمود سخت مورد غضب خدا قرار گرفت تا نمونه‌ای باشد برای آیندگان (خصوصاً عصر حاضر)؛ در کتاب مقدس می‌بینیم که خداوند حتی از بی‌توجه‌ای در انجام رسوم و آداب مقرر شده، از خطای خاصان خود نیز نمی‌گذرد. یک نمونه تکان دهنده دیگر تخطی دو پسر هارون که از کاهنان قدس‌الاقداس بودند، می‌باشد.

ناداب و ابیهو دو پسر هارون، با آن که از کاهنان بودند، اما وقتی خارج از آداب به حضور خداوند در قدس‌الاقداس نزدیک می‌شوند و سر به داخل خیمه می‌برند، خداوند در دم جان آنان را هلاک می‌کند: «و ناداب و ابیهو پسران هارون، هر یکی مجمره خود را گرفته، آتش بر آنها نهادند. و بخور بر آن گذارده، آتش غریبی که ایشان را نفرموده بود، به حضور خداوند نزدیک آوردند.^۲ و آتش از حضور خداوند به در شده، ایشان را بلعید، و به حضور خداوند مردند» (لاویان ۱۰: ۱ - ۲).

کتاب مقدس به صراحت به ما می‌آموزد که به حضور خداوند نمی‌توان به ناشایستگی حاضر شد و به بهانه فیضی که از خداوندمان عیسی مسیح یافته‌ایم، هر ناراستی و ناپاکی را در حق او روا داریم. متأسفانه در کمال بی‌شرمی هنوز دیده می‌شود خیلی از معلمین کذب و نادان، حسب جهل خود با بهانه قرار دادن این که خدا محبت است و کاری به این چیزها ندارد و ما دیگر در شریعت زندگی نمی‌کنیم و ده‌ها ادله پوچ و ضد کتاب مقدس دیگر، کلیسا را به سمت رجاسات و دوری از خدا کشانده‌اند. ثمره این همه انحرافات، شده دوری از خدا و جدایی افراد بی‌شماری از کلیسای حقیقی، و تشکیل فرقه‌های منحرفی که ربطی به بدن خداوند عیسی مسیح ندارند.

آیا دعا کردن نیز با هر عنوان و لحن و پوشش و شکل و طریقی صحیح است؟ قطعاً خیر! بلکه در خیلی از شرایط: اشتباه، اهانت آمیز، کریه، ناشایست، بی‌تأثیر و حتی اثرات معکوس به همراه دارد. هر ایماندار مسیحی می‌بایست با چهار اصل بنیادی برای دعا نمودن آشنا بوده و آنها را در زندگی روزانه خود لحاظ دارد. که به تشریح آنها می‌پردازیم.

۱. قالب دعای مسیحی؛
۲. آداب شایسته دعا؛
۳. دعای در وقت درست؛
۴. زمان بندی برای دعا؛

قالب دعای مسیحی:

کتاب مقدس به ما می آموزد که اگر می خواهید دعایتان به نزد خداوند برسد و نتیجه بخش باشد، باید دارای خصوصیات باشد که کتاب مقدس به ما می آموزد و خارج از این قالب هر چه گفته شود بیهوده گویی است و راه به نزد خداوند ندارد.

این خصوصیات که قالب دعای صحیح را تشکیل می دهند به قراری که در ادامه به تشریح آنان می پردازیم، می باشند.

۱- دعا از جایگاه عادل شمرده می شود:

کتاب مقدس می گوید که: «^{۲۹}خداوند از شریران دور است، اما دعای عادلان را می شنود» (امثال ۱۵ : ۲۹). می دانید که به جز آنانی که در خداوند عیسی مسیح هستند، همه دنیا در شریر خوابیده: «^{۱۹}و می دانیم که از خدا هستیم و تمام دنیا در شریر خوابیده است» (اول یوحنا ۵ : ۱۹)؛ و خداوند می فرماید از شریران دور است.

در باغ عدن نیز وقتی که آدم گناه نمود خدا او را از خود راند و محکوم شد تا با درد و رنج از آن نان بخورد، حتی به واسطه گناه آدم تمامی زمین نیز از حضور خدا ملعون شد: «^{۱۷}و به آدم گفت: چون که سخن زوجهات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر

فرموده، گفتم از آن نخوری، پس به سبب تو زمین ملعون شد، و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد.^{۱۸} خار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه‌های صحرا را خواهی خورد^{۱۹} و به عرق پیشانی‌ات نان خواهی خورد تا حینی که به خاک راجع گردی، که از آن گرفته شدی زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت» (پیدایش ۳: ۱۷ - ۱۹).

از آن پس گناه هنر نسل آدم گردیده و همه دنیا فاسد و مرتد به خدا گردیدند تا جایی که کتاب مقدس نیز شهادت می‌دهد: «آ خداوند از آسمان بر بنی آدم نظر انداخت تا ببیند که آیا فهمیم و طالب خدایی هست.^۳ همه روگردانیده، با هم فاسد شده‌اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی» (مزامیر ۱۴: ۲ - ۳).

این یک توهّم محض است اگر کسی باور کند که خدا دعای مردم دنیا، یا امتهای به ظاهر یکتا پرست را می‌شنود و آمین می‌گوید. او از مردم دنیا که با منجی خود عیسی مسیح بیگانه‌اند، به اندازه فاصله کرسی آسمانی خود تا زمین فاصله دارد و نه این که پاسخی به دعاهاى اینان نمی‌دهد، بلکه حتّی نمی‌شنود. دعای شیران در نزد خدا مکروه است: «قربانی شیران نزد خداوند مکروه است، امّا دعای راستان پسندیده او است» (امثال ۱۵: ۸). قربانی لبها همان دعای بلند کرده شده است.

«امّا دعای عادلان را می‌شنود.» علاوه بر این که کتب مقدس بارها به این موضوع، به طُرُق مختلف اشاره نموده، پطرس رسول نیز به این مهم اشاره می‌کند: «از آن رو که چشمان خداوند بر عادلان است، و گوشهای او به سوی دعای ایشان، لیکن روی خداوند بر بدکاران است» (اول پطرس ۳: ۱۲).

پس اولین اصل و پایه برای پذیرش هر دعایی قرار گرفتن در جایگاه عادلان است. هر شخصی فقط و فقط به واسطه پذیرش خداوند عیسی مسیح به عنوان منجی و خداوند است که در زمره عادلان قرار می‌گیرد.

۲- دعا در نام خداوند عیسی مسیح:

حال وقتی کسی در جایگاه عادلان قرار می‌گیرد باید نشان دهد که از آن موضع دعای خود را به آسمان خدا بلند می‌کند تا خدا گوشه‌های خود را برای شنیدن دعای او برگرداند. خداوند عیسی مسیح این مهم را با یک مژده خوش به شاگردانش متذکر می‌شود: «^{۲۴}تا کنون به اسم من چیزی طلب نکردید، بطلبید تا بیابید و خوشی شما کامل گردد» (یوحنا ۱۶ : ۲۴).

می‌خواهم به این جملات خوب دقت کنید! دعا ادعایی است که از سوی انسان به حضور خداوند می‌رود؛ این ادعا می‌تواند به صورت حاجتی مانند: مطالبه، شکایت یا دفاعیه باشد، و یا در قالب شکرگزاری یا ستایش مطرح گردد. این به شکل یک نامه به آسمان فرستاده می‌شود؛ کلام خدا می‌گوید که او فقط «دعای عادلان را می‌شنود» یعنی آنانی که به نام خداوند عیسی مسیح اعتراف دارند؛ حال برای این که دعای شما باز شود، چه کار باید بکنید؟

شما باید به نامه خود یک اعتبار آسمانی ببخشید؛ باید نامه شما دارای مهر و امضا و نامی باشد که خدا به آن واکنش نشان می‌دهد، خدا فقط به یک نام است که توجه می‌کند و آن نام اعظم خود او است، پولس در این خصوص می‌گوید: «^{۱۷}و آن چه کنید در قول و فعل، همه را به نام عیسی خداوند بکنید و خدای پدر را به وسیله او شکر کنید» (کولسیان ۳ : ۱۷). در قول اشاره به کلام گفته شده و دعا دارد.

هر نامه بدون مهر و امضا فاقد ارزش است و حال آن که هر مهر و امضای دیگری مانند آن نامه‌ایی که امت‌های دیگر در دعا‌های خود بلند می‌کنند و ربطی به خدا ندارد، بلکه نامه‌ای خدایان دروغین و یا نامه‌ای باطل است نیز بی‌توجه و بی‌جواب می‌ماند.

هر ایماندار مسیحی باید این را بداند که می‌بایست حتماً در دعا‌های خود ابتدا "به نام خداوند عیسی مسیح" شروع کند تا مشخص گردد این دعای یک شخص مسیحی است،

و در پایان نیز با عبارت "طلبیدم در نام خداوند عیسی مسیح" دعای خود را مُهر و امضا کند تا آن دعا دارای یک اعتبار برای خداوند گردد. خود خداوند عیسی مسیح در این خصوص می‌گوید: «^{۱۳} و هر چیزی را که به اسم من سؤال کنید بجا خواهم آورد تا پدر در پسر جلال یابد.^{۱۴} اگر چیزی به اسم من طلب کنید من آن را بجا خواهم آورد» (یوحنا ۱۴ : ۱۳ - ۱۴).

بگذارید با یک مثالی این را بیشتر آشکار کنیم. مثلاً اسم شما ایلیا است و دوستان و خانواده شما، شما را با این نام می‌شناسند، وقتی شما در یک خیابان شلوغ که پر است از مردم نأشنا و بیگانه قدم می‌زنید، اگر صدایی از هر سویی بشنوید که کسی، کسی دیگر را صدا می‌زند آیا به آن صدا توجه و واکنش نشان می‌دهید؟ یا روی خود را به سمت آن صدا بر می‌گردانید؟ یا به آن صدای ندا کننده بلند جواب می‌دهید که بله من این جا هستم؟ قطعاً خیر! چون کسی شما را مخاطب قرار نداد؛ شما اسم خودتان را نشنیدید.

حال اگر کسی از دور و پشت سر شما صدا کند ایلیا، چه کار خواهید کرد؟ کسی نام شما را صدا کرد، حتی اگر آن صدا برای شما نأشنا باشد هم آیا بی‌توجه عبور خواهید کرد؟ قطعاً خیر! می‌ایستید، رویتان را بر می‌گردانید، گوشتان را تیز می‌کنید تا ندا کننده را ببینید، به صدایش توجه می‌کنید، و بعد شما نیز به او پاسخ می‌دهید.

در دنیای امروزی که پر است از آدمهای نأشنا و به دور از عدالت خدا که هر روزه همه دارند اسامی خدایان دروغین و باطل را بر زبان می‌آورند، خداوند فقط روی خود را به سمت کسانی بر می‌گرداند و به آنانی جواب می‌دهد که نام حقیقی او را به درستی صدا می‌کنند.

اگر هر ایمانداري دعا می‌کند و جوابی نمی‌شنود یکی از دلایلی می‌تواند این باشد که دعای خود را با نام خداوند عیسی مسیح مُهر و امضا نکرده و خدایان باطل را صدا زده.

۳- دعا از موضع فرزند خواندگی:

در موعظهٔ بالای کوه، خداوند عیسی مسیح آموزه‌ای از چگونگی دعا کردن را برای جمع حاضر بیان می‌کند که به "دعای ربّانی" معروف گردیده. هر چند این موعظه برای قوم حاضر در آن مکان ایراد شده اما با توجه به عبارات به کار رفته و گویش خداوند می‌توان دریافت که مخاطبین اصلی این آموزه کسانی‌اند که بعدها به عنوان فرزندان خدا برگزیده خواهند شد. او به شاگردانش یاد می‌دهد که وقتی شما دعا می‌کنید موضع خود را نسبت به خدا مشخص کنید: «پس شما به این طور دعا کنید، ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدّس باد» (متی ۶: ۹). خداوند این را برای برگزیدگان خاص خود گفته که با دریافت تعمید روح‌القدس فرزندان خدا خواهند شد، لذا در این مجال صحبت با این دسته خوانندگان است.

تمام مردم دنیا بندهٔ خدا هستند و جزو هالکانند، از این تمامیت مردم بعضیها برگزیده می‌شوند تا وارد ملکوت خدا گردند، بعضی از این برگزیدگان این را می‌یابند تا خداوند آنان را به عنوان دوستانش بشناسد، بعضی دیگر از این دوستان این فرصت را می‌یابند تا خدمتگزاران او در زمین باشند، از این برگزیدگان عده‌ای نیز این فیض را می‌یابند تا در زمرهٔ عادل شمردگان قرار بگیرند، و عدهٔ معدودی نیز این را می‌یابند تا به عنوان فرزندان خدا با دریافت تعمید روح‌القدس به عنوان عروس مسیح وارد ملکوت آسمان گردند.

حال وقتی شما دعا می‌کنید، در ابتدای دعای خود و پس بلند کردن صدای خود "به نام خداوند عیسی مسیح" اولین کار نیکویی که می‌توانید بکنید این است که موضع خود را نسبت به خدای پدر مشخص کنید. و با بیان این که "ای پدر ما که در آسمانی" در اصل مدّعی فرزند خواندگی خدا شده و دعای خود را از موضع فرزند خدا به او یادآور می‌شوید.

موضع یک فرزند با هر کس دیگری در دنیا برای پدرش فرق دارد. ارث از پدر به فرزند می‌رسد و یک پدر تنها برای فرزند خود از هیچ چیزی دریغ نمی‌کند. یک پدر بسیار مهربان و پر محبت، برای فرزندانِ مردانِ دیگر فقط یک مرد مهربان است که گاهی از سر مهربانی بخششی بسیار کوچک به آنها روا می‌دارد؛ اما هر چه دارد را در اختیار فرزند خود قرار می‌دهد و او را مالک بر تمام دارایی و اعتبار خویش می‌سازد.

هر مردی به راحتی می‌تواند به درخواست دیگران نه بگوید و هرگز ملامت نشود چون در قبال آنانی که متعلق به دیگران هستند وظیفه‌ای ندارد؛ اما یک پدر نسبت به فرزندان خود مسؤولیت دارد و از سویی دیگر حس پدرانۀ او اجازه نمی‌دهد که فرزندش را در رنج و تنگدستی ببیند.

به هنگام دعا و قبل از شروع به هر سخنی وقتی موضع خود را نسبت به خداوند معلوم می‌کنید که به عنوان فرزند او سخن می‌گویید، او نیز با دید پدرانه به شما نگاه می‌کند و گوش می‌سپارد، لذا از امتیازات یک فرزند برخوردار خواهید شد.

این گونه اعلام موضع برای فرزندان خدا معنی دارد، و خدا نیز فرزندان خود را می‌شناسد؛ اما برخی مواقع یک دعا از جایگاهی خاص بلند می‌شود که باز شایسته است تا شخص دعا کننده با اشاره به جایگاه خود در نزد خداوند، آغاز به سخن کند.

مثلاً پولس که از رسولان بوده در آغاز نامه‌های خود و در دعای آغازین نام و جایگاهش را همیشه در ابتدای نامه و دعاها می‌آورد: «پولس، رسول نه از جانب انسان و نه به وسیله انسان بلکه به عیسی مسیح و خدای پدر که او را از مردگان برخیزانید» (غلاطیان ۱ : ۱). به این گونه شخص از همان ابتدا جایگاه و ارزشی که خداوند به او داده را به یاد می‌آورد و سپس آغاز سخن می‌کند. همچنین است برای هر کسی که از سوی خداوند دارای جایگاهی خاص شده باشد.

در دعا‌های خود حتی الامکان از عناوینی مانند: خدایا، ای خداوند، خالقا، بارالها و ... که متعلق به امتها است پرهیز کنید؛ همیشه او را با عنوان "پدر آسمانی" از جایگاه فرزند خواندگی، و یا در قداست نام پر جلال او با نامهای "خداوند عیسی مسیح، یا عیسی مسیح، یا خداوند عیسی، یا مسیح خداوند" مخاطب قرار دهید، که نیکوترین عناوینی است که کتاب مقدس به ما می‌آموزد.

البته این نکته را نیز به خاطر بسپارید که می‌بایست حتماً فرزند خدا باشید و مانند فرزندان حقیقی او مطیع تمامی کلام او باشید، فرزندان حقیقی خدا در وجود خود، خدا که محبت است را دارند و آن محبت که اول و دوم حکم خداوند است کاملاً آشکار شدنی است، نه در سخن بلکه در عمل، چنان که یوحنا رسول به این وجه اشاره دارد: «ای فرزندان، محبت را به جا آریم نه در کلام و زبان بلکه در عمل و راستی» (اول یوحنا ۳: ۱۸).

۴- دعای کوتاه، گزیده، شایسته:

پس از مشخص کردن موضع خود در دعا، زمان عرض کردن مطلبی است که برای آن در حالت دعا قرار گرفته‌اید. نیکوترین شکل دعا آن است که کوتاه، گزیده و شایسته گفته شود. خداوند عیسی مسیح می‌فرماید: «و چون عبادت کنید، مانند امتها تکرار باطل نکنید زیرا ایشان گمان می‌برند که به سبب زیاد گفتن مستجاب می‌شوند» (متی ۶: ۷).

در مسیحیت هیچ دعای مدون و نوشته شده‌ای آن گونه که در بین تمام آیینها و مذاهب غیره وجود دارد، موجود نمی‌باشد. خداوند به این گونه دعا‌های از پیش تنظیم شده و تکراری مَهر باطل زده، و این گونه دعاها هرگز شنیده نمی‌شوند. حتی دعا‌هایی که از قبل شخصی بنویسد و آن را از رو بخواند نیز ناپسند خداوند است. دعا می‌بایست در لحظه و با عمق احساس و تراوشات لحظه‌ای شخص به حضور خداوند بلند شود.

دعاهای طولانی اگر در جمع باشد برای حاضرین بسیار خسته کننده و فضای روحانی را از بین می‌برد، و اگر دعا در خلوت شخصی باشد به خود شخص چنان فشار عصبی وارد می‌کند که فکرش را از دعا منحرف می‌کند. لذا نیکوتر است تا دعاها کوتاه بوده و تکراری نباشد.

برای دعا نمودن می‌توان موارد بسیاری را به یاد آورد و ساعتها حرف زد، اما چون مسیحیان پیوسته می‌بایست در دعا باشند، شایسته است تا هر مورد را در زمانهای لازم به خود به زبان آورده و گزیده سخن بگویند؛ مثلاً در هنگام خوردن خوراک به مواردی که مربوط به خوراک می‌باشد، پردازید یعنی شکرگزاری، برکت طلبیدن و تقدس خوراک و از اضافه‌گویی بپرهیزید مانند: توبه کردن، دعا برای بیماران، قبولی در امتحان، و مواردی از این قبیل پرهیز شود. گزیده‌گویی نشان از درک شخص از چیزی که می‌خواهد بگوید دارد و خواسته او را در نزد خدا موجه جلوه می‌دهد.

همچنین وقتی به حضور خداوند حاضر می‌شوید با ادبیاتی شایسته و حکیمانه سخن بگویید نه مانند طلبکاران و گدا صفتان و زورگویان؛ زیرا: «سخنان حکیمان که به آرامی گفته شود، از فریاد حاکمی که در میان احمقان باشد زیاده مسموع می‌گردد» (جامعه ۹: ۱۷). همیشه کلام فصیح و حکیمانه گوشها را به سمت خود جلب می‌کند. و یک ایماندار مسیحی از آن جهت دعا می‌کند تا سخنان دل او به گوش خداوند برسد.

و در پایان دعا همان گونه که پیش‌تر گفته شد، آن را با طلبیدن در نام خداوند عیسی مسیح مَهر نمایید.

آداب شایسته دعا:

وقتی به تورات نگاه می‌کنید با خدایی قانونمند، منظم و تشریفاتی مواجه می‌شوید که از قوانین شریعت گرفته تا چگونگی ساخت خیمه اجتماع و اسباب و اثاث آن، تا لباس کاهنان و آداب و رسومی که برای کاهنان و لاویان و قوم مقرر فرموده دارای غیرتی عجیب است. پس یقین بدانید که او برای هر امری قائل به آدابی خاص به همان است.

وقتی برای دعا به حضور خداوند حاضر می‌شوید باید این را در نظر داشته باشید که در حضور بزرگ‌ترین شخصیت جهان هستی حاضر شده‌اید که همه جهان با عظمتش در مقابل او خوار و حقیر است. لذا او شایسته اكرامی فوق از تصور بشر است.

پوشیدن لباس مناسب:

به صُحف انبیا و مکاشفه وقتی که نگاه بیاندازید، وقتی که از جایگاه قدّوسیت خدا سخن گفته می‌شود فرشتگان و نفوسی را می‌بینید که با جامه‌هایی شایسته و منظم در پیشگاه قدّوس او ایستاده و خداوند را قدّوس قدّوس می‌خوانند. لذا هر ایماندار مسیحی نباید این توهّم شیرانه را به خود راه دهد که در پیشگاه خداوند با هر لباسی ناشایست، مانند لباس زیر خود می‌تواند حاضر شود.

«و بعد از این دیدم که اینک، گروهی عظیم که هیچ کس ایشان را نتواند شمرد، از هر امت و قبیله و قوم و زبان در پیش تخت و در حضور برّه به جامه‌های سفید آراسته و شاخه‌های نخل به دست گرفته، ایستاده‌اند»^۹ و به آواز بلند ندا کرده، می‌گویند، نجات، خدای ما را که بر تخت نشسته است و برّه را است.^{۱۰} و جمیع فرشتگان در گرد تخت و پیران و چهار حیوان ایستاده بودند. و در پیش تخت به روی درافتاده، خدا را سجده

کردند^{۱۲} و گفتند، آمین! برکت و جلال و حکمت و سپاس و اکرام و قوّت و توانایی، خدای ما را باد تا ابدالآباد. آمین.» (مکاشفه ۷ : ۹ - ۱۲)

هیچ کسی جلوی یک شخصیت بلند پایه اجتماعی و حتی در مقابل دشمن بزرگ خود حاضر نیست با لباسی ناشایست حاضر شود، حال وقتی حاضر نیستید جلوی چنین اشخاصی به ناشایستگی رفتار کنید، به شکلی که طبیعت به شما می آموزد، صد البته پوشیدن چنان جامه هایی در پیشگاه خداوند اهانت به او محسوب می گردد.

قطعاً منظور پوشیدن لباسهای فاخر و مزین شده به سنگها و جواهرات و غیره نیست؛ بلکه پوشیدن جامه های ساده اما پاکیزه و پوشیده و آن گونه که مورد پسند خدا است. یعنی مردان با جامه های مردانه و زنان با لباسهای زنانه به حضور خداوند حاضر باشند.

نوع پوشش مردان و زنان همیشه ملاک خداوند بوده و به عنوانی حکمی ابدی برای قوم برگزیده خود مقرر فرموده بود که تا به امروز نیز به همان قوّت اعتبار دارد. در کتاب تثنیه در یکی از حکمهای داده شده خداوند آمده که: «متاع مرد بر زن نباشد، و مرد لباس زن را نپوشد، زیرا هر که این را کند مکروه یهوه خدای تو است» (تثنیه ۲۲ : ۵). خداوند، مردان و زنانی را که جامه شایسته خود را ترک کرده و لباس جنس مخالف را بر تن می کنند، مکروه دارد.

متاع چیست؟ متاع به معنی لباس، اثاثه، جنس، کالا، مال التجاره و باروبنه است. لباس یا هر جنس کالای مردانه از قبیل کت و شلوار و البسه پوشیدنی گرفته تا وسایلی که مردانه و خاص مردان است، استفاده آن برای زنان کربه منظر و ناشایست است و خداوند این عمل را مکروه دارد. پوشش زنان، خاص و کمی متفاوت تر از مردان است، مثلاً به جای شلوار زنان دامن می پوشند و از جنس لباسهای خاصی متناسب با اندام خود استفاده می کنند، علاوه بر اینها دارای زیورآلاتی آراستنی به خود هستند؛ زنانی که با

پوشش مردانه برای دعا حاضر می‌شوند نه این که دعا‌های آنان شنیده نمی‌شود، بلکه باعث بی‌آبرویی خود نزد خدا و اهانت به او می‌گردند.

و حال بالعکس نیز برای مردان، با شرمساری باید گفت بسیاری از مردان جایگاه و منزلت خود را ترک کرده‌اند و امروزه به شکل زنان و با پوشش‌های زنانه ظاهر می‌شوند. این قبیل افراد باید بدانند که هر گونه زیورآلات مانند گردنبند، دستبند، گوشواره، خلخال، انگشتر (به غیر از حلقه ازدواج) پوشش خاص زنانه است و برای مردان شایسته و جایز نیست. هیچ یک از شاگردان مسیح و مردان خدا به این قبیل زیورآلات پوشیده نشده بودند. همچنین است لباسهایی که خاص زنان می‌باشد مانند دامن و ...، که نمی‌بایست مردان بر تن کنند. هر مردی که چنین پوشش‌هایی بر تن کند، نه این که دعا‌های او شنیده نمی‌شود، بلکه باعث بی‌آبرویی خود نزد خدا و اهانت به او می‌گردد.

گذاشتن پوششی بر سر:

پولس رسول در نامهٔ اوّل خود به قرنطیان پس از آن که به جایگاه مردان و زنان در قبال یک دیگر و خداوند اشاره می‌کند: «^۱پس اقتدا به من نمایید چنان که من نیز به مسیح می‌کنم. ^۲اما ای برادران شما را تحسین می‌نمایم از این جهت که در هر چیز مرا یاد می‌دارید و اخبار را به طوری که به شما سپردم، حفظ می‌نمایید. ^۳اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد و سر مسیح، خدا» (اوّل قرنطیان ۱۱ : ۱-۳).

با لحنی محکم و تأکیدی می‌گوید که مردان در هنگام دعا و نبوت نباید هیچ پوشش و کلاهی بر سر بگذارند و بالعکس زنان می‌بایست با پوششی بر سر و یا اگر موی بلندی دارند با موی باز دعا یا نبوت نمایند.

«^۴هر مردی که سر پوشیده دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می‌نماید.^۵ اما هر زنی که سر برهنه دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می‌سازد، زیرا این چنان است که تراشیده شود.^۶ زیرا اگر زن نمی‌پوشد، موی را نیز ببرَد؛ و اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید بپوشد.^۷ زیرا که مرد را نباید سر خود را بپوشد چون که او صورت و جلال خدا است، اما زن جلال مرد است.^۸ زیرا که مرد از زن نیست بلکه زن از مرد است.^۹ و نیز مرد به جهت زن آفریده نشد، بلکه زن برای مرد.^{۱۰} از این جهت زن می‌باید عزّتی بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان.

^{۱۱}لیکن زن از مرد جدا نیست و مرد هم جدا از زن نیست در خداوند.^{۱۲} زیرا چنان که زن از مرد است، همچنین مرد نیز به وسیله زن، لیکن همه چیز از خدا.^{۱۳} در دل خود انصاف دهید، آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند؟^{۱۴} آیا خود طبیعت شما را نمی‌آموزد که اگر مرد موی دراز دارد، او را عار می‌باشد؟^{۱۵} و اگر زن موی دراز دارد، او را فخر است، زیرا که موی به جهت پرده بدو داده شد؟^{۱۶} و اگر کسی ستیزه‌گر باشد، ما و کلیساهای خدا را چنین عادت نیست» (اول قرنیتان ۱۱ : ۴ - ۱۶).

به این سخن پولس متأسفانه هیچ یک از کلیساها به خوبی دقت نکردند و حتی بدون آن که در خصوص موی سر در کتاب مقدس تحقیقی نمایند، فتوهای گوناگونی صادر کردند که باعث بروز اختلافات و جدالهای بسیاری در کلیساها شده است. هر کس از زاویه استنباط خود آن را تفسیر نموده، ولی پاسخ به این که موی مردان و خصوصاً زنان باید بلند یا کوتاه باشد؟ و یا تا چه حد باید بلند یا کوتاه باشد؟ بحث داغ همیشه کلیساها بوده است.

کلاً موضوع موی سر مردان و زنان دارای تعلیمی مخصوص به خود می‌باشد، اما از آن جایی که بعد شناخت الوهیت، موضوع تعلیمی دعا مهم‌ترین دانسته‌ای هست که هر فرد مسیحی باید در ابتدا آن را بیاموزد، شایسته است تا در دل آموزه دعا به آن پرداخته شود. لذا در این مجال سعی می‌کنیم تا این موضوع را روشن نماییم.

ابتدا ببینیم که در عهد عتیق و در قوم برگزیده خدا، شرایط موی سر مردان و زنان به چه شکلی بوده؟ فصل ششم کتاب اعداد که در خصوص نذیره‌ها صحبت می‌کند یک سرنخ جالب برای دانستن وضعیت موهای سر به ما می‌دهد.

«^۱ و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت: «بنی‌اسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: چون مرد یا زن نذر خاص، یعنی نذر نذیره بکند، و خود را برای خداوند تخصیص نماید،^۲ آنگاه از شراب و مسکرات بهره‌یزد و سرکه شراب و سرکه مسکرات را ننوشد، و هیچ عصیر انگور ننوشد، و انگور تازه یا خشک نخورد.^۴ و تمام ایام تخصیصش از هر چیزی که از تاک انگور ساخته شود، از هسته تا پوست نخورد.^۵ و تمام ایام نذر تخصیص او، اُسْتَره بر سر او نیاید، و تا انقضای روزهایی که خود را برای خداوند تخصیص نموده است، مقدّس شده، گیسهای موی سر خود را بلند دارد» (اعداد ۶ : ۱ - ۵).

آیه پنجم از این احکام تراشیدن و کوتاه کردن موهای سر مردان و زنانی که به عنوان نذیره انتخاب می‌شدند را کلاً در ایام مقررّ قدغن فرموده؛ و با اشاره به گیسهای مو اعلام می‌کند که موی آنان حتّی اگر بسیار بلند هم شود نباید تراشیده یا چیده شود. کلاً گیس به معنی موی بلند است.

این قانون برای مردان و زنان یکسان بود که منظور دست نزدن و کوتاه نکردن موی سر بوده زیرا در آیه دوّم به روشنی به "مرد و زن" اشاره می‌کند؛ امّا چه زمانی؟ وقتی که برای نذیره بودن مقررّ می‌شوند: «... خود را برای خداوند تخصیص نماید ... و تمام ایام نذر تخصیص او، اُسْتَره بر سر او نیاید، و تا انقضای روزهایی که خود را برای خداوند تخصیص نموده است، مقدّس شده، گیسهای موی سر خود را بلند دارد.» یعنی آن مرد یا زن نذیره نباید موی سر خود را ببرد (اُسْتَره) بلکه می‌بایست موهای خود را بلند نگه دارد.

این نشان می‌دهد که اولاً مردان دارای موی بلند نبودند، دوّم در بین زنان نیز احتمالاً موهای خیلی بلند نباید زیاد مرسوم بوده باشد. اگر کسی موی خود را بلند می‌کرد،

قطعاً اتفاقی عجیب و خاص در قوم به نظر می‌رسیده، مانند شمشون که نذیره بود و کتاب مقدس به موی بلند او از قبل تولدش اشاره و تأکید کرده بود: «و شخصی از صُرعه از قبیله دان، مانوح نام بود، و زنش نازاد بوده، نمی‌زایید.^۳ و فرشته خداوند به آن زن ظاهر شده، او را گفت: اینک تو حال نازاد هستی و نزاییده‌ای. لیکن حامله شده، پسری خواهی زایید.^۴ و الآن باحذر باش و هیچ شراب و مسکری منوش و هیچ چیز نجس مخور.^۵ زیرا یقیناً حامله شده، پسری خواهی زایید، و استره بر سرش نخواهد آمد، زیرا آن ولد از رحم مادر خود برای خدا نذیره خواهد بود؛ و او به رهانیدن اسرائیل از دست فلسطینیان شروع خواهد کرد» (داوران ۱۳ : ۲ - ۵).

یک گذر کوتاه بزنیم به عهد جدید؛ جمیع کلیساها اتفاق نظر دارند که موی خداوند عیسی مسیح بلند بود! بعضی از کلیساها هم برای آن دلیل می‌آورند که فقط موی مسیح بلند بود چون موی بلند نشان پادشاهی بوده است، و چون پادشاه مسیحیان است او موی بلند داشته است! آیا حقیقتاً این گونه بود؟ در حالی که پولس می‌گوید: «آیا خود طبیعت شما را نمی‌آموزد که اگر مرد موی دراز دارد، او را عار می‌باشد؟» اگر این گونه باشد که موی مسیح بلند بوده، پولس که ظرف برگزیده خداوند به اقرار خود عیسی مسیح است، با گفتن این جمله او را مورد نکوهش و تحقیر قرار داده و عملاً بر ضد مسیح شده است که! آیا واقعاً پولس می‌تواند چنین اشتباه هولناکی بکند؟

خیر به هیچ وجه مسیح دارای موی بلند نبوده. این امکان نداشته. این یک اشتباه بدون استناد است که برای آن می‌توان چهار دلیل بزرگ آورد. به بهانه این که او پادشاه مسیحیان است، لذا مویش بلند بوده، تنها یک نگاه فلسفی و بی‌استناد تاریخی است.

۱- او نذیره نبوده تا موی بلند داشته باشد. به چه دلیلی؟ زیرا شراب می‌آشامیده که نذیره‌ها نمی‌بایست به آن لب می‌زدند. در اناجیل روایات بسیاری را می‌توانید ببینید که خداوند عیسی مسیح شراب می‌نوشیده. از سویی دیگر نه یحیی تعمید دهنده و نه خود او، هرگز به نذیره بودنش شهادتی نداده‌اند.

۲- به فرض اشتباه که پادشاهان دارای موی بلند بودند (که این نیز هیچ اثبات تاریخی ندارد.)، آن گونه که بعضیها ادعا می کنند، مسیح پادشاه نبوده. چند بار مردم خواستند او را پادشاه کنند و او از میان آنان رفت و حتی یک بار هم خود او اقرار کرد پادشاهی او از این جهان نیست: «^{۳۶} عیسی جواب داد که پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان می بود، خدام من جنگ می کردند تا به یهود تسلیم نشوم. لیکن اکنون پادشاهی من از این جهان نیست» (یوحنا ۱۸ : ۳۶).

۳- او اگر موی بلند داشت، قطعاً باید برای قوم عجیب بوده باشد و این می بایست در اناجیل مکتوب می گردید، در حالی که در هیچ یک از اناجیل چنین چیزی مکتوب نشده، و جالب تر این که کتاب مقدس می گوید که او دارای چنان چهره عادی بوده که در جمع قابل تشخیص هم نبوده؛ یعنی ظاهری مانند سایر مردم قوم داشته به حدی که هرگز قوم او نتوانستند هیچ ایرادی از شکل ظاهری او بگیرند.

۴- اگر خداوند عیسی مسیح دارای موی بلند می بوده، یقیناً باید تمام شاگردان او با اشتیاق تمام خود را به شباهت ظاهری او می کردند. کیست که نخواهد حتی به شباهت ظاهری خداوند باشد؟ و حال آن که پولس می گوید: «^{۴۱} آیا خود طبیعت شما را نمی آموزد که اگر مرد موی دراز دارد، او را عار می باشد؟» یعنی این که تمام رسولان موهای کوتاهی داشتند.

فقط همین دلایل برای این که اثبات کند خداوند عیسی مسیح و مردان قوم اسرائیل و مسیحیان دارای موهای کوتاه بوده اند، کفایت می کند.

اما برای این که بدانیم موی سر در نزد قوم اسرائیل و برگزیدگان خدا به چه شکلی بوده، باز در کتاب حزقیال نبی می توان یک سرنخ دیگر به دست آورد. باب ۴۴ کتاب حزقیال نبی نیز که در خصوص لاویان کهنه از بنی صادوق است، احکام بلندی را برای لاویان می شمارد که هرگاه می خواستند به صحن بیرونی هیکل و نزد قوم بروند

می‌بایست آن قوانین را رعایت می‌کردند، در این جا فقط به بخشی از این قوانین که مربوط به موی سر آنان بود، اشاره می‌کنیم.

«^{۲۰}و ایشان سر خود را نتراشیدند و گیسوهای بلند نگذارند بلکه موی سر خود را بچینند» (حزقیال ۴۴ : ۲۰). نتراشیدن موی سر حکایت از ته تراشیدن یعنی کچل کردن دارد، و بلند نکردن گیسوها، به معنی این است که موهای سر خود را باز نکنند تا مانند چیزی مثل کلاه برایشان پوشش باشد، و وقتی می‌گویند که باید موها را بچینند، با توجه به این که اجازه تراشیدن از ته را نداشتند و موها را بلند و باز نمی‌بایست می‌کردند، به یک حد فاصلی بین تراشیدن از ته و موی بلند اشاره می‌شد، یعنی همان اندازه موی سر مردانه امروزی؛ کی باید این کار را می‌کردند؟ زمانی که داخل مردم و در صحن بیرونی هیكل وارد می‌شدند، مانند دیگران.

در این آیات مشخص است که اندازه مو به سه دسته تقسیم می‌گردد: تراشیده، چیده شده، گیسوی بلند.

۱. تراشیده، یعنی از ته زده و کچل کرده است که مو را در مواقعی خاص و به منظوری ویژه از ته می‌تراشیدند.
۲. چیده، که حاکی از موی کوتاه شده ولی نه به اندازه موی تراشیده شده از ته است، که موی مردانه امروزی است.
۳. گیسوی بلند، یعنی موی بلندتر از اندازه مردانه به حدی که قابل بافتن باشد، که این نوع مو خاص زنان است.

به غیر از این سه اندازه موی سر، کتاب مقدس به نوعی دیگر از اندازه موی، اشاره نمی‌کند.

حال در خصوص مورد سوم بیشتر تمرکز کنید، چون به طور عجیبی در خصوص اندازه لازم برای موی زنان اختلاف و انحرافات زیادی وجود دارد که خیلیها را درگیر خود کرده، تا به حدی که برخی معتقدند زنان هرگز نباید موی سر خود را کوتاه کنند از این روی بعضیها موهایشان را هرگز کوتاه نمی‌کنند تا به جایی که از قامتشان هم بلندتر شده. و از سویی دیگر عده‌ای مطلقاً مکلف به موی بلند نیستند و مانند مردان کوتاه نگه می‌دارند.

موی بلند به اندازه بافته، خاص زنان است؛ اما تا چه اندازه می‌بایست بلند باشد؟ هیچ کجای کتاب مقدس برای موی بلند حد و اندازه‌ای قائل نشده، پس به میل شخصی هر کس بستگی دارد.

اما موی بلند از چه اندازه‌ای به بعد، بلند محسوب می‌شود؟ به اسم این مدل مو دقت کنید، گیسو؛ یعنی دقیقاً از جایی که مو قابلیت بافته شدن داشته باشد؛ با توجه به این مهم می‌توان گفت هرگاه موی شخصی، لاله گوش و گردن او را بپوشاند، بلند محسوب می‌شود. یعنی برای زنان، اگر موی سرشان تا حد روی گوش و گردنشان را بگیرد به عنوان موی بلند و پوشش محسوب می‌شود؛ و متعاقباً این اندازه برای مردان ناپسند است.

حال به کلام پولس در خصوص موی سر زنان بر می‌گردیم. «اما هر زنی که سر برهنه دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می‌سازد، زیرا این چنان است که تراشیده شود.» این سر برهنه اشاره از موی کوتاه مردانه دارد نه تراشیده شده، چون سریعاً در ادامه می‌گوید که اگر زن موی کوتاه داشته باشد برای او فرقی با تراشیده شده ندارد، پس بهتر است تا از ته بتراشد!

او با تندی این موضوع را برای زنان حکم می‌کند و ادامه می‌دهد: «زیرا اگر زن نمی‌پوشد، موی را نیز ببرَد؛ و اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید بپوشد.» او با اشاره به قبیح بودن موی تراشیده برای زنان به آنان می‌فهماند که داشتن موی کوتاه مردانه نیز برای آنان قباح است. زنان آن عصر نیز می‌دانستند که موی کوتاه برای آنان

ناپسند است با این حال بعضیها در کلیسا با آن وضعیّت حاضر می‌شدند، لذا پولس در خطاب به آنان ادامه می‌دهد که:

«^{۱۳}در دل خود انصاف دهید، آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند؟^{۱۴} آیا خود طبیعت شما را نمی‌آموزد که اگر مرد موی دراز دارد، او را عار می‌باشد؟^{۱۵} و اگر زن موی دراز دارد، او را فخر است، زیرا که موی به جهت پرده بدو داده شد؟^{۱۶} و اگر کسی ستیزه‌گر باشد، ما و کلیساهای خدا را چنین عادت نیست» (اول قرنتیان ۱۱ : ۱۳ - ۱۶).

حال به این نکته نیز دقت کنید پولس به کوتاهی موی زن در وقت دعا و نبوّت ایراد وارد کرده؛ ولی برای اوقات دیگر ایرادی نگرفته، شاید حسب بیماری خاص یا علّت موجه غیر قابل گریزی، یک زن نتواند موی خود را بلند نگه دارد، در چنین شرایطی ایرادی وارد نیست، ولی در هنگام دعا یا نبوّت می‌بایست سر خود را به گونه‌ای که گوشها و گردنش معلوم نباشد یا ابتدای محاسبه برای موی بلند، باید با پوششی مانند روسری بپوشاند؛ اما اگر زن موی بلند دارد، نیازی به هیچ پوششی نیست و موی خود را می‌تواند باز کند که همان موی بلند او برایش در حضور خداوند پوشش محسوب می‌گردد. لذا برای مردان نیز لازم است در هنگام دعا یا نبوّت، که موی کوتاه داشته و هیچ کلاهی نیز بر سر نگذارند.

پس در آداب دعا از آن جا که مردان نباید پوششی بر سر داشته باشند، حتماً می‌بایست موهای آنان کوتاه باشد. و زنانی که موی بلند دارند همان موی بلند برایشان پوشش محسوب می‌شود، فقط می‌بایست موهای خود را باز کنند و اگر موی آنان به دلایل موجه کوتاه بود با یک روسری سر و گوش و گردن خود را بپوشانند.

پای برهنه:

قطعاً همیشه و در هر حالی می‌توانید دعا کنید، در خانه، در محیط کار، در خیابان، در مسافرت و در مسیر راه و ... کلاً در هر زمان و شرایطی؛ و اگر در اراده خداوند زندگی می‌کنید و با او راه می‌روید، بدون شک دعا‌های شما را خواهد شنید و آمین خواهد گفت.

اما اگر زمانهای خاصی را برای دعا کردن با خدا تعیین می‌کنید که بعداً مفصلاً در خصوص آن صحبت خواهیم کرد، و یا در زمانی به غیر از وقتی تعیین شده در حال دعا کردن هستید و به ناگاه خداوند حضور یابد و متوجه حضور او شدید، حتماً هر پوششی که در پا دارید مانند کفشها را فوراً از پای خود به نشانه احترام خارج کنید، زیرا با پوشش بر پا نباید نزدیک خداوند شد.

ما چنین صحنه‌ای را در اولین ملاقات موسی با خداوند می‌بینیم که خود خداوند به او هشدار می‌دهد که پاپوش خود را سریعاً از پایش درآورد زیرا در جای مقدس وارد شده. اساساً هر جایی که خداوند حضور یابد آن مکان مقدس است: «و فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته‌ای بر وی ظاهر شد. و چون او نگریست، اینک آن بوته به آتش مشتعل است اما سوخته نمی‌شود.^۳ و موسی گفت: اکنون بدان طرف شوم، و این امر غریب را ببینم، که بوته چرا سوخته نمی‌شود.^۴ چون خداوند دید که برای دیدن مایل بدان سو می‌شود، خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت: ای موسی! ای موسی! گفت: لبیک.^۵ گفت: بدین جا نزدیک میا، نعلین خود را از پایهایت بیرون کن، زیرا مکانی که در آن ایستاده‌ای زمین مقدس است» (خروج ۳: ۲ - ۵).

شایسته است در هنگام دعا: در وقتی تعیین شده، در صحن کلیسا و به هنگام دعا و پرستش، و در هنگامی که به ناگاه خداوند حضور می‌یابد، اگر کفش و پوششی بر پا دارید آن را خارج نمایید.

در خلوت دعا کردن:

قطعاً بسیاری چنین می‌پندارند که دعا در کلیسا و به جماعت بهتر است، چون خداوند در کلیسا حضور دارد و دعاها را می‌شنود؛ اما حقیقت امر دقیقاً چیزی دیگر است. خداوند عیسی مسیح در آموزه دعا، ایمانداران را به سمت خلوت رفتن و در پشت درهای بسته سفارش می‌کند.

«و چون عبادت کنی، مانند ریاکاران مباش زیرا خوش دارند که در کنایس و گوشه‌های کوچه‌ها ایستاده، نماز گذارند تا مردم ایشان را ببینند. هر آینه به شما می‌گویم اجر خود را تحصیل نموده‌اند. لیکن تو چون عبادت کنی، به حجره خود داخل شو و در را بسته، پدر خود را که در نهان است عبادت نما؛ و پدر نهان بین تو، تو را آشکارا جزا خواهد داد» (متی ۶: ۵ - ۶).

خداوند با توجه به ریاکاران بسیاری که در قوم عادت داشتند در معابر عمومی به عبادت بپردازند، و این عمل را حسب ریاکاری به انجام می‌رساندند چنین جمله‌ای را فرموده. اما باید دانست که در عبادات دسته جمعی و دعا‌های کلیسایی وقتی هیچ گونه ریاکاری در کار نباشد، نه این که ناپسند نیست بلکه عملی نیکو است.

اما اگر خودمان را گول زنیم، تصدیق خواهید کرد که در اکثر دعا‌هایی که در جمع ایراد می‌شود، نیت ریاکاری و خود نمایی بسیار مشهود است. برخی چون زبان بلیغی دارند با چنان جملات و آب و تابی دعا می‌کنند که دیگران را تحت تأثیر خود قرار داده تا دیگران آنان را به چشم مردان بزرگ ایمان ببینند و ستایش کنند، و این امر نیز متقابلاً برای بسیاری از نوایمانداران احساس ضعف و سرشکستگی می‌نماید تا حدی که هرگز حاضر نیستند در جمع دعا کنند.

اما و رای این نگاه، دعا در خلوت و تنهایی دارای چنان ویژگی و امتیازهای خاصی است که تصوّرش را نمی‌کنید! که آنان را بر می‌شماریم:

۱- وقتی در خلوت دعا می‌کنید وارد یک ارتباط خصوصی با خداوند می‌شوید که فقط خودتان هستید با خداوند؛ مانند کسی که به جای حضور در یک کلاس عمومی، برای خود یک کلاس خصوصی با خداوند تعیین می‌نماید. و اگر در جمع به خاطر حتی یک شخص ناپاک خداوند حضور نیابد یا به دعای جمع گوش ندهد، اما در خلوت با خدا، چنان چه در شما رجاستی نباشد، هیچ چیز مانع از ارتباط شما نمی‌گردد، و حتی اتفاقات و ملاقاتهای بسیار بزرگی صورت می‌گیرد.

۲- در جمع برای حاصل کردن یک نتیجه باید همه یک دل باشند، که اگر باز نخواهیم خودمان را گول بزنیم، خصوصاً در عصر حاضر، چنین اتفاقی عجیب و تا حدودی محال است، چون هیچ جمعی کاملاً در یک دلی، مانند آن چه در روز پنطیکاست و صدهٔ اول مسیحیت بوده، تا کنون دیده نشده. اما در خلوت این یک دلی همیشه هست چون فقط دل شما هست و خداوند، و دلی دیگر در کار نیست؛ از سویی دیگر ریاکاری در خلوت معنی ندارد تا باعث عدم یک دلی بین شما و خداوند شود.

۳- در خلوت عموماً شخص دچار خستگی و خواب‌آلودگی می‌شود، چیزی که در جمع امکانش بسیار کم است. شما در خلوت یاد می‌گیرید که هم بر این خستگی ناشی از سکوت و تنهایی غلبه کنید و هم گوشهای خود را برای شنیدن صدای خدا تربیت کنید. و چون زمان برای دعا و پرستش در اختیار شما است، آن قدر فرصت دارید تا به نتیجهٔ مطلوب خود برسید.

۴- این را بدانید که همیشه در خلوت شما شیاطین نیز حضور خواهند داشت تا هم شما را از دعا و تفکر بازدارند و هم شما را فریب داده و مشوّش نمایند. شما در خلوت آهسته، آهسته با مکرهای ابلیس آشنا خواهید شد و یاد خواهید گرفت تا چگونه به آنها توجه نکرده و فریب نخورید. خداوند هر ایمانداری را در چنین موقعیتهایی قرار می‌دهد تا تجربیات بیاندوزد، مانند وقتی که قوم خود را به بیابان برد تا در سکوت بیابان تجربه شوند و با دامهای ابلیس آشنا شده و هم این فرصت را بیابند تا با خدا ملاقات کنند. دعای در

خلوت چنین فضایی را برای ایمانداران شبیه‌سازی می‌کند. هم روحهای شریر را به وضوح خواهید دید و مکرهایشان برایتان آشکار می‌شود و هم جلوه شکوه خداوند را خواهید دید و با او ملاقات خواهید نمود.

و مازاد بر اینها خداوند عیسی مسیح می‌فرماید، وقتی که از این تجربیات موفق بیرون بیایید، خود خداوند شما را آشکارا پاداش خواهد داد و شما را در میان جمع بلند می‌کند، آمین.

خود خداوند عیسی مسیح عادت داشته همیشه برای دعا به خلوت برود: «بامدادان قبل از صبح برخاسته، بیرون رفت و به ویرانه‌ای رسیده، در آن جا به دعا مشغول شد» (مرقس ۱ : ۳۵).

نه تنها به خلوت می‌رفت، بلکه حتی وقتی در نزد شاگردانش هم که بوده، برای دعا از آنان جدا می‌شد و به گوشه‌ای خلوت می‌رفته: «^{۳۶}آنگاه عیسی با ایشان به موضعی که مسمی به جتسیمانی بود رسیده، به شاگردان خود گفت: در این جا بنشینید تا من رفته، در آن جا دعا کنم. ...» (متی ۲۶ : ۳۶ - ۴۴).

حتی در اعمال خداوند عیسی مسیح می‌بینیم که اگر جای مجزایی از دیگران برای دعا نداشته، در حالی که کسانی با او بودند، او به تنهایی و در یک خلوت درونی شروع به دعا می‌نمود: «^{۱۸}و هنگامی که او به تنهایی دعا می‌کرد و شاگردانش همراه او بودند، از ایشان پرسیده، گفت: مردم مرا که می‌دانند؟» (لوقا ۹ : ۱۸).

ایستادن یا به زمین نشستن:

در این بخش در خصوص آداب شایسته در دعا صحبت نمودیم. بخشی از این آداب را کتاب مقدس به ما می‌آموزد و بخشی دیگر را حکمت آداب دنیا. آیا حکمت آداب

دنیا به ما نمی‌آموزد که وقتی در پیش شخصیتی بزرگ قرار می‌گیریم، ادب این است که در حضورش ایستاده، یا بر روی زمین نشسته باشیم؟

از دیرباز همیشه رعیت در نزد پادشاهان و سروران قیام نموده می‌ایستادند تا اجازهٔ جلوس یابند و چنان چه اجازه می‌یافتند به احترام پادشاه هرگز هم تراز با او قرار نمی‌گرفتند بلکه پایین‌تر و یا روی زمین می‌نشستند. جالب است که در عصر حاضر نیز بارها شاهد آن بودم که هرگاه در کلیسای خداوند کسی بر روی صندلی یا مبل برای دعا می‌نشست، روح امر می‌کرد، تا بر زمین بنشیند.

شایسته و زیبا است تا ایمانداران به هنگام دعا و پرستش در حضور خداوند، یا قیام نموده بایستند یا بر روی زمین بنشینند، ولی بر روی کرسی جلوس نکنند.

در جلسات عمومی کلیسا نیز که زمان دعا و پرستش طولانی است و احتمالاً بسیاری خسته شده و این خستگی باعث ایجاد درد در مفاصل آنان می‌گردد و ذهنشان را از دعا منحرف می‌کند، بهتر است تا در دعای آغازین به احترام خداوند قیام نموده و در دعاها بعدی بر روی زمین بنشینند، و در دعای پایانی باز به احترام خداوند ایستاده تمام کنند.

دعای در وقت درست:

بسیار دیدم وقتی قرار بود برای موضوع خاصی دعا شود، کسانی بودند که آن قدر آسمان و زمین را به هم می‌بافتند و از هر چیزی در دعا ندا می‌کردند که موضوع اصلی در میان آن همه موضوعات گم می‌شد.

انصافاً این گونه دعا کردن علاوه بر این که در حاضرین ایجاد خستگی و زدگی از دعا می‌کند، موضوع اصلی دعا را نیز منحرف نموده و در اکثر مواقع دیده شده که هیچ حاصلی به همراه نداشته!

دعا نیکو است و همان گونه که پولس رسول گفته: «^{۱۷}همیشه دعا کنید» (اول تسالونیکیان ۵ : ۱۷). این همیشه دعا کردن، موضوعات می‌خواهد، اما این موضوعات به آن منظور نیست که در هر وقت برای همه موضوعات دعا کنید. مثلاً تصور کنید بر سر سفره خوراک نشسته‌اید و می‌خواهید قبل از خوردن دعا کنید، حال یک نفر بلند شود و یک ساعت دعا کند و در دعای خود از توبه کردن گرفته، تا طلب عطایای سماوی، تا دعا برای حکومت، تا ربوده شدن به آسمان به عنوان عروس مسیح و ...؛ پشت سر هم دعا کند!

اوه! واقعاً وحشتناک است! واقعاً برای موقع خوردن خوراک این دعاها چه معنی دارد؟ غذا که سرد شده و از دهان می‌افتد یک سو، ایجاد تنفر و انزجار حاضرین بر سر سفره خوراک از سویی دیگر! این گونه دعا کردن بی‌ارزش و ناپسند است. می‌بایست ایمانداران یاد بگیرند تا چگونه و چه وقت برای موضوعی خاص دعا کنند.

موقع خوراک، برای تبرک و تقدیس و برکت باید دعا شود؛ برای بیماری، به جهت رفع بیماری و شفا باید دعا شود؛ برای آغاز کسب و کار، برای طلب روزی و برکت باید دعا شود؛ و الی ...؛ در ادامه این بخش به بعضی از موضوعات خاص برای نمونه اشاره می‌کنیم.

قبل از اشاره به چند مورد که در ادامه می‌آید، این نکته بسیار مهم را همیشه به یاد داشته باشید که در همه دعاهای خود بلااستثنا، داشتن موارد زیر در آنها مشترک است:

۱. آغاز دعا به نام خداوند عیسی مسیح؛
۲. اشاره به موضع خود در قبال خداوند با ذکر پدر آسمانی؛
۳. پایان دادن به دعا با عبارت طلبیدم در نام خداوند عیسی مسیح؛

علاوه بر چند موردی که برای مواقع خاص اشاره می‌گردد، در دعا‌های خاص و خلوت خود که غالباً برای عبادت و مناجات با خداوند مقرر می‌کنید، و اساس دعا‌های یک ایماندار مسیحی است، علاوه بر موارد بالا، حتماً توبه از گناهان، پرستش، شکرگزاری، و دعای حاجتی برای دیگران را نیز منظور دارید.

موقع خوردن خوراک:

یکی از نشانه‌هایی که به راحتی می‌توان مسیحیان را با دیگران تشخیص داد، دعای وقت خوردن خوراک است. هیچ مسیحی در دنیا نیست که قبل از خوردنِ خوراک دعا نکند؛ و به راستی بسیار زشت و رقت‌انگیز است که بر سر سفره‌ای که به بخشش و لطف خداوند تهیه شده کسی بنشیند و از او سپاسگزاری نکند، خصوصاً این که آن شخص داعیهٔ ایمان به خدا را داشته باشد!

دعا برای خوردنی، قالب و کلام خاص به خود را دارد. شخص که قصد خوردن چیزی را دارد، باید بداند که برای آن لحظه و خوراک پیش روی خود چگونه باید دعا کند و چه بگوید تا در ارتباط با آن باشد. خداوند عیسی مسیح در هنگام خوراک دادن به بیش از پنج هزار نفر یک نمونهٔ عالی برای ما برجای گذاشته.

این اتفاق در هر چهار اناجیل ذکر شده، سه انجیل اوّل به بالا بردن خوراک به سمت آسمان که نشان از تقدیس نمودن است، و برکت دادن آنها اشاره کرده؛ و یوحنا نیز در انجیل خود علاوه به بالا بردن خوراک برای تقدیس، به شکرگزاری خداوند نیز اشاره نموده است.

نتیجه‌ای که از این روایت حاصل می‌شود و آن چه حق ادای کلام در خصوص هر خوراکی می‌باشد به ما می‌آموزد که دعا برای خوراک می‌بایست دارای سه فاکتور اساسی باشد: شکرگزاری کردن، طلبیدن برکت، تقدیس نمودن.

✓ شکرگزاری، علاوه بر این که وظیفه هر شخص قدرشناس و با انصاف است، باعث فزونی و پیوستگی نعمات خداوند می‌شود.

✓ طلبیدن برکت برای خوراک، به آن خوراک حاضر چنان برکت و قوتی می‌دهد که اگر مقدار آن خیلی کم هم باشد، جماعت بسیاری را سیر خواهد نمود؛ نمونه این واقعه عجیب را در هنگام خوراک دادن به بیش از پنج هزار نفر می‌بینید.

✓ تقدیس نمودن هر بیماری و شرارت روح پلیدی را از خوراک، برای ایمانداران دور می‌کند، حتی اگر آن خوراک قربانی بتها باشد. چنان که مسیح نیز اشاره می‌کند: «اگر زهر قاتلی بخورند، ضرری بدیشان نرساند.»

برای دعای سفره و پرهیز از هر اشتباهی، پسندیده است تا زمان دعا کوتاه و در بر گیرنده این سه فاکتور مهم باشد. در پایان این قسمت، فقط یک نمونه بسیار کوتاه به عنوان مشقی از دعای سفره، مانند نمونه‌ای که خداوند عیسی مسیح به عنوان دعای ربّانی به شاگردانش آموزش داده، به شما ارائه می‌گردد، تا منظور بهتر رسانده شود.

«به نام خداوند عیسی مسیح، ای پدر آسمانی، تو را شکر و سپاس به خاطر تمام نعماتی که به ما عطا نمودی، به این خوراک ما برکت عطا بفرما، و همچنین تقدّس نما، در نام خداوند عیسی مسیح طلبیدم، آمین.»

برای سرکار رفتن:

وقتی برای کسب درآمد و معیشت زندگی سرکار می‌روید، اگر مغازه دارید، یا هر شغل دیگری که رزق و روزی شما وابسته به مشتریان یا کارفرمایان دیگر است، باید بدانید که چگونه دعا کرده و از خداوند طلب روزی کنید.

اول به یاد داشته باشید، قبل از این که وارد محیط کاری خود بشوید، و یا درب مغازه‌تان را باز کنید، شروع به دعا نمایید. و بعد در هنگام دعا برای کسب رزق و روزی باز سه فاکتور مهم وجود دارد که باید به یاد داشته باشید: شکرگزاری، طلب روزی، برکت برای اربابان خود.

✓ شکرگزاری، که بسیار مهم و باعث نزول نعمات خداوند می‌شود، برای سلامتی بدنی، شغل، مکان، بودجه، و فرصتی که برای کار و تلاش دارید از خداوند شاکر باشید؛ و از خداوند اینها را برای روز و روزهای دیگر نیز دعا نمایید و بطلبید.

✓ طلب روزی، برای آن روز، چنان که خود خداوند در دعای ربّانی به ما می‌آموزد: «انّان کفاف ما را امروز به ما بده» (متّی ۶: ۱۱). طلب بیش از نیاز روزانه در اراده و پسندیده خداوند نیست و خود او به این موضوع اشاره می‌کند: «اَپس در اندیشه فردا مباشید زیرا فردا اندیشه خود را خواهد کرد. بدی امروز برای امروز کافی است» (متّی ۶: ۳۴).

✓ اربابان هر کس سفره آنان را پر می‌سازند. و چون برای دیگران کار می‌کنید، بدانید که خداوند خواسته تا در خدمت دیگران باشید. از این روی برای اربابان و مشاغل ایجاد شده توسط آنان طلب برکت، سلامتی و آرامش بکنید تا در مهربانی به نیازهای شما برسند.

باز در این مواقع نیز مانند دعای سفره می‌توانید کوتاه و پسندیده، و در قالب یک دعای صحیح و به دور از اضافه‌گویی دعای خود را به گوش پدر آسمانی خود برسانید.

برای بیماری:

یکی از اشتیاقهایی که زیاد در بین ایمانداران دیده می‌شود، دعا کردن برای شخص بیمار است. خداوند برای بیماران عطیّه‌ای خاص به نام نعمتهای شفاهای در کلیسا قرار داده، و نیز کسانی که دارای عطیّه ایمان هم می‌باشند مواقعی دست برای شفاهای بلند می‌کنند. اما در کل هر ایماندار مسیحی می‌تواند برای شفای دیگران دعا کند و بسیار دیده شده که خداوند به این گونه دعاها هم آمین گفته است.

در کل برای سلامتی و شفای دیگران دعا نمودن عملی پسندیده و بسیار نیکو است و از وجوّهات ایمانداران با محبت است، حتی اگر شفا واقع نگردد. باید هر ایمانداری همیشه ایمانش را به پیش بکشد و بدون توجّه به نتیجه، همیشه در سدد انجام کار درست باشد.

با این وجود این را نیز باید همیشه مد نظر قرار داد که هر موقعی دعای خاص زمان خود را دارد و نباید با زیاده‌گویی و آسمان و ریسمان‌بافی، هدف و منظور را منحرف نمود. وقتی بر سر بیماری هستید و قصد دارید برای شفای او دعا کنید دو نکته مهم را باید بدانید: شفا از سوی خداوند صادر می‌شود، بیمار می‌بایست شفا را بپذیرد.

شفا از سوی خداوند صادر می‌شود. خداوند عیسی مسیح به کسانی که در دعا زیاده‌روی می‌کنند و دائماً با حرفهای تکراری و مکرر دعا می‌کنند می‌گوید: «و چون عبادت کنید، مانند امّتها تکرار باطل مکنید زیرا ایشان گمان می‌برند که به سبب زیاد گفتن مستجاب می‌شوند.^۸ پس مثل ایشان مباشید زیرا که پدر شما حاجات شما را می‌داند پیش از آن که از او سؤال کنید» (متی ۶: ۷ - ۸).

وقتی شفای کسی را از خداوند طلب می‌کنید باید بدانید که از چه شخص بزرگ و توانایی طلب می‌کنید. او همه چیز را می‌داند حتی پیش از آن که شما به زبان آورید. او

از شنیدن سخنان تکراری و زیاده‌گویی بیزار است. پس خداوند را با پرگویی تحقیر نکنید و او را نیازمایید.

شخص بیمار باید شفا را بپذیرد و دریافت کند. خصوصیت وقوع شفای الهی به کسی، مستلزم آن است که خود آن شخص نیز به ایمان آن شفای صادر شده را بپذیرد. خداوند عیسی مسیح بارها در شفاهایی که به انجام می‌رساند به این موضوع تأکید داشت.

ما این حقیقت را در شفای دو کوری که از عقب خداوند می‌رفتند و پرسش خداوند از آنان به وضوح می‌بینیم: «^{۲۷} و چون عیسی از آن مکان می‌رفت، دو کور فریادکنان در عقب او افتاده، گفتند: پسر داوود!، بر ما ترحم کن!^{۲۸} و چون به خانه در آمد، آن دو کور نزد او آمدند. عیسی بدیشان گفت: آیا ایمان دارید که این کار را می‌توانم کرد؟ گفتندش: بلی خداوند!^{۲۹} در ساعت چشمان ایشان را لمس کرده، گفت: بر وفق ایمانتان به شما بشود.^{۳۰} در حال چشمانشان باز شد و عیسی ایشان را به تأکید فرمود که زنه‌ار کسی اطلاع نیابد» (متی ۹: ۲۷ - ۳۰).

لذا هرگاه می‌خواهید برای سلامتی و شفای شخص بیماری دعا کنید، بدون هر گونه حاشیه‌روی و زیاده‌گویی، ابتدا از خود بیمار بپرسید که آیا مایل است شما برای او در نام خداوند عیسی مسیح دعا کنید تا خداوند او را شفا دهد؟ و این که آیا به شفای الهی از سوی خداوند عیسی مسیح ایمان دارد؟ و اگر گفت بلی و ایمان دارم؛ آنگاه بسیار کوتاه و در قالب صحیح دعای پسندیده خدا، از خداوند درخواست صدور شفا برای آن بیمار را بنمایید.

بدانید که دیگر شفای بیمار هیچ ربطی به داد و فریاد و زیاده‌گویی شما ندارد و مابقی به صدور شفا از سوی خداوند دارد و پذیرش آن توسط بیمار.

برای مسافرت:

برای همگان این فرصت پیش می‌آید که بخواهند برای مدّتی به مسافرت بروند. هر مسافرتی از مسیر جاده‌ای گرفته تا اماکن مورد نظر می‌تواند خطراتی را با خود به همراه داشته باشد، خصوصاً که در عصر حاضر سرعت تردد با وسایل نقلیه، خطرات بسیاری را برای مسافران رقم می‌زند.

لذا بسیار نیکو است تا قبل از حرکت دعا نمایید؛ امّا چگونه؟ و دعای نیکو برای این گونه مواقع دارای چه فاکتورهایی است؟ با رعایت قالب صحیح دعای پسندیده خدا، موارد زیر را نیز در دعاهاى خود لحاظ کنید.

۱- شما قصد دارید از حیطه‌ای که همیشه با خداوند ارتباط داشتید خارج شوید، پس از خداوند دعوت کنید در مدّت سفر همراه شما و پیوسته نگاه او بر روی شما باشد.

۲- شما سوار بر خودرویی خواهید بود که می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد، حتّی اگر شما نقشی در فجایع نداشته باشید، امّا نقص فنی خودرو، و یا رانندگی خودروهای دیگران، و نیز عوامل طبیعی در مسیر جاده می‌توانند مسبّب آن باشند. پس از خداوند بخواهید از بروز هر اتفاقی برای آن خودرو ممانعت کند.

۳- برای سلامتی و امنیّت خود و همراهانتان، چه در مسیر سفر و داخل خودرو، و چه در مواقع توقّف در هر مکانی از خداوند طلب حفاظت و امنیّت برای جان و مالتان بکنید.

همیشه سعی کنید برای هر موضوعی دعای پسندیده آن را به جا آورید، به یاد داشته باشید دعایی که در نام خداوند عیسی مسیح و از جایگاه فرزند خدا به آسمان بلند می‌شود و مَهر می‌گردد همیشه به گوش خداوند خواهد رسید، آمین.

زمان بندی برای دعا:

رسیدیم به زیباترین بخش، یعنی زمان بندی برای دعا. یا بهتر بگوییم راز شگفت انگیز دعا که در آن قدرت عجیب و خارق العاده دعا برای هر که به آن مداومت می کند آشکار می شود. اکثریت ایمانداران و جماعتهای کلیسایی با این که بسیار اهل دعا هستند و تأثیراتی هم از آن دیده اند، اما هنوز به قدرت عجیبی که در زمان بندی دعا وجود دارد پی نبرده اند، بزرگ ترین دلیل اثبات این مدعا بی توجهی همگانی است که به زمان بندی دعا دارند.

پولس رسول سفارش می کند: «^{۱۷}همیشه دعا کنید» (اول تسالونیکیان ۵ : ۱۷). همیشه دعا کردن به معنی آن نیست که هرگاه مشکلی پیش آمد فوراً برای آن در دعا بایستید؛ چون این معنی همیشه در دعا بودن نیست. همیشه در دعا بودن نیازی به بهانه ای ندارد، بلکه در هر فرصتی می بایست با پرستش و شکرگزاری در حضور خدا قرار گرفت.

چرا؟ آیا خداوند به دعا و پرستش و عبادتهای ما نیاز دارد؟ اگر این گونه بود که برای کلیسای خود آداب عبادی خاصی وضع می کرد و بر کلیسای خود واجب می نمود! که هرگز چنین کاری را نکرد. او حتی پیش از خلقت انسان و فرشتگان نیازمند آیین عبادی نبوده. پس وقتی به دعا یعنی صحبت کردن با خداوند زیاد سفارش می شود چه منظوری در کار است؟

تا کنون و در بررسی وجوهای ارتباط با خدا خصوصاً دعا، گفته شد که دعاهاى ما که در قالب درست بیان می شود در اعلى علّیین و به حضور خداوند خواهد رسید و او به سمت کسی که او را مخاطب قرار می دهد توجه و نگاه خواهد کرد. کلاً هر ایمانداری دعا می کند تا اوّل نگاه خدا را به سمت خود جلب کند و دوم این که صدای خود را به گوش خداوند برساند.

اما این تمام موضوع نیست! در عالم روحانی اتفاقاتی در حال شکل‌گیری است که انسان از آنها چندان خبری ندارد. کتاب مقدس می‌گوید به همراه شیطان، فرشتگان تحت فرمان او که به خدا خیانت نمودند با او از جایگاه‌های آسمانی به زمین سقوط کردند؛ که در زمان آخر تعداد این فرشتگان سقوط کرده به یک سوم فرشتگان آسمان خواهد رسید.

«و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک، اژدهای بزرگ آتشگون که او را هفت سر و ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر؛^۴ و دُمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده، آنها را بر زمین ریخت. و اژدها پیش آن زن که می‌زاید بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد.^۵ پس پسر نرینه‌ای را زاید که همه امت‌های زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد؛ و فرزندش به نزد خدا و تخت او رबوده شد. و زن به بیابان فرار کرد که در آن جا مکانی برای وی از خدا مهیا شده است تا او را مدت هزار و دویست و شصت روز پیرو روند.^۷ و در آسمان جنگ شد، میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگ کردند و اژدها و فرشتگانش جنگ کردند،^۸ ولی غلبه نیافتند بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد.^۹ و اژدهای بزرگ انداخته شد، یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسمی است که تمام ربع مسکون را می‌فریبد. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی انداخته شدند» (مکاشفه ۱۲: ۳-۹).

آن یک سوم فرشتگان سقوط کرده با شیطان چند هزار سال است که جایهای خود را در آسمان از دست دادند و در زمین تردد می‌کنند و در هفت سال پایانی روز ششم از خلقت، دیگر کاملاً بر روی زمین خواهند بود. کتاب مقدس به این دسته از فرشتگان روحهای شریر، روحهای تاریکی و شیاطین اطلاق می‌کند که تمام نزاعها، جنگها، قتلها و گناهان گوناگون حسب عملکردهای آنان با انسانهایی است که تحت نفوذ و اختیار آنان قرار می‌گیرند.

چه بخواهید یا نخواهید این روحهای پلید در همه جا حضور دارند حتی در خانه‌های شما و پیوسته و بدون انقطاع تمام مردم دنیا را به سمت انواع گناهان و جنایات

و ... سوق می‌دهند و از هیچ عملی برای در اختیار گرفتن کسی و نابودی او فروگذاری نمی‌کنند. تنها راه حفاظت از عملکردهای شیرین در ایمان کامل به خداوند عیسی مسیح و پیروی کامل از کلام خدا است. شخص با چنین عملکرد و ایمانی است که می‌تواند در جایگاه امن خداوند قرار بگیرد و از همه حملات شیاطین در امان بماند. اما آیا همه به این معرفت و ایمان و اطاعت از کلام خدا رسیده‌اند و خود را در مکان امن قرار داده‌اند؟ قطعاً خیر. پس چه چاره‌ای برای چنین کسانی می‌ماند؟

دعا، دعای پیوسته و مداوم، دعای هر روز و هر وقت، دعا در هر موقعیت و مکان، با دعا نگاه و گوش خداوند به سوی ندا کننده‌اش جلب می‌شود. و دقیقاً در زمان توجه خداوند به شخصی، هر حيله و دسیسه و مکرری مکشوف می‌گردد و هیچ روح شریری جرأت دست درازی به شخص را نخواهد داشت.

پولس رسول می‌فرماید: «در دعا مواظب باشید و در آن با شکرگزاری بیدار باشید» (کولسیان ۴ : ۲). مواظبت به معنی: پاسداری، توجه، حراست، محافظت، مراعات، مراقبت، نگهبانی، نگهداری، پاییدن است. مواظبت در دعا یعنی نگه داشتن دعا، دعا عملی فرمایشی است پس کسی در آن مواظب است که پیوسته در حال دعا کردن باشد.

حال در این قسمت می‌خواهم راهکاری بسیار قوی و چاره‌ساز به شما یاد بدهم که همیشه با قوت‌های خداوند آمیخته شده و دعا و کلامتان با آمین، آمین خداوند همراه گردد، و آن "زمان بندی برای دعا" است.

هر ایماندار حقیقی خارج از دعا‌های خاصی که در طول روز برای منظورهای خاصی مانند خوردن خوراک، سرکار رفتن، خوابیدن و غیره ... دارد، می‌بایست حتماً در طول روز زمانهای خاصی را برای دعا تعیین کند و در آن زمانهای خاص هر جا که بود، در حال هر کاری که بود، متوقف شود و به خلوت رفته و با رعایت ادب و احترام و در شایستگی در حضور خداوند به دعا بایستد.

پیشنهاد می‌گردد حداقل در طول روز، از زمان بیداری تا وقتی که برای خواب می‌روید، پنج نوبت برای دعا تخصیص دهید؛ حتماً این زمانها را به حضور خداوند اعلام کنید و از او بخواهید تا در این زمانها او نیز در نزد شما حاضر باشد؛ آسمان و زمین اگر فرو بریزد حتی یک نوبت از زمانهای دعای خود را به تعویق نیندازید، مهم نیست کجا یا در چه حالی باشید، بدانید که آن زمانها مال خداوند خواهد بود برای همیشه؛ همیشه این زمانهای دعا را با شایستگی و رعایت آداب دعا به حضور خداوند باشید.

شاید بپرسید این گونه زمان بندی برای دعا چه امتیازاتی دارد؟

اولین امتیاز: غیرت و اشتیاق شما برای صحبت با خداوند را به او نشان می‌دهد لذا او را نیز به شما مشتاق می‌کند: «تا پادشاه مشتاق جمال تو بشود، زیرا او خداوند تو است پس او را عبادت نما» (مزامیر ۴۵ : ۱۱).

دومین امتیاز: شما را تبدیل به شخصی اهل دعا و برخوردار از قوت‌های دعا می‌کند، چون آمین، آمین خداوند با چنین کسانی است. شخصیت عالی یک انسان در سخت کوشی او ساخته و پرداخته می‌شود و شکل می‌گیرد، و حال اگر چنین شخصیتی در دعا شکل بگیرد، او دارای شخصیتی به شباهت و قدرتمندی خداوند خواهد شد و دعاها و بسیار پر قوت خواهد بود.

سومین امتیاز: شما خداوند را وارد یک قرارداد بسیار مهم و ضروری در زندگی خود می‌کنید، با این کار زمانهایی که برای دعا اختصاص می‌دهید، خداوند نیز مقید می‌گردد که هر روز و در آن ساعتها، هر جا که باشید روح پر جلال او حضور یابد و با شما در دعا متحد گردد، که خودتان می‌دانید این یعنی چه. لذا هرگز و تحت هیچ شرایطی زمان دعا را به تعویق نیندازید که خداوند خیلی زودتر از آن حاضر خواهد بود. همان گونه که عدم حضور در زمان مقرر برای دعا بی‌قیدی و بی‌تعهدی را اثبات می‌کند، پایبندی به قرارداد با خدا، او را سخت مقید به دعاها و خواسته‌های هم پیمان خود می‌کند.

چهارمین امتیاز: اگر فوجی از شیاطین برای ضربه زدن به شما هجوم آورند، حتی اگر شما از این هجوم روحانی خبر نداشته باشید، چون در طول روز به دفعات در اتحاد با خداوند و در حضور او هستید، جرأت نزدیک شدن به شما را نخواهند داشت زیرا نگاه خداوند پیوسته با شما هست و از شما محافظت خواهد کرد. این در دنیای پر شرارت امروز یعنی رفتن در مکان امن خداوند. خود من به شخصه تجربه کردم که اگر بین ساعات دعایم بیش از چهار ساعت فاصله بیفتد، شیطان چنان هجومی بر من خواهد آورد که تحملش بسیار دشوار خواهد بود.

پنجمین امتیاز: کسانی که بسیار اهل دعا هستند و از آن چه در دعا‌های خود پیوسته به زبان می‌آورند، شخصیت خود را به خداوند نشان می‌دهند، لذا یکی از وجوهاتی که خداوند به افراد نگاه می‌کند تا خادمین خود را برای خدمت‌های گوناگون برگزیند نحوه دعا‌های آنان است.

مثلاً کسانی عطای نبوت را می‌گیرند که در دعا‌های خود برای دیگران بسیار شفاعت می‌کنند و کلاً انبیا همیشه در حال شفاعت و دعا برای قوم هستند. و یا کسانی که تمیز ارواح و یا عطیة ایمان که با نام اخراج ارواح معروف‌تر است را می‌گیرند، از کسانی هستند که پیوسته در دعا‌های خود از خداوند می‌طلبند تا مکر و حيله‌های شریران را برایشان آشکار کرده و چهره‌ها و نقابهایشان را برایشان برملا سازد.

هرگز تمایلی نداشتم تا در کتب خود از شهادت‌های زندگی خودم و دیگران چیزی بنویسم مگر به اجبار یا ضرورت یک موضوع، و در کل نوشته‌هایم تعداد شهادت‌هایی را که مجبور به گفتن آنها شدم به اندازه عدد انگشتانم نبود. اما این جا احساس می‌کنم باید یکی از شهادت‌هایی که مربوط به این بخش است گفته گردد چون خالی از لطف نخواهد بود.

یک شب در منزل خود دو مهمان داشتم، یکی از شهری دیگر آمده بود و دیگری از ایالت دیگری بود. با هم قرار گذاشتیم برای دعای صبحگاهان رأس ساعت ۵ صبح بیدار شویم و در اتحاد به حضور خداوند برویم. ساعت حدود ۴:۴۵ دقیقه صبح بود که از خواب بیدار شدم و احساس کردم کسی در طول سالن پذیرایی که ما در آن جا خوابیده بودیم در بین ما حرکت می‌کند و منتظر است.

ده دقیقه گذشت. چون هنوز زمان موعود نرسیده بود من نیز بلند نشدم و کسی را بیدار نکردم و همچنان چشمانم را بسته بودم، دقیقاً پنج دقیقه مانده بود که ناگهان احساس کردم کسی انگشتان پای راستم را به نرمی گرفت و تکان داد، که فوراً پریدم و نشستم. هم زمان با من دو مهمان نیز فوراً بلند شدند و هر کدام شهادتی برای بیداری خود دادند و حضور خداوند را احساس کرده بودند.

خداوند زودتر از وقت مقرر ما، برای دعا آمده بود و مشتاقانه آماده بود. او همیشه مقید است، او هیچ پیمانی را نمی‌شکند، اشتیاق او عجیب است. در زمان مقرر، روح قدّوس خداوند آمده بود و مشتاق بود تا با ما مشارکت نماید. ما فوراً در فضای دعا قرار گرفتیم و احساس کردم که انگار پشتم به سینه خداوند است و او ما سه نفر را در آغوش گرفته و شبی از روح بر روی ما ریخته می‌گردد که بعد از پایان دعا آن دو مهمان دیگر نیز به این اتفاق شهادت دادند.

داشتن دعای پیوسته و خصوصاً زمان بندیه‌های دقیق و متعهد بودن به آن یکی از ارکان ایمانی برای هر فرد مسیحی می‌باشد که می‌بایست خود را نسبت به آن مکلف و مقید سازد. اما بسیاری می‌گویند که با این تفاسیر مجبورند در طول روز چندین نوبت دائماً دعا‌های تکراری کنند. این وضعیّت قطعاً برای نوایمانان و کسانی که تازه قصد دارند وارد حیطة دعا گردند پیش خواهد آمد زیرا برای اهل دعا و راز و نیاز با خداوند زمانها نیز کم خواهد آمد.

اما در هر صورت توصیه می‌گردد که برای پرهیز از دعا‌های تکراری در طول روز، هر نوبت از دعا‌های خود را به مواردی خاص اختصاص دهید. مثلاً به هنگام صبح و اولین زمان برای دعا، پس از پرستش و شکرگزاری، حتماً از خداوند بخواهید شما را در طول روز از مکرهای ابلیس محفوظ نگه دارد، و همچنین چنین دعایی را برای عزیزان و سایرینی که برایتان ارزشمند هستند، مانند اعضای کلیسایتان داشته باشید و مواردی دیگر ...؛

و یا در آخرین نوبت دعای خود در آخر شب پس از پرستش و شکرگزاری از خداوند برای روزی که سپری شده، حتماً با توبه از خطاهایی که خواسته یا ناخواسته انجام داده‌اید، دهان باز کنید تا در پایان آن روز خداوند گناهی بر شما به حساب نیاورد و مواردی دیگر ...؛

همچنین است در نوبتهای دیگری از روز که می‌توانید پس از پرستش و شکرگزاری برای کلیسا، خادمین خود، مردم دنیا، بیماران، روزی، انواع برکات روحانی، و موارد بسیار دیگر ...، در دعا بوده و همه اینها را در نوبتهای دعای خود تقسیم نموده بدون آن که احساس دل‌زدگی و خستگی از گفتن مکررات بنمایید.

پس همان گونه که پولس رسول به هر ایماندار مسیحی سفارش نموده، یادآور می‌گردم که: «^{۱۲} در امید مسرور و در مصیبت صابر و در دعا مواظب باشید» (رومیان ۱۲ : ۱۲).

موضوعات دعای حاجتی روحانی:

در معرفی دعای حاجتی گفتیم که به دو دسته: حاجتی دنیوی و حاجتی روحانی تقسیم می‌گردد، و این که پسندیده‌ترین این دسته دعاها، همانا دعای حاجتی روحانی است. اما در دعاهاى حاجتی روحانی چه موضوعات ارزشمند و ضروری وجود دارد که شایسته است تا آنها را پیوسته داشته باشیم، در این بخش به آنها خواهیم پرداخت.

قطعاً دعاهاى حاجتی روحانی، مانند دعاهاى پرستشی و شکرگزاری حائز اهمیت است، بلکه شدیداً برای هر ایماندار مسیحی مهم و لازم است تا پیوسته در نوبتهای مقرر کرده برای دعاهاى خود داشته باشد. در این روز شریر هر فرد مسیحی یکسره زیر حملات پیاپی شیطان و لشکریانش قرار دارد که می‌بایست خود را از آنان محفوظ نگه دارد.

می‌توان به موارد زیادی از این دسته دعاها اشاره نمود، اما نیکوترین آنها قطعاً مواردی خواهد بود که خود کتب مقدس به ما نشان می‌دهد و حکمت آسمانی به ما می‌آموزد.

مواردی که قابل تأمل و پیگیری برای هر ایماندار مسیحی می‌باشد را می‌توان به شرح زیر عنوان نمود:

- ✓ طلب بخشش از گناهان و خطاها؛
- ✓ نگاه خاص و حضور همه لحظه خداوند؛
- ✓ طلب حکمت و فهم کلام خداوند؛
- ✓ طلب گسترش ملکوت خداوند؛
- ✓ پناه بردن به خداوند از فوج شریران؛
- ✓ درخواست رفع مصیبت و بلا؛
- ✓ دعا برای خادمین کلیسا؛

- ✓ طلب سلامتی برای دردمندان؛
- ✓ طلب خدمتگزاری و دریافت عطایای سماوی؛
- ✓ طلب روزیِ روزانه از خداوند؛
- ✓ دعا برای دیگر ایمانداران؛

طلب بخشش از گناهان و خطاها:

به واسطهٔ فدیۀ خون خداوند عیسی مسیح، آمرزش گناهان به نسل آدم رسید. با مرگ و قیام خداوند، مانعِ گناهِ اولیّه برداشته شد، اما با در نظر گرفتن این که هنوز در روز ششم خلقت قرار داریم و هنوز شیطان در این روز برای نسل انسانها آقایی می‌کند، باید همیشه هوشیار بود که گناه ثانویه یعنی خطاهایی که حسب میل و اختیار هر شخصی می‌تواند انجام بگیرد، در کمین و مهیا است.

محفل مقدّس خدا را با گناه راهی نیست و خدا گناه را تحمّل نمی‌کند، لذا او هرگز به دعا‌های شخص گناهکار گوش نخواهد داد، همان گونه که می‌فرماید: «^{۱۲}وقتی که می‌آیید تا به حضور من حاضر شوید، کیست که این را از دست شما طلبیده است که دربار مرا پایمال کنید؟^{۱۳} هدایای باطل دیگر میاورید. بخور نزد من مکروه است و غره ماه و سبّت و دعوت جماعت نیز. گناه را با محفل مقدّس نمی‌توانم تحمّل نمایم^{۱۴}. غره‌ها و عیدهای شما را جان من نفرت دارد؛ آنها برای من بار سنگین است که از تحمّل نمودنش خسته شده‌ام.^{۱۵} هنگامی که دستهای خود را دراز می‌کنید، چشمان خود را از شما خواهم پوشانید و چون دعای بسیار می‌کنید، اجابت نخواهم نمود زیرا که دستهای شما پر از خون است.^{۱۶} خویشتن را شسته، طاهر نمایید و بدی اعمال خویش را از نظر من دور کرده، از شرارت دست بردارید» (اشعیا ۱ : ۱۲ - ۱۶).

گناه همیشه از عقب به پیش می‌آید و تنها یک گناه کافی است تا شخص در حضور خداوند دیده نگردد. متأسفانه یکی از عمده‌ترین دلایلی که دعای بسیاری از ایمانداران شنیده نمی‌شود، وجود گناه است. بسیاری چنین شهادتی داشتند که در روزهای اول ایمانشان اتفاقات خیلی خوبی برایشان می‌افتاد و هر چیزی که در دلشان داشتند، قبل از این که دعا کنند، خداوند جواب می‌داد.

این امر بسیار نزدیک به واقع است، زیرا در روزهای اول ایمان هر شخصی کلاً از گناه گرفته شده است و خداوند از آسمان وقتی بر بنی‌آدم نگاه می‌کند، کسانی را می‌بیند که بر آنان گناهی محسوب نیست، لذا به آنان اشتیاق بسیاری نشان می‌دهد. اما افسوس که بسیاری قدر این موهبت را درک نمی‌کنند و سریع جذب شگفتیهای گناه می‌شوند، از این جهت روی خداوند را از خود بر می‌گردانند.

حال برای آن که چشمان خداوند به سوی شخص گناهکار برگردد و دعاهاى او مقبول افتد، لازم است تا هر روزه با به یاد آوردن اعمال خود و توبه از گناهان، خویش را طاهر نموده، بدی اعمال خویش را از نظر خداوند دور سازد و از شرارت دست بردارد.

هرگاه گناهی ناخواسته انجام گردد، نیکو است تا در اولین نوبت زمان بندی دعای خود با توبه آغاز کنید، تا با آمرزش از سوی خداوند دیگر گناهی در شما یافت نگردد و آنگاه مشغول دعاهاى دیگر گردید تا مقبول خداوند شود.

گناه مانند یک سیاهی تمام بدن را در تاریکی فرو می‌برد، جایی که خداوند در آن سلوک نمی‌نماید و نظر نمی‌افکند. لذا خداوند عیسی مسیح نیز سفارش می‌کند که هرگاه تاریکی بر شما آمد سریعاً توبه نمایید و به وقتی دیگر نیندازید: «^{۱۴}خوشا به حال آنانی که رختهای خود را می‌شویند تا بر درخت حیات اقتدار یابند و به دروازه‌های شهر درآیند،^{۱۵} زیرا که سگان و جادوگران و زانیان و قاتلان و بت پرستان و هر که دروغ را دوست دارد و به عمل آورد، بیرون می‌باشند» (مکاشفه ۲۲: ۱۴ - ۱۵).

نگاه خاص و حضور همه لحظه خداوند:

با توجه به این که در روز شریر قرار داریم و فوج شریران برای لحظه‌ای بر ضد بنی‌آدم از کار باز نمی‌ایستند، داشتن نگاه خداوند از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است. چنان چه نگاه خداوند را پیوسته با خود داشته باشید، قطعاً لبخند و حمایت او را نیز خواهید داشت. لذا یکی از نیکوترین دعا‌های حاجتی، پیوسته طلب نمودن نگاه خداوند است.

کتاب داوران نشان می‌دهد که هرگاه قوم از خداوند دور می‌شدند و رجاسات را داخل قوم می‌کردند، نگاه خداوند از آنان برداشته می‌شد و متعاقباً مورد حملات شدید و مصایب طاقت فرسایی قرار می‌گرفتند؛ و هرگاه با توبه و ناله به سوی خداوند بازگشت می‌کردند و طلب روی خداوند را می‌کردند، آنگاه خداوند برای آنان یک مغرّی و گشایشی ایجاد می‌نمود.

این نمادی بود از اهمیت داشتن نگاه و رضایت خداوند. و شخص با حکمت و فهم، پیوسته خود را زیر نگاه خداوند قرار می‌دهد. هر چند این مهم را می‌بایست پیوسته در دعا‌های خود داشت، اما نیکوترین زمان در نوبت اول زمان بندی دعا‌های روزانه است تا در ابتدای روز با نگاه خداوند همراه باشید.

طلب حکمت و فهم کلام خداوند:

«و اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد، سؤال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می‌کند و ملامت نمی‌نماید، و به او داده خواهد شد» (یعقوب ۱ : ۵).

یعقوب در رساله خود ایمانداران را به کسب حکمت ترغیب می‌کند، به راستی داشتن حکمت یکی از ضروری‌ترین ابزار لازم برای هر فرد ایماندار مسیحی است، زیرا

حکمت او را از خطا و اشتباهات می‌تواند دور نگه دارد؛ اما...! چه حکمتی؟ پولس رسول دو گونه حکمت را به ما معرفی می‌کند: حکمت دنیا و حکمتی که از سوی خداوند است.

«^{۱۹} زیرا مکتوب است، حکمت حکما را باطل سازم و فهم فهیمان را نابود گردانم.^{۲۰} کجا است حکیم؟ کجا کاتب؟ کجا مباحث این دنیا؟ مگر خدا حکمت جهان را جهالت نگردانیده است؟^{۲۱} زیرا که چون بر حسب حکمت خدا، جهان از حکمت خود به معرفت خدا نرسید، خدا بدین رضا داد که به وسیله جهالت موعظه، ایمانداران را نجات بخشد» (اول قرنطیان ۱ : ۱۹ - ۲۱).

متأسفانه آن چه تا کنون از هر واعظی شنیده شده، همه به این اشاره دارند که شخص با دعا نمودن و طلب حکمت از خداوند می‌تواند حکمت را دریافت نمایند! در این راستا بسیاری در صداقت دل هم دعا کردند ولی همه آنها نیز شهادت دادند که چیزی دریافت نکردند! چرا؟ چرا این گونه است؟

چند نکته بسیار مهم در این رابطه وجود دارد که لازم است به دقت به آنها نگاه شود.

نکته اول: این بسیار مهم است! شاید تمام آن واعظان و مستمعین آنها هنوز این را نمی‌دانند که حکمت اکتسابی است و خدا به کسانی که در تلاش برای کسب حکمت هستند، معرفت آن را عطا می‌کند. حکمت یک نیروی ماوراءالطبیعه مانند رعد و برق نیست که از آسمان بر کسی فرود آید و به ناگه او را شخصی حکیم و دانا گرداند؛ یعنی هر شخصی می‌بایست برای کسب حکمت از خداوند طلب نماید تا او به طرقهای خود حکمتش را بر آنان عرضه دارد.

باور این که فقط با دعا کردن شخصی حکمت را می‌گیرد یک توهم و سرابی بیش نیست، آن گونه که حکیم‌ترین مرد دنیا که از حکمت آسمانی پر بود می‌فرماید: «^۷ حکمت

از همه چیز افضل است. پس حکمت را تحصیل نما و به هر آن چه تحصیل نموده باشی، فهم را تحصیل کن» (امثال ۴ : ۷).

حکمت را می‌بایست مانند یک دانش‌آموز آموخت و خدا برای این منظور قرار داد در کلیسایش معلمینی مسح شده تا حکمت آسمانی را به طالبین آن بیاموزند. شخص با دعا و طلب از خدا این مقدمه را برای خود فراهم می‌کند که خداوند او را در مسیر یک معلم کتاب مقدسی و مکتب کلام حقیقی قرار دهد تا از طریق او حکمت آسمانی را بیاموزد. حال موضوع بسیار دردآور این است که خداوند این امکان را برای هر کسی که طالبش است فراهم می‌کند، اما دقیقاً زمانی که شخص در مقابل یک معلم مسح شده قرار می‌گیرد این را نمی‌فهمد و در بسیاری از مواقع با وی وارد نزاع می‌شود. چرا؟ چون کلام او را نمی‌خواهد بفهمد! چرا؟ این موضوع نکته دوم است.

نکته دوم: پولس رسول می‌فرماید: «^{۱۹} زیرا مکتوب است، حکمت حکما را باطل سازم و فهم فهیمان را نابود گردانم» (اول قرنطیان ۱ : ۱۹). او این سخن را حسب کلام خدا در باب ۲۹ کتاب اشعیا نبی گفت: «^{۱۴} بنابراین اینک من بار دیگر با این قوم عمل عجیب و غریب به جا خواهم آورد و حکمت حکیمان ایشان باطل و فهم فهیمان ایشان مستور خواهد شد» (اشعیا ۲۹ : ۱۴).

خداوند حکمت دنیا را باطل می‌داند لذا آن چه او از حکمت به کسی ببخشد هیچ سنخیت و شباهتی با مجموع علوم که دانشهای رایج دنیا را تشکیل می‌دهد، ندارد. تمام این علوم در نظر خدا باطل می‌باشد. منظور از حکمت در نظر خدا آن دانشی است که از پیش از بنیاد عالم در نزد او بوده و هست. پس کسی که از خدا درخواست حکمت می‌کند باید این مهم را بداند که هیچ حکمت دنیایی را دریافت نخواهد کرد.

متأسفانه و افسوس بسیار شاهد این لطف خدا به افراد زیادی بودم که برایشان فرصت کسب حکمت آسمانی را فراهم نمود، اما چون در فکرهای خود دانشی زمینی را

انتظار می کشیدند، نتوانستند آن فرصت را بشناسند و از این جهت که آسمانی بود و از آن چه در انتظارش بودند به لحاظ مفهومی دور بوده، به آسانی دروازه حکمت آسمانی را به روی خود بسته و رد نمودند.

حال با آگاهی از این دو نکته مهم، در پی کسب حکمت آسمانی، نیکو است تا هر روزه به جد از خداوند طلب نمایید تا فرصت آموختن حکمت خود را برای شما فراهم نماید.

طلب گسترش ملکوت خداوند:

یکی از مهم ترین دعاهایی که خود خداوند عیسی مسیح به ما می آموزد، طلب رسیدن ملکوت خدا است: «^۱ ملکوت تو بیاید. اراده تو چنان که در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود» (متی ۶: ۱۰).

ملکوت خداوند به معنی پادشاهی او است. می دانید که در روز ششم از خلقت قرار داریم و در این روز پادشاهی بر روی زمین توسط شیطان غصب گردیده. کی این پادشاهی به خداوند برخواهد گشت؟ در زمانی که شیطان با تمام لشکریانش برای هزار سال در بند خواهند بود، و در آن زمان ملکوت خداوند به زمین خواهد رسید.

«^۲ و اژدها، یعنی مار قدیم را که ابلیس و شیطان می باشد، گرفتار کرده، او را تا مدت هزار سال در بند نهاد.^۳ و او را به هاویه انداخت و در را بر او بسته، مهر کرد تا امتها را دیگر گمراه نکند تا مدت هزار سال به انجام رسد؛ و بعد از آن می باید اندکی خلاصی یابد» (مکاشفه ۲۰: ۲ - ۳).

در سلطنت هزار ساله مسیح با تمام مقدّساتش به زمین باز خواهد گشت و او سلطنت خواهد نمود، و پس از آن نیز در ابدیت، ملکوت او در آسمان و زمینی نو برای

همیشه برقرار خواهد ماند. در ملکوت و پادشاهی او در سلطنت هزار ساله کلیسای راستین او تا هزار سال با وی خواهند بود، و پس از آن از داوری گرفته شده و مستقیماً وارد ملکوت خواهند شد.

حقیقتاً برای هر فرد مسیحی، بودن با او در ملکوتش به این طریق تا چه اندازه مهم و خواستنی است؟ پس همان گونه که خود خداوند عیسی مسیح به ما سفارش نموده، ضروری است تا هر روزه برای رسیدن ملکوت او و بودن در ملکوتش دعا کنیم. در اصل درخواست رسیدن ملکوت خدا بر روی زمین به نوعی گویای این است که می‌خواهیم ما نیز در آن ملکوت با خداوندان باشیم و با چنین دعایی گوشه اشاره‌ای به این مهم می‌نماییم.

پناه بردن به خداوند از فوج شریران:

دیگر سفارشی که خداوند عیسی مسیح بسیار مهم دانسته تا پیوسته مسیحیان در دعا‌های خود داشته باشند، حفاظتِ خداوند و هوشیاری از مکرهای شیطان و فوج شریران او است: «^{۱۳} و ما را در آزمایش میاور، بلکه از شریر ما را رهایی ده. زیرا ملکوت و قوّت و جلال تا ابدالآباد از آن تو است، آمین» (متی ۶: ۱۳).

دشمن دیرینه نسل آدم یعنی شیطان و فوج نیروهای تاریکی، در طول شبانه روز لحظه‌ای از گمراه ساختن و به سوی مرگ کشاندن بنی‌آدم باز نمی‌ایستند. آنها حتی در خوابها وارد شده و از هیچ شرارتی کوتاهی نمی‌کنند. سراسر زندگی هر انسانی، خصوصاً ایمانداران مسیحی درگیر حملات، دسیسه‌ها، نیرنگها، دامها و وسوسه‌های شریران است و فقط یک لحظه غفلت، کافی است تا آنان بر شخصی مستولی شوند.

بهترین سلاح یک ایماندار مسیحی دعا‌های آن است که به حضور پدر آسمانی بلند کرده می‌شود و خداوند را به صحنه می‌طلبد. حال که به فیض خداوندمان عیسی مسیح از اسارت گناه و شیطان آزاد شدیم، دوباره به دام آنان افتادن می‌تواند طبعات بسیار هولناکی را برای شخص گرفتار به همراه داشته باشد تا به حدی که او را از ملکوت خدا منقطع سازد. لذا شایسته است در ساعات آغازین روز و ساعات پایانی، قبل از خواب، از خداوند برای حفاظت از نیروهای شرارت دعا کنید.

چون دعا می‌کنید، به این گونه دعا کنید که خداوند شما را: از مکرها، دسیسه‌ها، حيله‌ها و دامهای شیاطین آگاهی و هوشیاری دهد؛ چهره‌های آنان را برای شما آشکار کند و نقابهایی که بر چهره خود می‌گیرند را برایتان مکشوف سازد؛ گوشه‌های شما را برای شنیدن صدای آنان ببندد و نگذارد هیچ تعلیمی از شیطان در شما راه یابد؛ و خداوند هر نقشه‌ای را بر ضد شما باطل سازد و اجازه ندهد تا هیچ شریری شما را لمس کند.

بگذارید این راز مهم را نیز به شما گفته باشم، که هرگاه هر روزه پیوسته در دعا‌های خود به این گونه دعا کرده و در آن مداومت داشته باشید و با آشکار شدن حيله‌های شریران از آنان پرهیز کنید، عطیۀ تمیز ارواح را خواهید یافت.

درخواست رفع مصیبت و بلا:

بلا یا حاصل افرونی گناهان در دنیا است، در روزی که خداوند آخرین خلقت خود را آشکار نمود، همه چیز در نیکویی کامل بود، تا این که ابتدا شیطان سقوط نمود و به همراه او فوجی از فرشتگان تحت فرمانش، و سپس با مکر شیطان، آدم و حوّا نیز گناه را در زمین جاری ساختند.

همان گونه که در کتاب پیدایش مکتوب است، خدا دلیل بلایا و مصیبت‌ها را مربوط به گناه آدم می‌داند که باعث ملعون و دور شدن زمین از حضور او گردید: «^{۱۷} و به آدم گفت: چون که سخن زوجهات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده، گفتم از آن نخوری، پس به سبب تو زمین ملعون شد، و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد.^{۱۸} خار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه‌های صحرا را خواهی خورد» (پیدایش ۳: ۱۷ - ۱۸).

در حقیقت هیچ بلا و مصیبتی در اراده خدا و در نفس خلقت او قرار ندارد و همه اینها در ریشه به شیطان بر می‌گردد؛ لذا نیکوتر است تا پیش از نزول بلا و مصیبتی، هر شخص پیوسته در دعا‌های خود از خداوند بخواهد که آنان را از او و زندگی‌اش دور سازد.

خداوند عیسی مسیح در باغ جتسیمانی، با علم به این که لحظه تجربه دردناک و مصیبت برای شاگردانش نزدیک است، از آنان خواست تا با او به دعا بمانند که به تجربه نیفتند؛ اما خواب غفلت چشمانشان را ربود و به خواب رفتند و در فردای آن روز همه به تجربه‌ای بسیار سخت افتادند و خداوند را رها کردند.

«^{۳۹} و بر حسب عادت بیرون شده، به کوه زیتون رفت و شاگردانش از عقب او رفتند.^{۴۰} و چون به آن موضع رسید، به ایشان گفت: دعا کنید تا در امتحان نیفتید.^{۴۱} و او از ایشان به مسافت پرتاپ سنگی دور شده، به زانو در آمد و دعا کرده، گفت: ^{۴۲} ای پدر اگر بخواهی این پیاله را از من بگردان، لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو.^{۴۳} و فرشته‌ای از آسمان بر او ظاهر شده، او را تقویت می‌نمود.^{۴۴} پس به مجاهده افتاده، به سعی بلیغ‌تر دعا کرد، چنان که عرق او مثل قطرات خون بود که بر زمین می‌ریخت.^{۴۵} پس از دعا برخاسته، نزد شاگردان خود آمده، ایشان را از حزن در خواب یافت.^{۴۶} به ایشان گفت: برای چه در خواب هستید؟ برخاسته، دعا کنید تا در امتحان نیفتید» (لوقا ۲۲: ۳۹ - ۴۶)!

این قطعاً باید یکی از تلخ‌ترین تجربیات شاگردان بوده باشد. زیرا همه آنان این فیض را از دست دادند تا در فردای آن روز با خداوند در فردوس باشند و این فیض را یک دزد یافت که اولین کسی باشد که با خداوند وارد فردوس او گردد. یک شب در دعا نبودند، یک وعده دعا نکردند، یک خواب خوش، تمام آن شاگردان را وارد سالها دوره جفا، در بدری و زجرها و مرگهای هولناک گردانید. هر چند برگزیده خداوند بودند و برای گسترش ملکوت خداوند تمام زجرها را کشیدند.

اما این تجربه‌ای شد برای کلیسای آینده که از آن به بعد هوشیارتر عمل کردند. در کتاب اعمال رسولان باب ۱۲، یک صحنه از عملکرد عالی کلیسا را می‌بینید که چگونه حسب دعای مسیحیان در هنگام وقوع بلا و مصیبتی خداوند فرشته‌اش را به صحنه فرستاد تا کلیسا را امداد کند.

«^۱و در آن زمان هیروودیس پادشاه، دست تظاول بر بعضی از کلیسا دراز کرد و یعقوب برادر یوحنا را به شمشیر کشت.^۳ و چون دید که یهود را پسند افتاد، بر آن افزوده، پطرس را نیز گرفتار کرد و ایام فطیر بود.^۴ پس او را گرفته، در زندان انداخت و به چهار دسته رباعی سپاهیان سپرد که او را نگاهبانی کنند و اراده داشت که بعد از فصّح او را برای قوم بیرون آورد.^۵ پس پطرس را در زندان نگاه می‌داشتند. [به این قسمت خوب دقت کنید.] اما کلیسا به جهت او نزد خدا پیوسته دعا می‌کردند. و در شبی که هیروودیس قصد بیرون آوردن وی داشت، پطرس به دو زنجیر بسته، در میان دو سپاهی خفته بود و کشیک‌چیان نزد در زندان را نگاهبانی می‌کردند.

[حال کلیسا برای پطرس در دعا است، و خداوند چگونه به دعا‌های آنان پاسخ داد؟]^۷ ناگاه فرشته خداوند نزد وی حاضر شد و روشنی در آن خانه درخشید. پس به پهلوی پطرس زده، او را بیدار نمود و گفت: به زودی برخیز. که در ساعت زنجیرها از دستش فرو ریخت.^۸ و فرشته وی را گفت: کمر خود را ببند و نعلین برپا کن. پس چنین کرد و به وی گفت: ردای خود را بپوش و از عقب من بیا.^۹ پس بیرون شده، از عقب او روانه

گردید و ندانست که آن چه از فرشته روی نمود حقیقی است بلکه گمان برد که خواب می‌بیند.^{۱۰} پس از قراولان اوّل و دوّم گذشته، به دروازه آهنی که به سوی شهر می‌رود رسیدند و آن خود به خود پیش روی ایشان باز شد؛ و از آن بیرون رفته، تا آخر یک کوچه برفتند که در ساعت فرشته از او غایب شد.^{۱۱} آنگاه پطرس به خود آمده گفت: اکنون به تحقیق دانستم که خداوند فرشته خود را فرستاده، مرا از دست هیروдіس و از تمامی انتظار قوم یهود رهانید.^{۱۲} چون این را دریافت، به خانه مریم مادر یوحناى ملقب به مرقس آمد و در آن جا بسیاری جمع شده، دعا می‌کردند» (اعمال رسولان ۱۲ : ۱ - ۱۲).

صحنه بسیار تکان دهنده این واقعه در لحظه‌ای است که پطرس به خانه مریم مادر یوحناى می‌رود. کتاب مقدس می‌گوید که آنان همچنان در دعا بودند.

متأسفانه امروزه در بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی به طرز وحشتناکی به مسیحیان جفاها می‌رسانند؛ و جای افسوس دارد بسیار کم دیده شده که کلیسا برای خادمین در جفا، یا اعضای در جفای خود بخواهند این چنین در دعا بمانند تا خداوند حسب دعاهاى آنان امدادی بفرستد. با این که در عهد عتیق نیز نمونه‌های بسیار زیادی از قدرت دعا برای برگرداندن مصیبت‌ها داریم، اما کلیساهای پر ادعا هنوز در این مواقع کاملاً در خواب غفلتی مانند باغ جتسیمانی قرار دارند.

در چنین مواقعی یک نوبت دعا در هفته و یا در روز حتمی کفایت نمی‌کند بلکه کلیسا می‌بایست تا حصول نتیجه در دعا بماند. اما از این نیکوتر آن است که هر فرد ایماندار مسیحی هر روزه و در نوبتهای دعای خود برای خودش و تمام کلیسای خداوند در دعا باشد تا بلا و مصیبتی بر آنان حادث نگردد.

طلب دعا برای خادمین کلیسا:

پولس رسول می‌فرماید: «^{۲۵}ای برادران، برای ما دعا کنید» (اول تسالونیکیان ۵ : ۲۵). او از کلیسا استدعا دارد تا خادمین خداوند را در دعا‌های خود به یاد بیاورند. همیشه خادمین کلیسا مورد حملات شدید نیروهای شرارت قرار دارند. زمانی یک تجمع کلیسایی به فروپاشی می‌رسد که خادمین در رأس آن از جایگاه عدالت خود سقوط کرده باشند.

این از اهداف شیطان بوده که با خراب نمودن چهرهٔ خدام خدا آنان را بی‌اعتبار و از بدنهٔ کلیسا غربال نماید تا گلهٔ خداوند را نابود سازد. خود خداوند عیسی مسیح در خصوص این مهم برای شمعون پطرس آشکار ساخت که چگونه در تیررس حملات شریران قرار دارند: «^{۳۱}پس خداوند گفت: ای شمعون، ای شمعون، اینک شیطان خواست شما را چون گندم غربال کند،^{۳۲}لیکن من برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود و هنگامی که تو بازگشت کنی برادران خود را استوار نما» (لوقا ۲۲ : ۳۱ - ۳۲).

خداوند عیسی مسیح از دعا برای رسولانش هیچگاه دریغ نکرد و به این گونه به ما می‌آموزد که کلیسا نیز نباید لحظه‌ای از دعا کردن برای خدام او غافل شوند.

پولس رسول در این ارتباط به موضوع دیگری نیز اشاره می‌کند. او با بیان این که: «^۳دربارهٔ ما نیز دعا کنید که خدا در کلام را به روی ما بگشاید تا سر مسیح را که به جهت آن در قید هم افتاده‌ام بگویم» (کولسیان ۴ : ۳). به کلیسا می‌آموزد که خدام کلام خداوند برای این در کلیسا برانگیخته می‌شوند که گرسنگان و تشنگانی در کلیسا وجود دارند که مشتاق و نیازمند دانش کلام خدا هستند.

اگر کلیسایی نباشد، وجود هر خادمی بی‌معنی است. مثلاً هیچ کس نمی‌تواند شبان یا معلّم خود و نهایتاً خانهٔ خود باشد، بلکه هر خدمتی در ارتباط با کلیسا معنی می‌یابد. لذا اگر کلیسایی تشنهٔ دانستن کلام خدا باشد، خدا اسرارش را از سوی خدام برگزیده‌اش جاری می‌سازد.

دعا برای خدّام کلیسا می‌بایست یکی از واجبات روزانه هر فرد مسیحی باشد. بودن خادمی امین و عادل و با مسیح خداوند نه تنها کلیسا را با قوّت به سوی ملکوت به پیش می‌برد بلکه کلیسا را از حملات و دسیسه‌های شیطان آگاه و محفوظ نگه می‌دارد.

به قول پولس رسول: «خلاصه ای برادران، برای ما دعا کنید تا کلام خداوند جاری شود و جلال یابد چنان که در میان شما نیز؛ و تا از مردم ناشایسته شریر برهیم زیرا که همه را ایمان نیست» (دوم تسالونیکیان ۳: ۱ - ۲).

طلب سلامتی برای دردمندان:

هر انسانی این را خوب می‌داند که اگر دردی بر هر عضوی از بدن واقع شود تمام بدن انسان در التهاب و رنج فرو خواهد رفت؛ و در نهایت بدن نمی‌تواند در توانایی کامل خود استوار و کارایی داشته باشد.

کلیسا نیز بدن روحانی خداوند عیسی مسیح است. حال اگر هر عضوی در این کلیسا دچار درد و آلامی قرار گیرد قطعاً تأثیرات آن می‌تواند کل کلیسا را ملتهب کند.

محبّتی که در وجود ایمانداران حقیقی از سوی خداوند قرار داده شده، یک حس زیبای همدردی را که همراه با رنج عمومی است، غالباً در کلیّت کلیسا بر می‌انگیزد. هرگز یک ایماندار مسیحی نمی‌تواند بی‌تفاوت از غمها و رنجهای دیگران بگذرد. پس بسیار نیکوتر است، تا هر شخصی، پیش از فرود آمدن رنجشی بر هر عضوی از کلیسا، پیوسته و هر روزه در دعاهاى خود برای تک تک اعضای کلیسایی که می‌شناسد، دعا کند و نام او را در آسمان خدا بلند نماید.

نمی‌خواهم از این راز نیز بی‌خبر باشید! کسانی که پیوسته برای دیگران دعا می‌کنند، در صورت لزوم و اراده خدا برای منطقه و کلیسایی، بهترین گزینه‌ها برای دریافت

عطیۀ شفاها و عطیۀ ایمان هستند. و حتی چنان چه خدا برای کلیسایی چنین عطیایی نخواهد، اما در وقت ضرورت و مواقع خاص به دعاها و چنین اشخاصی در حق دیگران آمین خواهد گفت.

طلب خدمتگزاری و دریافت عطایای سماوی:

خدمتهای خاص و کهانتی را خود خدا انتخاب می کند و غالباً برخی از خدمتهای خیلی خاص مانند خدمت رسولان و انبیا، از پیش از تولد کسی در نظر خدا مقرر شده است و در زمان بلوغ شخص در کلیسا آشکار و عیان می گردد؛ اما کلیسا که بدن خداوند است دارای جایگاههای خدمتی بسیاری است، که هر کسی می تواند با نشان دادن شایستگی خود به خداوند پس از مدتی از سوی او مسح خدمتی را دریافت نماید.

اشعیای نبی در خصوص یکی از رسالتهایش که از خداوند دریافت نموده چنین شهادت می دهد: «^۸آنگاه آواز خداوند را شنیدم که می گفت: که را بفرستم و کیست که برای ما برود؟ گفتم: لیک مرا بفرست. ^۹گفت: برو و به این قوم بگو ...» (اشعیا ۶ : ۸ - ۹).

خداوند هیچگاه دل مشتاقی را که برای خدمت به او تلاش می کند، نادیده نمی گیرد؛ اما هزار افسوس، بسیاری فقط اشتیاق را نشان می دهند و هیچ توجهی به تأیید شدن از خداوند نمی کنند. اینان چون طالب اجازه و مسح خداوند نیستند برای همیشه در جایگاه خادمی کاذب قرار می گیرند.

اشتیاق و حرکت فقط باید باعث آن شود تا شخص در نظر خداوند مورد پسند آید و تا زمان دریافت مسحی آسمانی نباید هیچ شخصی بر هیچ یک از مسندهای کهانتی مانند رسولان و انبیا و شبانان و معلّمان و ... تکیه بزند و یا حتی مدعی آن بشود؛ زیرا هر

ادّعایی بدون مسح آسمانی او را برای همیشه در جایگاه کاذب و مغضوب خداوند قرار خواهد داد.

پس همان گونه که هر عضوِ بدنی را کار و وظیفه‌ای هست، هر فرد ایماندار به مسیح نیز باید دارای نقشی در کلیسا باشد تا بتواند ثمر آورده و وارد ملکوت گردد. عروس مسیح، حتماً باید دارای خدمتی در کلیسا باشد. از این روی پیوسته و هر روزه علاوه بر نشان دادن اشتیاق و استعدادهای خود به خداوند، به غیرت در دعا‌های روزانه خود از او استدعا کنید تا شما را در بدن روحانی خود یعنی کلیسا به خدمت بگیرد و تأیید نماید.

طلب روزیِ روزانه از خداوند:

بدن انسان برای سر پا ایستادن و سلامتی نیازمند به تغذیه و تقویت دارد. هرگاه بدن در رنجش باشد روح نیز ملتهب می‌گردد. شنیده‌اید که می‌گویند، فقر انسان را از خدا دور می‌کند؟ هر چند این سخن نمی‌تواند به غایت درست باشد، اما آن چه در دنیا مشخص است بی‌تأثیر هم نمی‌باشد.

در هر صورت بدن انسان به گونه‌ای ساخته شده که محتاج به خوراک است. اما آن چه امروزه در زمین جاری است نفوذ شیطان و دست‌اندازی او بر تمام دنیا است و او است که از دنیا به پیروان خود نصیب فراوان می‌دهد و هر کسی طالب چیزی از دنیا باشد جز به طُرُق شریران به آنها دست نمی‌یابد. برای همین یعقوب به طالبان دنیا زانیات می‌گوید و در حق دنیا می‌فرماید: «آی زانیات، آیا نمی‌دانید که دوستی دنیا، دشمنی خدا است؟ پس هر که می‌خواهد دوست دنیا باشد، دشمن خدا گردد» (یعقوب ۴ : ۴).

حال نیاز ضروری انسان و وضعیت وخیم دنیای در گناه امروزی، انسان را به چالشی بسیار بغرنج کشانیده. خداوند عیسی مسیح با آگاهی کامل از این وضعیت در آموزه

دعای خود معروف به دعای ربّانی به شاگردان خود این مهم را گوشزد نموده و راهکاری ارائه می‌دهد؛ او با بیان این نکته از شاگردانش می‌خواهد پیوسته برای روزی روزانه خود به این گونه در دعا بوده: «^{۱۱} نان کفاف ما را امروز به ما بده» (متی ۶ : ۱۱).

اگر خوب به این آموزه نگاه کنید، خداوند روی طلب را به سوی پدر آسمانی برده که صاحب حقیقی تمام جهان هستی است. او می‌آموزد که با چنین دعا نمودن علاوه بر این که نیاز انسان در مسیر درستی از خدا قرار می‌گیرد، دست شیطان نیز کوتاه می‌گردد. در این آموزه حتّی یاد می‌دهد که چیزی بیشتر از نیاز هر روزتان را طلب نکنید که بیش از آن طمع خواهد بود و شخص طماع وارد ملکوت نخواهد شد.

لذا هر روزه در دعاهايتان فقط از پدر آسمانی طلب روزی خود را نموده، تا آن چه به شما می‌رسد بدون دست‌اندازی شریران باشد. بهترین زمان برای چنین دعایی در نوبت اوّل دعاهاى روزانه است که به جهت کسب روزی پی کار می‌روید.

دعا برای ایمانداران:

دعا برای ایمانداران یکی از کارهایی بود که همیشه خداوند عیسی مسیح برای دیگران، حتّی کلیسای آینده خود داشته. همان گونه که هر پدر خانواده‌ای با دیدن تلاش و وساطت و شفاعت فرزندانش در حق یک دیگر بسیار خرسند و به وجد می‌آید، بسیار بیشتر پدر آسمانی ما از دعاهاى فرزندانش در حق یک دیگر خشنود می‌گردد.

در یک خانواده شاید برای مقطعی یکی از فرزندان از چشم پدر و نگاه مهربان او دور گردد، اما همیشه وساطت سایر فرزندان در حق فرزند دور افتاده در بسیاری از تصمیمات پدر تأثیرگذار می‌باشد. دقیقاً چنین وضعیتی می‌تواند برای کلیسا و فرزندان خدا نیز صدق کند.

کلیسا می‌بایست آن چنان در محبت به یک دیگر نگاه و رفتار کند که هر نیکویی از پدر آسمانی برای آنان جاری گردد. در حکایت سامری نیکو، خداوند عیسی مسیح با پرسشی از یکی از فقه‌ها به اهمیت محبت در حق همسایگان خود اشاره می‌کند و این مهم را یکی از شروط وارد شدن به ملکوت اعلام می‌کند: «^{۲۵} ناگاه یکی از فقه‌ها برخاسته، از روی امتحان به وی گفت: ای استاد چه کنم تا وارث حیات جاودانی گردم؟^{۲۶} به وی گفت: در تورات چه نوشته شده است و چگونه می‌خوانی؟^{۲۷} جواب داد، گفت: این که خداوند خدای خود را به تمام دل و تمام نفس و تمام توانایی و تمام فکر خود محبت نما و همسایه خود را مثل نفس خود.^{۲۸} گفت: نیکو جواب گفתי. چنین بکن که خواهی زیست» (لوقا ۱۰ : ۲۵ - ۲۸).

همسایه به معنی کسی است که با شما زیر یک سایه قرار می‌گیرد، مانند همسایگان یک ساختمان یا یک کوچه که دارای یک نام مشخص هستند. در قوم اسرائیل نیز همه دوازده سبط اسرائیل و کسانی که زیر سایه نام یهوه بودند و اعمال او را به جا می‌آوردند، همسایه محسوب می‌شدند.

امروزه نیز تمام کلیساها که زیر نام خداوند عیسی مسیح هستند، حکم همان همسایه‌ای را دارند که خداوند عیسی مسیح می‌فرماید. حال دعا در حق همسایگان خود، یعنی کسانی که در نام خداوند عیسی مسیح زندگی می‌کنند، به عبارتی کلیسای مقدس خداوند، کوچک‌ترین محبتی است که کسی می‌تواند در حق دیگران داشته باشد، و متعاقب آن در خداوند زیست نماید.

یوحنا رسول در انجیل خود به صحنه‌ای از دعای خداوند عیسی مسیح در حق کلیسا و آیندگان اشاره دارد، که بسیار جالب و آموزنده است که چگونه برای این بدن روحانی خداوند باید دعا کنیم: «^{۲۰} و نه برای اینها فقط سؤال می‌کنم، بلکه برای آنها نیز که به وسیله کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد.^{۲۱} تا همه یک گردند چنان که تو ای پدر، در من هستی و من در تو، تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آرد که تو مرا

فرستادی.^{۲۲} و من جلالی را که به من دادی به ایشان دادم تا یک باشند چنان که ما یک هستیم.^{۲۳} من در ایشان و تو در من، تا در یکی کامل گردند و تا جهان بداند که تو مرا فرستادی و ایشان را محبت نمودی چنان که مرا محبت نمودی.

^{۲۴}ای پدر می‌خواهم آنانی که به من داده‌ای با من باشند در جایی که من می‌باشم تا جلال مرا که به من داده‌ای ببینند، زیرا که مرا پیش از بنای جهان محبت نمودی.^{۲۵} ای پدر عادل، جهان تو را نشناخت، امّا من تو را شناختم؛ و اینها شناخته‌اند که تو مرا فرستادی.^{۲۶} و اسم تو را به ایشان شناسانیدم و خواهم شناسانید تا آن محبتی که به من نموده‌ای در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم» (یوحنا ۱۷ : ۲۰ - ۲۶).

خداوند در تمام امتیازاتی که از پدر آسمانی یافته، پیروان خود را نیز با خود سهیم ساخت. این نمونه‌ای است برای ما تا در تمام نیکویی‌هایی که از پدر دریافت می‌کنیم در حق دیگران نیز دعا کنیم تا شایسته دریافت آنها از پدر آسمانی گردیم.

دعای چه کسانی رد یا پذیرفته می‌شود؟:

همان گونه که در بسیاری از مواقع دعا نیکو و کارگشا است، در برخی مواقع بعضی از دعاها در نزد خداوند مکروه و ناپسند است. یک ایماندار مطیع پدر باید آن چه مکروه او است را بشناسد و اکیداً از به زبان آوردن آن پرهیز کند.

گاهی اوقات حتی شفاعتهای بی‌جا و طلب بخشش از خدا برای بعضیها، نه این که پسندیده نیست بلکه شدیداً مورد نفرت خدا است، و شایسته فرزندان خدا نمی‌باشد. در ادامه به این موارد اشاره می‌کنیم.

دعای شیران:

«^۸قربانی شیران نزد خداوند مکروه است، اما دعای راستان پسندیده او است» (امثال ۱۵ : ۸). شیران کسانی هستند که در اندیشه‌های خود برای شرارت نقشه می‌کشند و آنها را به عمل می‌آورند. آموزه همه این شرارتها از پادشاه شیران یعنی ابلیس است.

قربانی در فرهنگ کتاب مقدس در برخی مواقع به معنی دعا است. حال وقتی کتاب مقدس می‌گوید قربانی شیران نزد خداوند مکروه است، منظور هر دعایی است که از دهان این قبیل اشخاص بیرون می‌آید. مهم نیست آن دعا نیکو باشد یا نه، خدا به دعای شیران گوش نمی‌دهد و مکروه می‌دارد. اما همیشه گوش و توجه او به دعاهاى عادلان یعنی کسانی که در نزد خداوند مقبول واقع شده‌اند، است.

کتاب مقدس علت آن را به دوری شیران دلالت می‌دهد، یعنی آن که خداوند این افراد را از خود، آن چنان دور می‌سازد تا به حدی که حتی صدای آنان به گوش او نمی‌رسد: «^{۲۹}خداوند از شیران دور است، اما دعای عادلان را می‌شنود» (امثال ۱۵ : ۲۹).

همیشه به یاد داشته باشید با افکار پلید و انجام کارهای پلید هرگز دعای کسی به گوش خداوند نمی‌رسد حتی اگر در صحن کلیسا باشد. این یکی از دلایلی است که دعا‌های بسیاری آمین گفته نمی‌شود، چون در خود شرارتها دارند.

نقض کنندگان شریعت:

کتاب مقدس می‌گوید: «هر که گوش خود را از شنیدن شریعت برگرداند، دعای او هم مکروه می‌شود» (امثال ۲۸ : ۹). شریعت به مجموع قوانینی گفته می‌شود که خداوند برای قوم خود مقرر فرموده است و شامل بایدها و نبایدها است.

متأسفانه به خاطر رخنه معلمین کذب بسیاری در بدنه خیلی از کلیساهای، چنین گفته می‌شود که "ما به خاطر عیسی مسیح دیگر در شریعت زندگی نمی‌کنیم!" وای! این یک انحراف مهلک است! مگر این شریعت عهد جدید نبود که خداوند عیسی مسیح در موعظه بالای کوه آنها را یک به یک اعلام می‌فرمود؟: «شنیده‌اید که به اولین گفته شده است، ... لیکن من به شما می‌گویم ...» آیا این احکام عهد جدید نبود که برای قوم گفته می‌شد؟

آیا خدا از پیش در عهد عتیق، در وصف شریعت عهد جدید، فرموده بود که: «^{۳۳}اما خداوند می‌گوید: این است عهدی که بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست. شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود» (ارمیا ۳۱ : ۳۳). این شریعت در عهد عتیق که بر روی لوحها مرقوم بوده در عهد جدید می‌بایست در دل‌های قوم خداوند قرار گیرد.

آن قدر شریعت خداوند دارای اهمیّت است که از پیش در خصوص کسانی که آن را پاس نمی‌دارند اعلام خطر و هشدار می‌کند: «^{۳۶}پس خداوند می‌گوید: اگر این قانونها از حضور من برداشته شود، آنگاه ذرّیت اسرائیل نیز زایل خواهند شد تا به حضور من قوم دائمی نباشند» (ارمیا ۳۱: ۳۶).

خود خداوند عیسی مسیح نیز در حق پابرجا بودن تورات و شریعت خدا هشدار می‌دهد: «^{۱۷}گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صُحُف انبیا را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم، بلکه تا تمام کنم.^{۱۸} زیرا هر آینه به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود.^{۱۹} پس هر که یکی از این احکام کوچک‌ترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد» (متی ۵: ۱۷ - ۱۹).

متأسّفانه بسیاری از کلیساهای امروزی نسبت به شریعت خداوند بی‌تفاوت شده، و با رواج آموزه‌های ضد کتاب مقدّسی، ایمانداران را در مقابل کلام خدا قرار می‌دهند و گوش آنها را به شنیدن شریعت خدا می‌بندند، که نتیجه آن دور شدن ایمانداران از خدا و مکروه شدن دعا‌های آنان است.

شاید بشود به جرأت گفت که بزرگ‌ترین دلیل نشنیدن دعا‌های بسیاری به خاطر بی‌حرمتی یا رعایت نکردن به کلام و شریعت خداوند است.

دعای بدکاران:

«^{۱۲}از آن رو که چشمان خداوند بر عادلان است و گوشهای او به سوی دعای ایشان، لیکن روی خداوند بر بدکاران است» (اوّل پطرس ۳: ۱۲).

دیگر از مواردی که باعث رد شدن دعاها می‌گردد آن است که شخص در خود بدی و گناه را به همراه داشته باشد. از ابتدای خلقت آدم، او با اولین گناهی که ورزید از حضور خدا دور شد و متعاقباً تمام زمین را در نزد خدا ملعون ساخت.

گناه مانع بزرگ بین خدا و انسان است و این مانع تنها به واسطه فدیۀ در خداوند عیسی مسیح بود که برداشته شد، حال اگر کسی باز گناه و بدی بورزد روی خدا از او برگردانده می‌شود تا زمانی که این مانع برداشته شود. متأسفانه در عصر گناه و شرارت، بسیاری تحت تأثیر نیروهای تاریکی و شرارت رجاسات و گناهان زیادی را به عمل می‌آورند و یکی از مشهودترین نمودهای آن، عدم استجابت دعاهاى آنان است؛ در حالی که کتاب مقدس بارها و بارها اعلام کرده که گوش خداوند فقط با دعای عادلان است.

قوم اسرائیل به اهمیت تأثیر گناه در دور شدن دعاهاى کسی در حضور خداوند کاملاً آگاه بودند تا به اندازه‌ای که حتی آن گدای کورِ مادرزادی که از خداوند عیسی مسیح شفا گرفت نیز به این مهم شهادت می‌دهد و در جمع اعلام می‌دارد: «^{۳۱} و می‌دانیم که خدا دعای گناهکاران را نمی‌شنود؛ و لیکن اگر کسی خدا پرست باشد و اراده او را به جا آرد، او را می‌شنود.^{۳۲} از ابتدای عالم شنیده نشده است که کسی چشمان کورِ مادرزاد را باز کرده باشد.^{۳۳} اگر این شخص از خدا نبودی، هیچ کار نتوانستی کرد» (یوحنا ۹ : ۳۱ - ۳۳).

دعای اشتباه:

دیگر از مواردی که خداوند دعا را نمی‌شنود، دعاهاى اشتباه است. دعای اشتباه می‌تواند مربوط به نام گیرنده و یا متن دعا باشد. یکی از آنها که عنوان گیرنده دعا است را پیش‌تر توضیح دادیم و این جا فقط به آن اشاره‌ای می‌کنیم.

گیرنده دعا:

یک دعا در ابتدا می‌بایست مقصدش مشخص و با نام خداوند عیسی مسیح شروع شود و در پایان با نام او نیز مهر گردد؛ حال هر نام و عنوانی مانند: خداوندا، بارالها، پروردگارا، ایزد منان و ... ده‌ها نام دیگر کلاً باطل است، زیرا آیینهای مختلف از این اسامی برای خدایان خود استعمال می‌کنند.

متن دعا:

در متن دعا می‌تواند اشکالات متعددی باشد که آن را باطل سازد. در کل کتاب به صورت پراکنده به این موضوعات اشاره شد، و در این جا فقط به یک نمونه اشاره می‌گردد.

روایت فریسی و باجگیر را به یاد بیاورید: «و این مثل را آورد برای بعضی که بر خود اعتماد می‌داشتند که عادل بودند و دیگران را حقیر می‌شمردند.^۹ که دو نفر یکی فریسی و دیگری باجگیر به هیکل رفتند تا عبادت کنند.^{۱۱} آن فریسی ایستاده بدین طور با خود دعا کرد که خدایا تو را شکر می‌کنم که مثل سایر مردم حریص و ظالم و زناکار نیستم و نه مثل این باجگیر،^{۱۲} هر هفته دو مرتبه روزه می‌دارم و از آن چه پیدا می‌کنم ده یک می‌دهم.^{۱۳} اما آن باجگیر دور ایستاده نخواست چشمان خود را به سوی آسمان بلند کند بلکه به سینه خود زده گفت: خدایا بر من گناهکار ترحم فرما.^{۱۴} به شما می‌گویم که این شخص، عادل کرده شده به خانه خود رفت به خلاف آن دیگر، زیرا هر که خود را برافرازد، پست گردد و هر کس خویشتن را فروتن سازد، سرافرازی یابد» (لوقا ۱۸ : ۹ - ۱۴).

به متن دعای فریسی توجه کنید! چه چیزهایی در دعای او می‌بینید؟ یک به یک برشمارید: ۱- او فرقه‌ای و منحرف شده بود و نامی غیر از یهوه یعنی فریسی بر خود گرفته بود، مانند بسیاری از کلیساهای امروزی؛ ۲- او سرمست غرور بوده که یقیناً عادل است و هرگز در اعمال خود تفکر نمی‌نمود؛ ۳- او به غیر از خودش تمام مردم دنیا را باطل

می دانست، دقیقاً مانند کلیساهایی که امروزه به غیر از خودشان همه را پیروان شیطان می دانند و با الفاظ وقیحانه آنان را خطاب می کنند؛ ۴- در او ریاکاری حتی نسبت به خداوند بود، وقتی که به روزه داری خود اشاره می کرد؛ ۵- با بیان این که ده یک می پردازد به خداوند منت می گذاشت با وجودی که این عمل وظیفه او بوده و اگر انجام نمی داد حسب شریعت مجرم محسوب می شد، و این کار او ربطی به بخشش نداشت. این یک نمونه از متن یک دعای اشتباه است.

نظیر چنین دعا‌های اشتباه را که خداوند به آنها توجه‌ای نکرده، باز در کتاب مقدس می توان دید. مثلاً هفت روز دعا و روزه داوود برای آن که خداوند از جان فرزند او که ثمره رابطه نامشروع او با بتشبع بود، بگذرد، در حالی که خداوند قصد و حکم بر هلاک شدن طفل کرده بود. (به باب ۱۲ کتاب دوم سموئیل رجوع کنید.) این دعا و روزه نیز یک نمونه از دعای اشتباه بوده.

دعای مقدسین:

تقدّس ضرورتی است که تمام ایمانداران مسیحی می بایست در خود داشته باشند و در آنان گناه و بدی یافت نگردد، زیرا یکی از عواملی که کاملاً دعاها را بی نتیجه می کند، گناه می باشد.

به جز کسانی که برای دعا در حق دیگران دارای عطیه خاصی می باشند، یک شخص تنها از دو موضع می تواند دعای خود را به گوش خداوند برساند، البته باید اضافه گردد که آن دعا در زمره دعا‌هایی نباشد که خداوند از آنها نفرت یا کراهت دارد، یکی از این دو موضع، از جایگاه مقدسین است که به حضور خداوند می رسد.

در مکاشفه خداوند عیسی مسیح که به شاگردش یوحنا داده، این واقعه آسمانی به تصویر کشیده شده: «^۳ و فرشته‌ای دیگر آمده، نزد مذبح بایستاد با مجمری طلا و بخور بسیار بدو داده شد تا آن را به دعا‌های جمیع مقدّسین، بر مذبح طلا که پیش تخت است بدهد،^۴ و دود بخور، از دست فرشته با دعا‌های مقدّسین در حضور خدا بالا رفت» (مکاشفه ۸ : ۳ - ۴).

مقدّس کسی است که هیچ ناپاکی و شرارتی در او یافت نشود. این که چگونه کسی مقدّس می‌گردد می‌تواند به چند دلیل مختلف باشد، اما دلیل آن هر چه باشد، چیزی که مهم است در حقیقت امر، آن شخص می‌بایست در نزد خداوند پاک و طاهر و مبرا از هر گناه و ناپاکی باشد.

قداست و پاکی یکی از عواملی است که دعای شخص به گوش خداوند می‌رسد و آمین گفته می‌شود.

دعای با ایمان:

دیگر موضعی که دعاها را به گوش خداوند می‌رساند، دعای با ایمان است. خداوند عیسی مسیح در خصوص دعای با ایمان به شاگردانش متذکر می‌شود که با این ایمان هر دعایی محقق می‌شود: «^{۲۱} عیسی در جواب گفت: هر آینه به شما می‌گویم اگر ایمان می‌داشتید و شک نمی‌نمودید، نه همین را که به درخت انجیر شد می‌کردید، بلکه هرگاه بدین کوه می‌گفتید "منتقل شده به دریا افکنده شو" چنین می‌شد.^{۲۲} و هر آن چه با ایمان به دعا طلب کنید، خواهید یافت» (متی ۲۱ : ۲۱ - ۲۲)

بسیاری می‌گویند "من به خداوند عیسی مسیح ایمان دارم و واقعاً وقتی دعا می‌کنم آن را می‌خواهم، چرا پس نمی‌شود؟" دقیقاً اکثراً همین جا مشکل دارند. چرا

نمی‌شود؟ چون با ایمان دعا نمی‌کنند. می‌گویید ایمان داریم؟ شاید! اما ایمان شما را ندارد، زیرا پیش او نیستید. یعنی چه؟ این یکی از بزرگ‌ترین مشکلات همگان است. در این مجال لازم است تا این نکته بسیار مهم آشکار گردد.

نکته اول: اول به عبارت ایمان خوب دقت کنید. ایمان در معنی مصطلح به معنی: باور داشتن، اعتقاد داشتن، و اطمینان داشتن است. شما ایمان دارید عیسی خداوند است؛ بلکه شیطان نیز به این بیش از هر انسانی ایمان دارد؛ اما آیا شیطان خداوند عیسی را با خود دارد؟ نه. چون ایمان با عمل به سمتش معنی می‌یابد و کامل می‌شود. بسیاری به خداوندی عیسی مسیح ایمان دارند اما در دل خود باور ندارند که فلان دعایشان محقق خواهد شد.

دوستی تعریف می‌کرد، که یکی از دوستانش که بسیار انسان با ایمانی به مسیح است، بر حسب همین کلام خداوند که در بالا ذکر شد، یک شب جلوی پنجره خانه خود رفت و به درختی که جلوی پنجره آنها بود و دید خانه را کور کرده بود، نهیب زد و گفت "به نام خداوند عیسی مسیح به تو می‌گویم که به دریا افکنده شوی" بعد پنجره را بست و رفت خوابید. صبح از خواب بیدار شد و به سمت پنجره رفت تا ببیند آیا آن درخت از جایش کنده شد و ناپدید گردید یا نه! وقتی پنجره را گشود دید آن درخت همچنان در جای خودش است. او خنده‌ای کرد و گفت، "از اول هم می‌دانستم تو کنده شدنی نیستی"

چه شد؟ او به خداوند عیسی مسیح قطعاً ایمان داشت، اما به آن عمل که اتفاق بیفتد هیچ ایمانی نداشت. دقیقاً دعای اکثر ایمانداران به همین شکل است. اما موضوع ایمان باز عمیق‌تر از اینها است. به نکته دوم دقت کنید.

نکته دوم: ایمان از ریشه سامی "یمن" به معنی "راست و درست" است، اما معنی‌اش به سلامت و ایمنی و خوشبختی نیز تعمیم یافته است. از یمن عباراتی مانند: امن، ایمن،

يَمَن (به معنی سرزمین)، ایمانی، ایمان، مؤمن، تأمین، ایمنی، امانت، امین، امنیت، امان نامه و ... صادر می‌شود.

حال خوب دقت کنید! خداوند کلمه است و او هر کلمه‌ای را در جایگاه درستش استفاده می‌کند. ایمان هم معنی با عباراتی مانند: سرزمین امن، امنیت و ... است، ایمان داشتن یعنی داشتن جایگاه امن، یا به عبارتی بهتر، در امنیت ساکن بودن است. همه می‌دانند به وقت سیلاب امن‌ترین جا بر بالای بلندی است، این را همه می‌دانند؛ اما! آیا به هنگام سیلاب همه در جای امن ساکن هستند؟

ایمان کتاب مقدسی تنها به معنی باور داشتن نیست، بلکه اکیداً به معنی قرار گرفتن در جایگاه امن است. مسیح نیامده تا گوسفندانش فقط او را بشناسند، بلکه او می‌گردد تا گوسفندان گم شده خود را پیدا کند و در مرتعهای امن و آغل خود قرار دهد. شیطان نیز به خداوند عیسی مسیح ایمان دارد که خداوند است، اما در جایگاه امن او قرار ندارد. متأسفانه اکثریت ایمانداران، فقط ایمان دارند، اما در مکان امن خداوند قرار ندارند زیرا از عقب آواز شبان خود حرکت نمی‌کنند و به صداهای دیگر شبانان کاذب، از مکان امن خارج می‌شوند.

خداوند در خصوص شبانان کاذب و فرقه‌های کذایی در زمانهای آخر می‌فرماید: «^۴عیسی در جواب ایشان گفت: زنه‌ار کسی شما را گمراه نکند! ^۵آئرو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که، من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد» (متی ۲۴ : ۴ - ۵).

دعای با ایمان به آن معنی است که در موضع و مکان امن و حیطه گله خداوند قرار بگیرید و از آن موضع دعا کنید؛ آنگاه است که شبان شما دعای شما را می‌شنود و آمین می‌گوید. ورود به این حیطه بسیار سخت است زیرا گله خداوند می‌بایست فقط با صدای شبان اعظم خود یعنی خداوند عیسی مسیح حرکت کنند، فقط می‌بایست در اطاعت

کامل از کلام خداوند باشند. به صداهاى مشابه دیگر، فرقه‌هاى دیگر، گله‌هاى مشابه کلیسای حقیقی نروند. فقط می‌بایست زیر نام گله خداوند عیسی مسیح حرکت کنند. این تنها راه رسیدن به مکان امن، یا همان ایمان حقیقی است که در آن هر دعایی به تحقق خواهد رسید.

خداوند عیسی مسیح می‌فرماید: «^{۲۴} تا کنون به اسم من چیزی طلب نکردید، بطلبید تا بیابید و خوشی شما کامل گردد» (یوحنا ۱۶ : ۲۴). این تنها بیان کردن یک اسم نیست، بلکه بودن زیر سایه اسم عیسی مسیح است و نه هیچ اسم دیگر، هر اسمی به غیر از عیسی مسیح رد شده است. کلیسایی که هر اسمی به جز نام عیسی مسیح بر خودش بگیرد نه این که در مکان امن ایمان قرار ندارد بلکه رد شده خداوند است.

در عهد عتیق برای قوم اسرائیل نام یهوه مکان امن بوده. زمانی که همه قوم به سمت بت و خدایان دروغین و نامهای دیگر رفتند، یک مرد به نام ایلیا و با نام یهوه آمد و از مکان امن با تمام دل دعا نمود و آسمان را برای سه سال و نیم بست تا باران نبارد. یعقوب در این خصوص می‌فرماید: «^{۱۷} الیاس مردی بود صاحب حواس مثل ما و به تمامی دل دعا کرد که باران نبارد و تا مدت سه سال و شش ماه باران نبارید.^{۱۸} و باز دعا کرد و آسمان بارید و زمین ثمر خود را رویانید» (یعقوب ۵ : ۱۷ - ۱۸).

امروز خداوند عیسی مسیح آشکار نمود که همان یهوه در عهد عتیق بوده. اگر قوم اسرائیل آن زمان نام یهوه را بی‌حرمت کردند و نامهای دروغین را بر خود گرفتند، متأسفانه امروز نیز کلیساها نام خداوند عیسی مسیح را بی‌حرمت نموده و ده‌ها نام کفر آمیز دیگر بر خود گرفتند.

هیچ یک از این نامها، نام مکان امن ایمان به خداوند عیسی مسیح نیست، قرار گرفتن زیر این نامها باعث شنیدن دعاها به گوش خداوند نمی‌گردد. مگر در مواردی بسیار خاص که در کتاب امثال به آن اشاره شده و شرح آن موضوع این کتاب نمی‌باشد.

سخن پایانی:

«^{۳۶}پس در هر وقت دعا کرده، بیدار باشید تا شایسته آن شوید که از جمیع این چیزهایی که به وقوع خواهد پیوست نجات یابید و در حضور پسر انسان بایستید» (لوقا ۲۱ : ۳۶).

این کلام خداوند، برای تمام شاگردان و پیروانش است که برای گریز از تجربیات هولناک زندگی، پیوسته در دعا باشند. این نه تنها یک سفارش بلکه یک هشدار جدی است. زیرا همان گونه که خداوند فرموده، جمیع وقایع ناگوار به سمت ما خواهد آمد و از آن گریزی نیست، مگر این که با دعا و استمداد جستن از خداوند از جمیع این تجربیات سالم درآییم و نجات یابیم.

قوم اسرائیل در بیابان، اگر به جای آن همه شکایت و نق زدن از خداوند، با دعا و التماس می ماندند، به جای ۴۰ سال دربدری در بیابان و در انتها هلاک شدن، در همان ابتدا وارد سرزمین وعده می شدند.

وقتی دعا می کنید، مغرور نشوید از آن که دارید ابراز بندگی می کنید و عملی ایماندارانه نشان می دهید، بلکه با توجه به این که در پی دریافت حاجتهای خود هستید تا نجات یابید با فروتنی و التماس از خداوند استدعا کنید.

هرگز اشتباه نکنید! خداوند هیچ نیازی به دعاهاى ما ندارد. ما از آن جهت دعا می کنیم که محتاج به خداوند هستیم. همیشه منفعت دعا برای شخص دعا کننده است. این یک عمل نیکو و ثواب نیست آن گونه که مذاهب دنیا می گویند، بلکه شرحی از نیازها و احتیاجات و ندای استمداد ما از پدر آسمانی است.

مانند فرزندان برگزیده خدا، همیشه در دعاهاى خود سایر فرزندان خدا و کلیسای برگزیده اش را به یاد بیاورید. برای منحرفین دعا کنید تا خداوند آنان را ببیند و فهمهایشان

را بگشاید تا طریق راستی و حیات را دریابند و وارد آن شوند. برای مردم دنیا و حکام جبّار و هالکان دعا کنید تا از زیان رساندن به فرزندان خدا برگردند.

و همان گونه که خداوند عیسی مسیح سفارش نموده برای دشمنان خود نیز دعا کنید تا نیکویی شما بر بدکاران افزون و عیان گردد و مانند نمک و نور در این جهان فاسد، انعکاس دهندهٔ محبّت عظیم پدر آسمانی خود باشید.

«^{۴۴}اُمّا من به شما می گویم که دشمنان خود را محبّت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید.» (متّی ۵ : ۴۴).

فیض، برکت، سلامتی و مشارکت روح القدس با فرزندان خدای پدر باد، در نام خداوند عیسی مسیح، آمین.

غلام خداوند عیسی مسیح: لوک رایان